

الله أكبر
٢

پیام خدیر

برگزیده‌ای از مجموعه مقالات،

پیام‌ها و دیدارها

مرحع عالیقدر

حضرت آیه الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه

سر شناسه	صافی گلپایگانی، لطف الله
عنوان و نام پدیدآور	پیام غدیر: برگزیده‌ای از مجموعه مقالات، پیام‌ها و دیدارها/ لطف الله صافی گلپایگانی
مشخصات نشر	قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی، ۱۴۳۷ ق. = ۱۳۹۵ .
مشخصات ظاهری	۲۳۱ ص.
شابک	۰-۲۸-۷۸۵۴-۶۰۰-۹۷۸: ۹۵۰۰۰ ریال.
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه؛ همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع	صافی گلپایگانی، لطف الله -- دیدگاه درباره غدیر خم
موضوع	صافی گلپایگانی، لطف الله -- پیام‌ها و سخنرانی‌ها و غدیر خم.
رده بندی کنگره	۱۳۹۵ پ ۹ ص/۵۴/۲۲۳ BP
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۵۲:
شماره کتاب‌شناسی ملی	۴۵۶۵۹۷۵:

دفتر تنظیم و نشر آثار

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (مد ظله الشریف)

- نام کتاب: پیام غدیر (برگزیده‌ای از مجموعه مقالات، پیام‌ها و دیدارها)
- مؤلف: حضرت آیت الله العظمی لطف الله الصافی گلپایگانی مدظله الشریف
- شمارگان: ۳۰۰۰
- چاپ اول (ویراست اول، دوم کتاب): ذی الحجه ۱۴۳۷ ق/ تابستان ۱۳۹۵ ش
- بها: ۹۵۰۰ تومان
- شابک: ۰ - ۲۸ - ۷۸۵۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸
- سایت الکترونیک: www.saafi.net www.saafi.ir
- پست الکترونیک: saafi@saafi.net
- تلفن: ۳۷۷۵۵۵۴۳ (۰۲۵)
- آدرس پستی: قم/ انقلاب ۶ / شماره ۱۸۱



سخن ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم

غدیر، عید ولایت و عید نصب وصیّ الرسول به امر مبارک ذات اقدس حق تعالی است، روز بزرگی که حتی بیگانگان نتوانسته‌اند نور جهان‌تاب آن را پنهان سازند.

دانشمندان، نویسندگان و سرایندگان غدیری اگرچه زمین مسکنت بوسیده و خود را عاجز از وصف ذره‌ای از عظمت غدیر بی‌انتها شمرده‌اند اما بیانات، نوشتارها و سروده‌هایی را در خدمت به آستان ملک‌پاسبان ولایت عرضه نموده‌اند که می‌تواند در معرفت‌آموزی و بینش‌بخشی دل‌شیفتگان ولایت و شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام نقش بسزایی ایفا نماید.

یکی از دانشمندان و نویسندگان برجسته این حوزه ولایی، مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی است که به‌عنوان مؤسس و بنیانگذار دهه ولایت موسوم به «دهه غدیر» شناخته شده‌اند.

پیام غدیر دفتری ارزشمند از مقالات، پیام‌ها و دیدارهای معظم‌له

پیرامون روز بزرگ و تاریخی غدیر است که توسط دفتر تنظیم و نشر آثار این مرجع عالیقدر، گردآوری شده و پس از چیش و نمایه‌نگاری، به عاشقان ولایت تقدیم می‌گردد؛ امید است این اثر ناچیز مورد قبول امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام قرار بگیرد.

والله هو الموفق





فهرست مطالب

بخش اول: مقالات.....	۱۵
(۱) سیری در غدیر.....	۱۷
ارتباط و وابستگی روز بعثت و عید غدیر.....	۱۷
غدیر، استمرار نظام رسولان الهی.....	۱۸
تبعیت از نظام امامت، وظیفه‌ای همگانی.....	۱۹
لزوم تجلیل از عید غدیر.....	۱۹
پرسش‌هایی پیرامون نظام سیاسی اسلام.....	۲۰
پرسش اول.....	۲۱
پرسش دوم.....	۲۲
پرسش سوم.....	۲۲
پرسش چهارم.....	۲۳
پرسش پنجم.....	۲۳
پاسخ به پرسش‌ها.....	۲۵
هدف عالی بعثت و رسالت.....	۲۶
پیش‌بینی و تدارک حکومت خدایی.....	۲۸
مشکل حکومت.....	۳۰
نظامی که معین شد.....	۳۱
سیاست و دیانت در اسلام.....	۳۴
اسناد حدیث غدیر.....	۳۵
تفسیر آیه تبلیغ.....	۳۶
محل و شأن نزول.....	۳۷



۳۸.....	مفاد و هدف آیه.....
۴۱.....	اشکال و جواب.....
۴۳.....	پیام غدیر.....
۴۵.....	(۲) «ولایت» در خطبه غدیر.....
۴۵.....	غرض ورزی همیشگی مخالفان.....
۴۷.....	استعمال لفظ «خلیفه» در بعضی روایات.....
۴۸.....	استعمال لفظ «خلیفه» در اصل خطبه غدیر.....
۴۹.....	وجه تکیه بر لفظ «ولی» و «مولی» در خطبه غدیر.....
۵۳.....	بخش دوم: پیام‌ها.....
۵۵.....	(۱) عجز وصف کنندگان.....
۵۵.....	اعتراف همگان به عجز از وصف علی علیه السلام
۵۶.....	وصف علی علیه السلام از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله
۵۸.....	کلام بزرگان در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام
۶۵.....	(۲) خادمان غدیر.....
۶۵.....	عجز دانشمندان از بیان فضایل علی علیه السلام
۶۶.....	جوانب متعدد شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام
۶۸.....	اعتراف بزرگان اهل سنت به فضایل علی علیه السلام
۷۰.....	تقدیر از شارح کتاب «خصائص نسائی».....
۷۲.....	(۳) نشانه محبت.....
۷۳.....	سلام بر غدیریان.....
۷۴.....	اهمیت روز غدیر.....
۷۵.....	ابعاد عظمت امیرالمؤمنین علیه السلام
۷۹.....	تجلیل از غدیر، زمینه افزایش معارف ولایی.....
۸۰.....	عمل به دستورات دین، علامت واقعی ولایت.....
۸۰.....	مسئولیت همگانی در برابر اعمال خلاف شرع.....
۸۳.....	(۴) مکتب غدیر.....



تفسیر آیه تبلیغ	۸۴
مدنی بودن سوره مائده	۸۴
سابقه نزول آیه در امر ولایت	۸۴
عدم اکمال تبلیغ رسالت بدون ابلاغ ولایت	۸۵
توطئه‌ها علیه تبلیغ ولایت	۸۵
نتیجه تفسیر	۸۶
مقاومان سنگر ولایت	۸۷
چند توصیه به جوانان منتظر	۸۸
گذشته‌های پر افتخار خود را فراموش نکنید	۸۸
به آداب و سنن اسلامی ملتزم باشید	۸۹
استقلال و هویت اسلامی را حفظ کنید	۸۹
تمدن اسلامی را گسترش دهید	۸۹
در مقابل اسلام‌زدایی دشمن به‌هوش باشید	۹۱
از رجوع به جاهلیت اولی و استقبال به جاهلیت آینده پرهیزید	۹۱
علی (علیه السلام) را الگوی خویش قرار دهیم	۹۲
پیرو مکتب علوی و فاطمی باشید	۹۳
(۵) امیر غدیر	۹۵
مقامات عالی امام (علیه السلام)	۹۵
عجز همگان از معرفت امام علی (علیه السلام)	۹۶
لزوم الگوبرداری جوانان از جوانی علی (علیه السلام)	۹۶
(۶) کلام امیر	۹۹
نهج البلاغه نشان کمال انسانیت	۹۹
وجوه اعجاز نهج البلاغه	۱۰۰
اعتراف دانشمندان به مقام والای علی (علیه السلام)	۱۰۱
شخصیت الهی امیرالمؤمنین (علیه السلام)	۱۰۲
(۷) هشدارهای غدیری	۱۰۴

- تعظیم ایام الهی، نشانه التزام به شعائر دینی..... ۱۰۵
- هشدارهای غدیر..... ۱۰۵
- هویت شیعی را حفظ کنید..... ۱۰۵
- مراقب تهاجم دشمنان به اسلام عزیز باشد..... ۱۰۶
- مغلوب ظواهر مادی نشوید..... ۱۰۷
- در مکتب انتظار خود را بسازید..... ۱۰۷
- پیروزی حق و زوال باطل..... ۱۰۷
- آیه ذرّ و لقب امیرالمؤمنین علیه السلام..... ۱۰۸
- (۸) غدیرشناسی..... ۱۱۰
- دهه غدیر، فرصتی برای اجرای مقاصد اسلامی..... ۱۱۱
- مکتب غدیر، مکتب همه انبیا..... ۱۱۱
- اعتبار و تواتر حدیث غدیر..... ۱۱۲
- چند توصیه مهم..... ۱۱۳
- ترویج غدیر را از خانواده خویش آغاز کنید..... ۱۱۳
- همه رسانه‌ها غدیر را تبلیغ کنند..... ۱۱۳
- رشته غدیرشناسی تأسیس شود..... ۱۱۴
- تمسک به غدیر، تنها راه سعادت..... ۱۱۴
- تقدیر از خدمتگزاران غدیر..... ۱۱۴
- (۹) علی محوری..... ۱۱۶
- مودّت اهل بیت علیهم السلام نقطه وحدت فرق اسلامی..... ۱۱۶
- اعتراف فریقین به محوریت علی علیه السلام..... ۱۱۷
- امت واحده با محوریت اهل بیت علیهم السلام..... ۱۱۹
- (۱۰) حیات جاودان..... ۱۲۱
- غدیر رمز پایداری و استقامت..... ۱۲۱
- استمرار غدیر در ولایت امام زمان علیه السلام..... ۱۲۲
- عجز از وصف غدیر..... ۱۲۳



۱۲۳.....	مسئلت توفیق برای خادمان غدیر.....
۱۲۵.....	(۱۱) زیباترین حماسه
۱۲۶.....	ارزش تجلیل از غدیر
۱۲۶.....	چیستی غدیر
۱۲۸.....	وظیفه مسلمانان نسبت به غدیر
۱۲۹.....	پیام‌های غدیر
۱۲۹.....	اعتراف به عجز از وصف غدیر
۱۳۱.....	(۱۲) خطبه و حیانی
۱۳۲.....	اقیانوس معنا
۱۳۶.....	پیرامون خطبه غدیر.....
۱۳۶.....	معجزه رسول الله ﷺ
۱۳۶.....	نقل خطبه توسط بزرگان اهل سنت
۱۳۷.....	لزوم مداومت بر مطالعه خطبه غدیر و تأمل در آن
۱۳۸.....	اعتراف به عجز در نگارش درباره غدیر
۱۳۹.....	(۱۳) نصوص ولایت
۱۴۰.....	انواع نصوص بر ولایت
۱۴۰.....	نصوص جلیّه
۱۴۲.....	نصوص خفیّه
۱۴۳.....	اصل عقلایی تفضیل فاضل بر مفضول
۱۴۶.....	اظهار عجز از وصف غدیر
۱۴۷.....	(۱۴) مرد ولایت
۱۴۸.....	جایگاه والای حدیث غدیر
۱۴۹.....	علّامه امینی، شیفته آستان علوی
۱۴۹.....	وظیفه شیعیان در عصر حاضر
۱۵۱.....	(۱۵) پیروزی نهایی غدیر
۱۵۲.....	غدیر در ملکوت اعلا

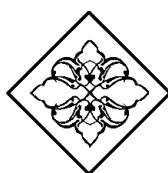
غدير، فرصت تجديد ميثاق با ولايت.....	۱۵۳
نصوص ولايت.....	۱۵۳
ابلاغ غدير، قدرداني از نعمت ولايت.....	۱۵۵
بخش سوم: ديدارها.....	۱۵۷
(۱) حفظ و ترويج آثار غديري.....	۱۵۹
لزوم آشناسازي مردم با فضايل اهل بيت عليه السلام	۱۵۹
ثواب ذكر فضايل امير المؤمنين عليه السلام	۱۵۹
لزوم بهره‌گيري از علوم اهل بيت عليه السلام	۱۶۰
اهميت توجه به آثار علمای سلف درباره حديث غدير.....	۱۶۰
شخصيت الهی حضرت ابوطالب عليه السلام	۱۶۰
(۲) وظيفه خادمان غدير.....	۱۶۱
آشناسازي مردم با معارف ولايي، هدف احياي غدير.....	۱۶۱
تبليغ ولايت علي عليه السلام ، تبليغ تمام رسالت انبيا.....	۱۶۲
ولايت امير المؤمنين عليه السلام در حيات پيامبر صلی الله علیه و آله	۱۶۳
احترام خاص امير المؤمنين عليه السلام به پيامبر صلی الله علیه و آله	۱۶۴
امير المؤمنين عليه السلام ، اولين بيعت‌کننده با پيامبر صلی الله علیه و آله	۱۶۵
فضايل علي از زبان پيامبر صلی الله علیه و آله	۱۶۵
کتاب «الامام علي صوت العدالة الانسانيه».....	۱۶۶
مظلوميت علي عليه السلام در جامعه اسلامي.....	۱۶۷
لزوم رعايت ظواهر شرعي در جشن غدير.....	۱۶۸
(۳) مدافعان ولايت.....	۱۶۹
ارتباط آيه تبليغ و اکمال دين.....	۱۶۹
اهميت واقعه غدير در کلام دانشمندان.....	۱۷۰
افتخار به فرهنگ غدير.....	۱۷۰
لزوم دفاع از حدود و ثغور ولايت.....	۱۷۰



۱۷۲	(۴) اساس دین
۱۷۲	لزوم تبلیغ همگانی مکتب غدیر
۱۷۲	ولایت، شرط قبولی اعمال
۱۷۳	علی علیه السلام افضل اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۷۴	(۵) معرفت افزایی نسبت به ولایت
۱۷۴	لزوم افزایش معرفت نسبت به مقامات علی علیه السلام
۱۷۵	کتاب «الغدیر» احیاکننده ولایت
۱۷۶	(۶) جهانی مشتاق مکتب غدیر
۱۷۶	خدمت به غدیر، عنایت الهی
۱۷۶	اشتیاق جهان به شناختن مکتب ولایت
۱۷۷	لزوم گرامیداشت غدیر
۱۷۸	(۷) ذی الحجه، ماه ولایت
۱۷۸	ابلاغ ولایت علی علیه السلام اساس اسلام
۱۷۹	وضوح واقعه غدیر
۱۷۹	ذی الحجة الحرام، ماه ولایت و امامت
۱۸۰	لزوم اعزام مبلغان غدیر
۱۸۲	(۸) غدیر و اهمیت مدیریت در اسلام
۱۸۲	نصوص قرآنی بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۸۳	مدیریت در جامعه اسلامی
۱۸۴	نصوص روایی متواتر در ولایت علی علیه السلام
۱۸۵	(۹) سیره امام غدیر
۱۸۵	التزام به لوازم ولایت مداری
۱۸۵	اعتراف همگان به فضایل علی علیه السلام
۱۸۶	سیره امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۸۶	اهتمام امیرالمؤمنین علیه السلام به رسیدگی به فقرا



۱۸۸.....	لزوم ترویج کتاب نهج البلاغه.....
۱۸۹.....	(۱۰) مبلغان غدیر.....
۱۸۹.....	لزوم تقویت هویت ولایی.....
۱۹۰.....	غدیر، ابلاغ و اختطاری بزرگ.....
۱۹۱.....	دلالت نصوص جلیه قرآنی بر ولایت علی علیه السلام
۱۹۲.....	اعتراف بزرگان اهل سنت به فضایل علی علیه السلام
۱۹۴.....	غیر قابل شمارش بودن فضایل علی علیه السلام
۱۹۴.....	ولایت از مهم ترین اصول دین.....
۱۹۵.....	ضرورت تبلیغ هویت ولایی.....
۱۹۶.....	آرزوی توفیق تبلیغ غدیر.....
۱۹۷.....	(۱۱) نگهبانان ولایت.....
۱۹۷.....	ارزش والای نعمت ولایت.....
۱۹۸.....	خداوند متعال، حافظ حقیقی ولایت.....
۱۹۸.....	اعتراف فریقین به فضایل علی علیه السلام
۲۰۲.....	امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۰۳.....	فضایل علی علیه السلام در سروده های شعرا.....
۲۰۴.....	نصوص در فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام
۲۰۸.....	اعتراف به عجز از وصف امیرالمؤمنین علیه السلام
۲۱۱.....	کتاب نامه.....



بخش اول
مقالات



۱ سیری در غدیر

قال الله تعالى:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ
لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ
النَّاسِ﴾^۱

﴿الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ
عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ
دِينًا﴾^۲

ارتباط و وابستگی روز بعثت و عید غدیر

روز تاریخی و بزرگ عید سعید غدیر مانند روز عظیم بعثت

۱. این مقاله در ماه ذی الحجة الحرام سال ۱۴۱۱ هجری قمری به رشته تحریر در آمد و در نشریه مشکوة، بهار ۱۳۷۰، شماره ۳۰ به چاپ رسید.

۲. مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، ابلاغ کن، و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای، خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می‌دارد».

۳. مائده، ۳. «امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پسندیدم».



با اهمیت و بی نظیر است. این دو روز با یکدیگر، پیوند و بستگی کامل دارند.

بعثت، اصل، اساس و پایه انقلاب الهی، جهانی و جاودانی اسلام، و روز غدیر مکمل و تداوم بخش آن است. غدیر در وجود، فرع بعثت است و روز بعثت در بقا، پیش آهنگ غدیر است. بعثت، سرآغاز ابلاغ وحی و عرضه نظامات فراگیر و همه جانبه اسلام، تا تشکیل حکومت اسلامی و حاکمیت الله به رهبری شخص رسول اعظم ﷺ است، و روز غدیر کامل کننده دین و اعلام استمرار نظام عصر نبوت به رهبری امیرالمؤمنین و فرزندان آن حضرت، ائمه معصوم علیهم السلام است.

این دو همایون روز، با یکدیگر هم سویی معنوی و بستگی ناگسستنی دارند. حصار خلل ناپذیر اسلام را که توحید همچون پی بنا است، امامت چار دیوار و بعثت سقف است. پس هیچ یک از این دو روز را از دیگری بی نیازی نیست که هر دو خط اسلام را در تأسیس و بقا ترسیم نموده اند، نه اسلام منهای حکومت و نظام غدیر است و نه نظام غدیر، غیر از اسلام است.

غیر، استمرار نظام رسولان الهی

نظامی که در غدیر به آن صورت عام و جلوه رسمی به همگان اعلام شد نظامی است که همواره استمرار داشته و هرگز منقطع نخواهد شد



و زمین هیچ‌گاه از شخصی که صاحب، مدیر و رهبر آن نظام باشد خالی نخواهد ماند.

چنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خبری که خاص و عام آن را روایت نموده‌اند می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ بَلِّ لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهراً مَشْهُوراً وَإِمَّا خَائِفاً مَغْمُوراً»^۱.

تبعیت از نظام امامت، وظیفه‌ای همگانی

مسلمانان راستین و متعهد همواره تابعیت این نظام را که نظام امامت و ولایت است داشته‌اند و دارند و اگر به‌ظاهر تابعیت یکی از نظامات دیگر را داشته باشند و یا در کشورهای بیگانه ناچار از مراعات نظامات آنها باشند در همان حال و همان‌جا نیز باید تابع نظام امامت باشند و در حال مراعات از نظام‌های غیرمسلمان، باید در محدوده تابعیت از نظام امامت عمل نمایند و از آن خارج نشوند.

لزوم تجلیل از عید غدیر

بدیهی است روز ابلاغ و اعلان تشکیل این نظام که در آن واقعیت و

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷، ص ۴۹۷؛ صدوق، کمال الدین، ص ۲۹۴؛ ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۰. «خدایا آری خالی نماند زمین از کسی که قائم باشد از برای خدا به حجت ظاهر و آشکار و یا بیمناک و پنهان».



هویت حاکمیت الله ظهور می‌یابد از ایام الله بزرگ است که باید سالروز آن را گرمی داشت و پیام و درسی را که برای همه جهانیان به‌ویژه مسلمانان دارد همواره بازگو کرد. روزی که دین در آن به کمال رسیده و نعمت خداوند متعال بر این امت تمام یافته است، بسیار با عظمت است. یاد آن روز که نظام سیاسی دین، اعلام و رهبری فکری، علمی، معنوی، سیاسی و امام، حجة الله، ولی الله و خلیفه الله معرفی شده است، باید همیشه در دل‌ها زنده بماند و تعهد جامعه به بزرگداشت و پیروی از آن آشکار باشد.

باید در هر فرصت مناسب و به‌خصوص در ماه ذی‌الحجه پیرامون ابعاد این نظام، شرایط و شخصیت رهبران آن و ویژگی‌های حکومت در اسلام، سخنرانی‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها و تألیف کتاب و تحقیق و بررسی ادامه یابد.

پرسش‌هایی پیرامون نظام سیاسی اسلام

برنامه‌ای که پیغمبر اعظم اسلام ﷺ در غدیر خم به امر مؤکد خداوند متعال اجرا کرد به همه پرسش‌های پیرامون چگونگی نظام سیاسی اسلام پاسخ می‌دهد و اسلام را از نقصی بسیار بزرگ (نداشتن نظام حکومت) مبرا می‌سازد.

برخی از پرسش‌ها پیرامون برنامه حکومت در اسلام به شرح زیر است:



پرسش اول

با تأثیر تمامی که شکل نظام سیاسی در صلاح یا فساد حال جامعه دارد و در تمام شئون زندگی انسان حتی در جزئی‌ترین امور از راهنمایی‌های لازم خودداری نکرده است، در این موضوع حیاتی و سرنوشت‌ساز که حسن جریان همه امور مهم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بلکه عبادی و اخلاقی به آن ارتباط دارد چگونه انسان‌ها را هدایت کرده و چه نظامی را برگزیده است؟ بدیهی است آنچه به عقل خود درک می‌کنیم این است که باید به این مسئله بیشتر از بسیاری مسائل توجه شده باشد.

آنچه از تاریخ استفاده می‌شود این است که شخص پیغمبر صلی الله علیه و آله این موضوع بسیار مهم را می‌دانسته که فقط با انتخاب الهی، تکلیف پیامبر، مشخص می‌شود. به عنوان نمونه یکی از سران کفار در آغاز بعثت، مسلمان شدن خود و قبیله‌اش را مشروط به شرایطی کرده بود که از آن جمله یکی این بود که پس از پیغمبر صلی الله علیه و آله جانشین و خلیفه آن حضرت باشد که حضرت این شرط را با ذکر این دلیل که تعیین جانشین پیامبر با خدا است قبول نفرمود.^۱

۱. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۲۸۹؛ طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۸۴؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۶؛ ابن کثیر، البداية و النهاية، ج ۳، ص ۱۷۱؛ همو، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۱۵۷ - ۱۵۸.



پرسش دوم

بر حسب آیه کریمه: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ...﴾^۱ تا پیش از روز نزول این آیه و حصول سبب نزول آن، دین کامل نبوده و نعمت خدا تمام نشده بود. سؤال این است که امری که دین (یعنی مجموعه تعالیم و دستورات دینی از اعتقادی و عملی) به آن کامل شده است حتماً نه یک حکم جزئی و کوچک بلکه امر بسیار مهمی بوده که اعلام آن سبب نزول این آیه شریفه شده است، و غیر از رهبری امت و ولایت که در روز غدیر ابلاغ شد چه امر مهم دیگری باقی مانده بود که رسماً اعلام نشده باشد تا ابلاغ آن بتواند موجب اکمال دین و اتمام نعمت گردد؟

پرسش سوم

بنا به روایت جمعی از مفسران و علمای اسباب النزول، آیه کریمه: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ...﴾^۲ در حجّة الوداع در سال دهم هجرت نازل شده است و به اتفاق سوره مائده از سور مدنیه است. سؤال این است با اینکه احکام اسلام از عبادات، مثل نماز، روزه و حج، و از مالیات، مثل زکات و خمس، و احکام معاملات و جزائیات در حدود و تعزیر، و کفّارات و دیات همه بیان شده بود و از همه مهم‌تر پیغمبر اکرم ﷺ مبارزه با شرک، بت پرستی و سرکوب کردن آن را به پایان

۱. مائده، ۳.

۲. مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن».



رسانده بود در حجة الوداع به تبلیغ چه امر مهمی مأموریت یافت که خدا فرمود: ﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾^۱ و چه موضوعی بوده است که خدا به پیغمبر شجاع و قوی القلب و بااراده خود فرمود: ﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾^۲ و این کلام خطاب به شخصیتی بود که در شهر مکه مکرمه که در آن عصر مرکز سران بی باک و فتاک مشرکان و بت پرستان بود بی ترس و بیم و بی نگرانی دین توحید را اعلام و شرک و بت پرستی را باطل شمرده بود؟

پرسش چهارم

در غدیر خم، آن مؤتمر و اجتماع بزرگ که دهها هزار نفر در آن شرکت داشتند تشکیل شد و در آن گرمای طاقت فرسا پیغمبر ﷺ دستور داد پیش رفتگان حاج را بازگردانند و منتظر ماند تا عقب ماندگان جمعیت برسند و سپس پیام خود را اعلام فرمود، چنان اعلامی در مورد علی (ع) برای چه امری غیر از ابلاغ رهبری و ولایت آن حضرت می توانست انجام گیرد؟

پرسش پنجم

تواریخ گویای این واقعیت اند که روش امویان و عباسیان، در تجاهر

۱. مائده، ۶۷. «و اگر ابلاغ نکنی رسالتش را انجام نداده ای».

۲. مائده، ۶۷. «و خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می دارد».

به فساد، فحشا، ارتکاب مناهی و انواع فسق و فجور تا آنجا رسید که در عهد جاهلیت هم زشتی رفتار هیچ یک از امپراطوران، قیصرهای جابر روم و شاهنشاهان خودکامه ایران به آن پایه نرسیده بود و خود، احیاگر همان رسوم و عاداتی شدند که اسلام به شدت با آنها به مبارزه برخاسته بود. شمه‌ای از آن مفسد در تاریخ بنی عباس و بنی امیه و دربار آنها ثبت است.

اگر رهبری امت بعد از پیغمبر ﷺ در اختیار افرادی قرار می‌گرفت که اهلیت ادامه دادن به خط و سیره آن حضرت را داشتند اوضاع فاسدی که اسلام بر آنها خط بطلان کشید و خلاف آن را در عمل ارائه داد تجدید نمی‌شد و مدینه مردمی و متواضعی که از پیغمبر ﷺ به جای ماند به دمشق، معاویه، یزید، ولید، سایر بنی امیه؛ بغداد، منصور مستکبر، هارون جابر و دگر ملوک بنی عباس؛ و قسطنطنیه یا سلاطین عثمانی؛ غرناطه، قرطبه اسپانیا و پایتخت‌های دیگر تبدیل نمی‌شد.

اما شد و چهارده قرن همه جا عرصه گنه‌کاری‌ها، بی‌پروایی‌ها، حرام‌خواری‌ها، اسراف‌ها، عیاشی‌ها و انواع فساد در برابر چشم مردم گرسنه و محرومی شد که حق مسلم آنان و وجوه بیت‌المال مسلمانان صرف ارضای شهوات غاصبان خلافت و گماشتگان آنان شد.

گرچه جیره‌خواران آن رژیم‌ها حاکمان فاسد خود را شرعی و واجب‌الاطاعه قلمداد می‌کردند و به اسلام نسبت می‌دادند و لقب



خلیفه و امیرالمؤمنین را به آنان اختصاص داده بودند؛ اما روشن است که نسبت دادن آن نظام‌ها و آن افراد به اسلام و ولایت بر مسلمین تهمت‌ی آشکار به اسلام است که قرآن و سنت و سیره پیامبرش همه با این روش‌ها تعارض دارد و برانداختن آنها یکی از اهداف مسلم اسلام است. قرآن به شدت تجمل‌گرایی و کبر بر دیگران را نکوهش کرده است.

پس نه آن حاکمان که عملاً بر مسلمین مسلط شدند می‌توانسته‌اند مورد تأیید اسلام باشند و نه معیارهای انتصاب آنان، و اکنون این سؤال مطرح می‌شود که اسلام برای مشروعیت نظام چه معیارهای را معتبر می‌شمارد و چه افرادی را با چه اوصاف و علامات‌ی برای رهبری معین کرده است؟

پاسخ به پرسش‌ها

پاسخ به این پرسش‌ها و هر پرسش دیگری از این قبیل، گرچه از احادیث بسیار، مثل احادیث خلفای اثنی عشر، احادیث سفینه، امان، احادیث ثقلین و احادیث کثیره فضایل علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام دریافت می‌شود، از حدیث متواتر غدیر - که به حدیث ولایت معروف است و اعلان رسمی و عمومی مربوط به نظام رهبری امت است - هرچه بیشتر آشکار می‌گردد خصوصاً اگر در مقام نظر به این حدیث متواتر،



مفاد و تفسیر آیه: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ...﴾^۱ و آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ...﴾^۲ را نیز بررسی کنیم.

اینک در این مختصر، ذیل چند عنوان، به طور بسیار فشرده موضوع را دنبال می‌کنیم:

هدف عالی بعثت و رسالت

حضرت خاتم الانبیاء ﷺ در طول بیست و سه سال نسبت به هدایت گمراهان، دعوت به توحید، نفی شرک، بت پرستی، تربیت جامعه، تبلیغ احکام، تشویق مردم به عدل، احسان، برادری، فضایل و رعایت حقوق یکدیگر و حکومت دادن حق و قانون خدا رنج و زحمت بسیار کشید. آن حضرت به فرمان خدا و بنا به رسالتی که بر عهده داشت، در ترویج همه فضایل و براندازی همه رذایلی که در آن زمان نیز مانند عصر ما به صورت‌های گوناگون، هم در بین مردم وحشی و هم در میان مردم به اصطلاح متمدن رایج بود پایان دهد.^۳ و جهانی در خور شأن همه انسان‌ها و بر اساس علم، فضیلت، عدالت، احترام به حقوق همه افراد و آزادی واقعی پایه‌ریزی نماید. جهانی که همه افراد آن

۱. مائده، ۳.

۲. مائده، ۶۷.

۳. امروز قلدری و استضعاف به صورت مدرن و زیر پوشش حمایت از حقوق بشر، آزادی، دموکراسی و به اسم سازمان ملل به مراتب شدیدتر و وحشیانه‌تر از آن دوره‌ها جریان دارد.



مانند اعضای تن واحد در آسایش، گشایش و در سختی و بلا همراه یکدیگر باشند و ایمان به خدا، تقوا، تعاون و دیگر فضایل انسانی و در آن عالی‌ترین ارزش‌ها باشد.

اسلام، بشر را به‌سوی جهانی هدایت می‌کند که در آن زمینه‌ای برای حکومت جابران و عزیزان بلاجهت فراهم نباشد و حکومت خودبه‌خود و به‌عنوان هدف و رتبه و برای برتری بر دیگران مقصود نباشد و کسی نتواند خود یا افکار شخصی خود را بر مردم تحمیل کند و بندگان خدا را بفریبد و آنها را نردبان دستیابی به مقاصد نفسانی خود قرار دهد.

بزرگ‌ترین بلا و مصیبتی که در زمان ظهور اسلام جان و شرف بشر را تهدید می‌کرد روش حکومت‌ها بود و ریشه آن مفاسد در منجالب شرک، بت‌پرستی و پرستش زمامداران که حاصل ناآگاهی مردم از معنای توحید خالص بود قرار داشت.

این دستور آزادی‌بخش قرآن کریم است که:

﴿تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ

إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا

أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾.^۱

۱. آل‌عمران، ۶۴. «ای اهل کتاب بیایید به‌سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرسیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه - به‌خدایی نپذیرد».

و این شعار مسلمانان بود:

«إِنَّ اللَّهَ ابْتَعَثَنَا لِنُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ دُلَّ طَاعَةِ الْعِبَادِ
إِلَى عِزِّ طَاعَتِهِ وَمِنْ ظُلُمَاتِ الشِّرْكِ وَعِبَادَةِ
الْأَصْنَامِ وَالْأَوْثَانِ إِلَى نُورِ الْإِسْلَامِ»^۱.

پیش‌بینی و تدارک حکومت‌خداپی

هر پیامبری که از طرف خدا مبعوث شده برای این بوده است که فشارها و بارهای سنگین زندگی، زنجیرهای عادات ناپسند و روش‌های ناهنجار اجتماعی را از دوش مردم بردارد^۲ و خدا خاتم النبیین را فرستاد تا ﴿رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^۳ یعنی رحمت برای جهانیان باشد و تبلیغ آخرین برنامه جامع آسمانی را به عهده او گذاشت.

پس باید دینش در مورد حکومت نیز جواب‌گوی حوایج بشر و ظهور توحید یعنی حاکمیت و سلطنت خدا باشد. پیغمبری که علم‌دار آزادی و نجات بشر است، خود و همه را بنده خدا می‌داند و همه امتیازهای مادی را باطل کرده و ندای «الله اکبر» و ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ

۱. «خداوند متعال ما را مبعوث کرد تا بندگان او را از خواری اطاعت بندگان به افتخار اطاعت او رهنمون باشیم و از تاریکی‌های شرک و بندگی بت‌ها برهانیم و آنها را به نور اسلام برسانیم».

۲. اعراف، ۱۵۷.

۳. انبیاء، ۱۰۷.



اللّٰهُ اَتَقَاكُمْ^۱، او، دل‌ها را به او و به آیین او جذب کرده و با گفتار، عمل، روش متواضعانه و اخلاق ممتاز خود مردم را به مفهوم صحیح حریت و مساوات آشنا کرده و عقیده توحید را منبع تمام فضایل و مقاصد کمال‌بخش معرفی فرموده و آیین جامع و کامل او، راه رفع کوچک‌ترین اسباب نزاع و تفرقه را پیش‌بینی کرده و در بسیاری از تعالیمش رفع اختلاف و دشمنی ملاحظه شده است و از بیان مستحبات، مکروهات، اخلاقیات، نظام معاملات و آداب خوردن، پوشیدن، نوشیدن، خوابیدن، معاشرت با مردم و سلوک با خویشاوند و بیگانه حتی مقررات عبور و مرور و سایر نقایص و آداب استحمام خودداری نفرموده و آنچه را که مربوط به سیاست مدن و تدبیر منزل و زندگی عائلی است بیان داشته است، محال است در موضوع بزرگی که اجرای کامل تمام احکام، تعمیم عدالت و امنیت، رفاه عمومی، رشد و ترقی علمی و فکری جامعه و اعتلای کلمه توحید به آن بستگی دارد سکوت ورزد و درباره آن مسامحه نماید، حاشا و کلاً، و تعالی الله و رسوله

عَمَّا يَقُولُهُ الظَّالِمُونَ عَلَوًّا كَبِيراً^۲.

جایی که رحمانیت، رحیمیت، هدایت، فیض لطف و انعام و اسماء

۱. حجرات، ۱۳. «گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شما است».

۲. «هرگز و به هیچ وجه، و خدا و پیامبرش خیلی بالاتر و برترند از چیزی که ستمگران آن را می‌گویند».



الحسنای دیگر الهی اقتضا کند که بندگان را در انواع برنامه‌های معاش و معاد هدایت فرماید به‌طریق‌اولی این اسمای حسنی اقتضا می‌کند که در چنین امر مهمی آنها را هدایت فرماید.

مشکل حکومت

در گذشته و حال یکی از مهم‌ترین اموری که همواره افکار بشر را از حاکم و محکوم به خود مشغول ساخته است، مسئله رهبری و زمامداری جامعه و چگونگی حکومت، سیستم اداره امور، تشکیلات انتظامی و قضایی و بخش‌های دیگر است که هنوز هم افکار نسبت به آن هماهنگ نشده و هنوز هم یکی از علل بزرگ و بلکه بزرگ‌ترین علت اختلافات و جنگ‌ها است.

در هنگام ظهور خورشید جهان‌تاب اسلام هم دنیا با همین مشکل روبرو بوده و با اینکه همه در لزوم وجود نظام و رهبری جامعه تقریباً اتفاق نظر داشته‌اند در نوع این نظام و روش اداره و گزینش رهبر اختلاف نظر بوده و هست.

پس اسلام که آن را آیینی جهانی می‌دانیم و معتقدیم که برای اداره دنیا و آخرت آمده چگونه ممکن است به این مشکل بی‌اعتنا مانده و تعیین تکلیف این چنین برنامه‌خدایی را بر عهده انسان‌هایی جدال‌گر واگذارده باشد؟

اگر مسئله حکومت بر اساس صحیح پی‌ریزی نشود، سایر احکام و



برنامه‌های علمی، تربیتی، سیاسی و مدنی دین به‌طور کامل اجرا نمی‌شود و در حدودی هم که اجرا شود دارای فواید همه‌جانبه نخواهد بود. از این جهت است که برحسب احادیث، معرفت امام وقت واجب^۱ و ولایت از اهمّ ارکان و اساس اسلام است.^۲

پس به این نتیجه می‌رسیم که اسلام، سبک و سیستم حکومت و کیفیت سازمان آن را کوچک نشمرده و از چنین نقص بزرگی منزّه و مبرا^۳ است و البته اصلاح امر حکومت، مثل اصلاح سایر امور جزء برنامه‌های اساسی اسلام قرار دارد و اسلام شرایط زمامداری، روابط ملت و حکومت و حدود اختیارات زمامداران را معین کرده است.

نظامی که معین شد

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برای استمرار و ادامه حکومتی که به فرمان خدا به رهبری شخص آن حضرت به وجود آمده بود نظام امامت، یعنی نظام اصلح و رهبری امام معصوم و اعلم امت را نظام اسلام اعلام فرمود. در اینجا اگر بخواهیم پیرامون نظام امامت و استحکام و استواری آن (به‌عنوان یگانه نظام مورد اعتماد و اطمینان همه‌جانبه) و نواقص و معایب نظامات دیگر که از سوی بشر در گذشته و حال عرضه شده و

۱. صدوق، کمال الدین، ص ۴۰۹؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۸؛

مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۶۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۳۲۹.



می شود سخن بگوییم، این گفتار طولانی می شود لذا خوانندگان عزیز را به کتاب هایی که پیرامون این موضوع نوشته شده ارجاع می دهیم.

بر اساس عقاید توحیدی که حاکمیت مختص الله است و هیچ کس بر دیگری و حتی بر خودش بدون اعطای ولایت از سوی خدا ولایت ندارد و قبول این گونه ولایت ها بر امور اگرچه به صورت به اصطلاح دموکراتیک، یعنی حکومت مردم بر مردم باشد با عقیده به توحید و حاکمیت الله نه توجیه شدنی است و نه قابل قبول.

بنابراین برحسب این عقیده توحیدی، تعیین نظام و ایجاب اطاعت از آن باید از جانب خدا باشد و استبداد به امر و دخالت در تعیین نظام و حاکم هر چند شرک صریح نباشد درحقیقت مشارکت و دخالت در امری است که خاص خداوند متعال می باشد.

و با این توضیح، بدیهی است نظامی که از جانب خدا منصوب می شود نظامی است که خلافت از خدا دارد و رهبر آن خلیفه الله است و هیچ کس غیر از معصوم صلاحیت این رهبری، خلافت و امامت را ندارد. لذا، هم از لحاظ اینکه اصل تعیین نظام و حاکم - چنان که عرض شد - حق الهی است، و هم از جهت اینکه صاحب مقام عصمت، و این قوه ملکوتیه را غیر از خدا کسی نمی شناسد، این نظام معصوم و حکومت معصومه، و رهبر معصوم او را فقط خدا معرفی و منصوب می فرماید.

بر این اساس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شخصیت هایی را که از هر جهت،



صلاحیت این رهبری را دارند معرفی فرمود و در روایات متواتر اثنی عشر که از طریق عامه و از جمعی از اصحاب روایت شده و تنها از یک نفر از آنها به نام جابر بن سمره در *مسند احمد بن حنبل*^۱ که معروفترین مسانید است از سی و چهار طریق روایت شده است صریحاً عدد آنها دوازده نفر معین شده است.

بی شک عدد دوازده در این بحث روشنگر مطالب مهمی است که در نوشتار حاضر پرداختن به آنها کلام را بسیار طولانی می سازد. در احادیث ثقلین نیز به عصمت عترت و جدا نبودن آنان از قرآن و مصونیت ایشان از خطا تصریح شده است و ازجمله در سفر حجّة الوداع در عرفات بر وجوب تمسک به قرآن و عترت تأکید فرمود و در موارد دیگر و نصوص بسیار، نظام امامت منصوص شده است. مع ذلک چون موضوع ابلاغ ولایت بسیار مهم بود پیغمبر ﷺ مأمور شد که در بزرگترین اجتماعی که ده ها هزار نفر در آن حضور داشتند به طور رسمی و صریح آن را ابلاغ نماید.^۲

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۸۶-۱۰۸.

۲. در اینجا لازم به ذکر است علاوه بر این ابلاغ رسمی که در غدیر خم انجام گرفت پیغمبر ﷺ می خواست وصیت خود را که حتماً امری جز گزینش علی علیه السلام به خلافت نبود کتباً نیز اعلام نماید، لذا قلم و کاغذ خواست تا برای امت بنویسد چیزی را که هرگز گمراه نگردند ولی کسانی که هوس ریاست بر سر داشتند مانع شدند و آن گستاخی بزرگ و بی ادبی را نسبت به ساحت قدس رسول خدا ﷺ مرتکب شدند و به آن ص



برحسب این مأموریت بسیار مؤکد و علی رغم تحریکات سیاسی و موانعی که برای جلوگیری از این ابلاغ در میان بود که تا سر حدّ سوء قصد به جان پیغمبر ﷺ رسید، آن حضرت در غدیر خم - که آخرین و بهترین فرصت برای ابلاغ چنین امری بود - با آن مراسم شکوهمند، علی علیه السلام را به خلافت و جانشینی خود، نصب و استمرار رهبری های خود را بر جامعه تا روز قیامت اعلام فرمود و با اجرای این دستور الهی، اسلام را کامل و تمام گردانید.

سیاست و دیانت در اسلام

از برنامه نصب علی علیه السلام به زمامداری و امامت امت این موضوع هم دانسته شد که در اسلام، سیاست و زمامداری از رهبری روحانی و

→ حضرت هذیان گوئی (العیاذ بالله) نسبت دادند و با داد و فریاد در حضور پیامبر، او را از نوشتن وصیّت مانع شدند. شرح این مصیبت، بسیار اسفانگیز و حزن آمیز است. هر خواننده ای که بخواهد مختصری از این واقعه دردناک را بخواند می تواند به صحیح ترین کتاب در نزد اهل سنت، یعنی صحیح بخاری (ج ۱، ص ۳۶ - ۳۷، باب کتابة العلم؛ ج ۴، ص ۳۱، باب جوائز الوفاء؛ ج ۵، ص ۱۳۷ - ۱۳۸، باب مرض النبی ﷺ؛ ج ۸، ص ۱۶۰ - ۱۶۱، باب کراهیة الخلاف)؛ و صحیح مسلم (ج ۵، ص ۷۵، کتاب الوصیة)؛ و مسند احمد (من حدیث ابن عباس، ج ۱، ص ۲۲۲ - ۲۲۶) رجوع نماید و یادآور می شویم که خبر امت، ابن عباس هروقت این واقعه را به یاد می آورد سیل اشکش جاری می شد و آن را مصیبت و تمام مصیبت می خواند.

واضح است که آن معارضه با رسول خدا ﷺ با آن همه شدّت و اهانت به این جهت بود که بعد از غدیر خم و آن ابلاغ رسمی، این گروه معارض می دانستند که مقصد پیامبر ﷺ این است که با سند کتبی تأکید بر نظام امامت و خلافت علی علیه السلام بفرماید.



معنوی جدا نیست و جانشینان پیغمبر ﷺ باید مثل اعلا و نمونه کامل اخلاق و فضایل و علوم آن حضرت باشند و بتوانند مردم را به جمیع حقایق دین و دقایق احکام شرع و شرح و تفسیر قرآن مجید هدایت کنند.

و به عبارت دیگر، جانشینی پیغمبر، یعنی ادامه علم، کمال، اخلاق، هدایت و زمامداری آن حضرت و عهده‌داری امور امت در جمیع آنچه راجع به مصالح دین و دنیا است، و این همان معنایی است که بعد از پیغمبر تا حال منقطع نشده و باقی است و منقطع نخواهد شد.

اسناد حدیث غدیر

راجع به عید سعید غدیر و اهمیت این روز تاریخی و احادیث متواتره‌ای که در کتاب‌های شیعه و سنی تخریج شده و از نظر متن و سند مورد بحث، دقت و تحقیق قرار گرفته است و حافظان و علمای عالی مقام علم حدیث و کلام پیرامون آن کتاب‌های علمی و پر ارزشی نوشته‌اند^۱ و علاوه بر کلام از علمای حدیث، کلام، تاریخ، تفسیر، رجال و جغرافیا به مناسبت فن خود این حدیث را روایت کرده‌اند. در عصر ما نیز کتاب ارزنده *الغدیر* یکی از جامع‌ترین کتاب‌هایی

۱. از ابوالعالی جوینی نقل شده که در بغداد در نزد صحافی یک جلد کتاب دیدم که بر آن نوشته شده بود: «المجلدة الثامنة والعشرون من طرق قوله ﷺ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ» و يتلوه المجلدة التاسعة والعشرون؛ جلد ۲۸ از طرق حدیث: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ»، که جلد ۲۹ بعد از آن می‌آید». قندوزی، ینایع المودّة، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۴.

است که مصادر حدیث و روایت‌کنندگان آن از صحابه و تابعین با بررسی جوانب آن و ملاحظات بسیار پرمحتوا و تحقیقات علمی، تاریخی و کلامی در دسترس همگان قرار گرفته است.

با داشتن کتابی همچون *الغدیر* و همچنین کتاب بسیار نفیس *عقبات الانوار* و کتاب‌های دیگر که هم اسناد حدیث را جمع‌آوری و هم متن آن را با دقت بررسی کرده و دلالت آن را بر ولایت و خلافت بلافصل علی علیه السلام آشکار نموده‌اند از بحث در صحت اسناد و تواتر حدیث، و دلالت الفاظ آن بی‌نیازیم.

تفسیر آیه تبلیغ

فقط نظری به تفسیر آیه کریمه: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ...﴾ می‌اندازیم:

این آیه، آیه ۶۷ از سوره مائده است که به اتفاق مدینه است.^۱

۱. مشهورترین اصطلاح در تقسیم سور به مکیه و مدنیّه این است که آنچه از قرآن قبل از هجرت نازل شده مکی و آنچه بعد از هجرت نازل شده مدنی است هرچند در مکه یا بین راه مکه و مدینه نازل شده باشد و بعضی آنچه را که در بین راه مکه و مدینه پیش از ورود پیغمبر صلی الله علیه و آله به مدینه و در سفر هجرت نازل شده مکی می‌گویند. ناگفته نماند در کتابی که اخیراً درباره الفاظ، سوره و آیات قرآن نوشته شده معیاری را که نوشته است چندان معتبر نیست و اما بعد از شناسایی سوره و آیات مکی و مدنی با معیارها و اصطلاح‌های اصیل ممکن است قابل استفاده باشد که در اینجا مجال شرح موضوع نیست.

محل و شأن نزول

سیوطی در **الاتقان**^۱ و **الدرّ المنثور**^۲ از ابی عبید از محمد بن کعب نقل کرده که سوره مائده در حجّة الوداع مابین مکه و مدینه نازل شد، و جایی دیگر در **الاتقان**^۳ و **الدرّ المنثور**^۴ از ترمذی، حاکم، احمد و ابی عبید در **فضائل** و نحاس در **ناسخ** و نسائی، ابن منذر، ابن مردویه و بیهقی در **سنن** از عایشه نقل کرده‌اند که آخرین سوره‌ای که نازل شده سوره مائده است و از احمد، ترمذی، حاکم، ابن مردویه و بیهقی از عبدالله بن عمر نقل کرده‌اند که آخرین سوره‌ای که نازل شده سوره مائده و فتح است.^۵

و در **الدرّ المنثور** از ابی عبید از ضمیره و عطیه روایت کرده که هر دو گفتند که پیغمبر ﷺ فرمود: «آخر قرآن از جهت نزول، مائده است» و از ابی میسره نیز همین مضمون را نقل کرده است. مکان و زمان و شأن نزول آیه بنا به نقل کثیری از علمای «اسباب النزول» و مفسرین، این آیه کریمه در غدیر خم در روز هجدهم ذی الحجّه در شأن امیرالمؤمنین علی ؑ نازل شده است.

۱. سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۶۰.

۲. سیوطی، الدرّ المنثور، ج ۲، ص ۲۵۲.

۳. سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۸۴.

۴. سیوطی، الدرّ المنثور، ج ۲، ص ۲۵۲.

۵. مقصود از سوره فتح ﴿إِنَّا فَتَحْنَا﴾ که سوره فتح کبری نامیده شده نیست، بلکه مقصود سوره ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾ است که به سوره فتح صغری موسوم است.



از جمله واحدی در *اسباب النزول*^۱ به سند خویش از ابی سعید خدری روایت کرده است که گفت: این آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ...﴾ روز غدیر خم در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد. سیوطی در *الدرّ المشور*^۲ از ابن ابی حاتم، ابن مردویه و ابن عساکر از ابی سعید آنچه را واحدی از او روایت کرده است و از ابن مردویه از ابن مسعود نقل کرده است که گفت: ما در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله این آیه را به این نحو قرائت می کردیم:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ عَلَيَّ
مَوْلىَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ...﴾^۳

و در *الغدیر* از سی نفر از علما و بزرگان محدثان اهل سنت نقل کرده است که همه در کتاب های خود نزول آیه را در غدیر خم در تبلیغ ولایت علی علیه السلام روایت نموده اند.

مفاد و هدف آیه

هرکس آنچه را به آن اشاره شد، یعنی مکان و زمان نزول سوره مائده

۱. واحدی، اسباب النزول، ص ۱۳۵.

۲. سیوطی، الدرّ المشور، ج ۲، ص ۲۹۸.

۳. ظاهراً مقصود ابن مسعود می تواند این باشد که در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله شأن نزول آیه را نیز در هنگام قرائت یادآور می شدیم ولی بعدها که سیاست حکومت بر کتمان این امور و ترک نقل آنها قرار گرفت آن روش که یادآور ولایت علی علیه السلام و شأن نزول آیه بود متروک شد.



و آیه کریمه و واقعه تاریخی و متواتر غدیر خم و ابلاغ ولایت علی علیه السلام با آن اهمیت و تأکید و تشریفات فراموش نشدنی را ملاحظه کند و در مضمون آیه و جمله‌های آن دقت نماید تصدیق خواهد کرد که آنچه به نزول آن در این آیه اشاره شده غیر از ولایت علی علیه السلام چیز دیگری نبوده و موضوع دیگری که نزول چنین آیه‌ای با این تأکید و تهدید در مورد آن مناسب باشد در سال حجّة الوداع و در غدیر خم در هجدهم ذی الحجّه در بین نبوده است و با قطع نظر از گفته‌های مفسران معلوم می‌شود که پیغمبر صلی الله علیه و آله به تبلیغ امری مهم و بزرگ مأموریت یافته که از ارکان مهم دعوت آن حضرت بوده است و در سال حجّة الوداع قرب ارتحال پیغمبر صلی الله علیه و آله غیر از امر خلافت و ولایت، موضوعی که این همه تأکید نسبت به آن مناسب باشد پیدا نخواهیم کرد.

اگر نزول آیه در آغاز بعثت و پیش از هجرت یا اوایل آن بود که دشمنان پیغمبر صلی الله علیه و آله در نهایت کوشش و قدرت ظاهری با آن حضرت به مبارزه برخاسته بودند و تمام یا اکثر احکام تبلیغ نشده بود جا داشت کسی بگوید این آیه راجع به اصل دعوت و رسالت و قیام به امر نبوت و یا ابلاغ احکام عمده و مهم دین است، اما در سال حجّة الوداع که احکام، تبلیغ شده و پیغمبر صلی الله علیه و آله با کمال استقامت و شجاعت همه وظایف رسالت را به انجام رسانده و رسم بت‌پرستی و شرک را از بین برده و در تمام شبه جزیره عربستان بت‌ها را سرنگون کرده و درهم شکسته و زمینه فتوحات آینده را برای دین خدا فراهم ساخته و

نیرومندترین دشمنان آن حضرت در برابر احکام و قوانین اسلام تسلیم شده و اسلحه بر زمین گذاشته‌اند و توحید و پرستش خدای یگانه همه‌جا رایج و نماز، روزه، حج، جهاد، زکات، سایر فرایض و واجبات، محرّمات و حدود، تبلیغ و اجرا شده و مسلمین در خطرناک‌ترین جنگ‌ها شرکت کرده و جان و مال خود را نثار راه اطاعت از خدا و پیغمبر نموده بودند غیر از امر ولایت و خلافت، موضوعی نمانده بود که پیغمبر مأمور به تبلیغ آن شود و اهمیت آن به قدری باشد که عدم تبلیغ و نرساندن آن به مردم مساوی با عدم تبلیغ تمام احکام باشد.

از جمله: ﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾^۱ استفاده می‌شود که به استثنای موردی که این آیه بدان اشاره دارد پیغمبر ﷺ کلّ رسالت خدا را تبلیغ کرده و (ما)ی موصول اشاره به موردی خاص است و اگر ولایت بر عموم ما انزل الیه داشته باشد، معنایش بی‌لطف است و دور از منطق معجزیّان قرآن خواهد شد، زیرا بنابراین، مفاد آیه این می‌شود که «بَلَّغَ رِسَالَتَكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» و حاصل اینکه سیاق این جمله دلیل بر این است که آیه در پایان ابلاغ رسالات الهی نازل شده و مربوط به موضوع ویژه‌ای است و از جمله: ﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾^۲

۱. مائده، ۶۷. «و اگر (آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است) ابلاغ نکنی،

رسالتش را انجام نداده‌ای».

۲. مائده، ۶۷. «و خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می‌دارد».



استفاده می‌شود موضوعی که آن حضرت مأمور به تبلیغ آن شده موضوعی بوده که تبلیغ آن معرض کارشکنی‌ها، مخالفت مردم مغرض و تحریکات و سوء قصد به جان گرامی و نفس نفیس آن حضرت بوده است و بدیهی است که در آن وقت موضوعی که معرض مخالفت و بروز سوء نیت منافقان و منحرفان باشد غیر از مسئله خلافت چیز دیگری نبوده است.

اشکال و جواب

اگر کسی بگوید موضوع ولایت و خلافت علی علیه السلام نیز یک موضوع تازه و مطلب بی‌سابقه‌ای نبود که پیغمبر صلی الله علیه و آله در مورد آن سخنی نفرموده باشد بلکه از آغاز بعثت و از واقعه یوم الدار و یوم الانذار که در سال سوم بعثت واقع شد تا سال حجّة الوداع در موارد متعدد و مکرر پیغمبر صلی الله علیه و آله حق بلاغ را راجع به آن ادا فرموده بود، پس چگونه این آیه در مورد آن نازل شده است؟

پاسخ این است: همین گونه است که بیان می‌کنید، البته نصوصی که دلالت بر خلافت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام دارد منحصر به حدیث غدیر نیست.

تبلیغ ولایت از اوّل در برنامه‌های رسالت قرار داشته و رسول خدا صلی الله علیه و آله در فرصت‌های مناسب آن را به مردم تبلیغ می‌فرمود و چنان‌که صریحاً به آن اشاره کردیم در حدیث متواتر ثقلین عترت را عدل قرآن

کریم و در احادیث متواتر و مشهور دیگر علی علیه السلام را خلیفه و جانشین خود معرفی فرمود، ولی چون امر ولایت موضوعی است که همواره صاحبان اغراض شخصی و ریاست طلبان به آن چشم طمع دارند تبلیغ عادی و متعارف که نسبت به بیان یک حکم ساده انجام می شود برای آن کافی نیست و باید تا ممکن است ابلاغ آن ظاهرتر و رساتر باشد به طوری که دسایس سیاسی نتواند آن را محو نماید.

به این جهت گرچه انتصاب و معرفی جانشین پیامبر در مناسبات مختلف انجام شدنی بود اما چون به مرور زمان ممکن بود در بعضی اذهان اهمیت آن کم و یا فراموش شود، بهترین و مناسب ترین فرصت و موقعیت برای اعلان عام و غیر قابل انکار آن، همان زمان قُرب رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و در آن مجمع همگانی مسلمانان بود تا هم یاد اعلام های قبلی تازه شود که مسلمانان نسبت به آن موضوع مهم، بعید العهد نشوند و هم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شخصاً و بدون واسطه دیگران به عموم مسلمانانی که برای انجام فریضه حج از اطراف و اکناف آمده بودند ابلاغ فرماید.

لذا به فرمان آن حضرت پیش رونندگان قافله حاج را به غدیر خم برگرداند و منتظر ماند تا عقب ماندگان نیز رسیدند. سپس با آن تشریفات مشهور اعلام انتصاب رسمی و گزینش علنی علی علیه السلام به خلافت انجام شد، و پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله رسالت خود را ادا کرد، و دین کامل و نعمت خدا بر این امت اتمام یافت، و آیه کریمه:



﴿الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ
عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ
دِينًا﴾^۱

نازل گردید.

پیام غدیر

پیام غدیر، پیام ولایت و پیام کمال دین و اعلام نظام جاودانی و جهانی اسلام و بیان بقا و استمرار نظام عصر رسالت است. محتوای این پیام، وجود حکومت جهانی و واحد اسلامی است که بدون انقطاع و کم‌ترین فترت در همه ادوار و اعصار برقرار بوده است و بر هر مسلمانی در هر کجا باشد اگرچه به‌ظاهر در تابعیت نظام‌های غیر شرعی محسوب شود واجب است از این نظام امامت تبعیت نماید و خود را ملزم به تابعیت آن بداند.

مسلمانان راستین در طول متجاوز از چهارده قرن در عصر امثال سلاطین بنی‌امیه و بنی‌عباس و دیگران، تابعیت این نظام را داشته و دارند و اگرچه این تابعیت با قوه قهریه و نیروی انتظامی بر آنها تحمیل نشده خودبه‌خود به تعهدی که در برابر این نظام دارند و بیعتی که از امام عصر علیه السلام در هر زمان به گردن دارند وفادارند و از آن تبعیت

۱. مائده، ۳. «امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به‌عنوان آیین (جاودان) شما پسندیدم».

می‌نمایند و در این عصر که شمس آسمان ولایت حضرت بقیه الله ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء در پرده غیبت قرار گرفته است از علمای عامل و فقهای عادل که نواب عام آن خلیفه یزدان و رهبر دوران هستند و به ظاهر عهده‌دار شئون نظام امامت، نگهبان ثغور دین و دفع بدع مبدعان و شبهات ملحدان می‌باشند پیروی و تبعیت می‌نمایند.

وَاٰخِرُ دَعْوَانَا اِنِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. جَعَلَنَا اللهُ
تَعَالٰی مِنَ الْمَتَمَسِّكِيْنَ بِوَلَايَةِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْاِئِمَّةِ
الطَّاهِرِيْنَ مِنْ وُلْدِهِ سَيِّدَا مَوْلَانَا وَسَيِّدِنَا صَاحِبِ
الزَّمَانِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.



«ولایت» در خطبه غدیر

در پاسخ به پرسش برخی از مؤمنین که پرسیده بودند چرا در حدیث شریف غدیر، خلافت و جانشینی امیرالمؤمنین علی علیه السلام به لفظ «خلیفه» عنوان نشده است تا ایراداتی که در دلالت ولیّ و مولی بر ولایت، زعامت و زمامداری امور شده است مطرح نشود، به چند نکته اشاره می‌کنیم:

غرض‌ورزی همیشگی مخالفان

اولاً، وقتی اغراض نفسانی، سیاسی و دنیوی در بین باشد، با هر شکل و هر لفظی این مطلب یا هر مطلب دیگری ادا و بیان شود، صاحبان اغراض ایراد می‌گیرند.

اگر در موقف عظیم غدیر، به جای ولیّ و مولی، هر کلمه دیگری همانند همین لفظ «خلیفه» گفته می‌شد، مثل ولیّ و مولی به آن ایراد می‌گرفتند، مثلاً در اطلاق متعلّق آن حرفی می‌زدند، یا مثلاً «أَنْتَ الْخَلِيفَةُ



بَعْدِي^۱ را به بعد از سه نفر معنی می کردند، و بالآخره اگر هر تأکید و تصریحی می شد، اصل مسئله نظام و حکومت را خارج از محدوده رسالت می شمردند و آن را یک رأی شخصی رسول اکرم ﷺ معرفی می نمودند و اجتهاد خود را حاکم بر آن قرار می دادند.

اهل نظر و تحقیق با اینکه می بینند وقتی رسول خدا ﷺ دوات، قلم و کاغذ می خواهد تا آن وصیتی را که با عمل به آن هرگز امت گمراه نگردند، بنویسد و با اینکه کلامش در نهایت صراحت بود و هیچ گونه توجیه و تأویل بر نمی داشت و رد آن ممکن نمی نمود، با آن گونه القای شبهه روبرو گردید که «غَلَبَ عَلَيْهِ الْوَجَعُ» یا «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَهْجُرُ»^۲ گفتند و با این بیان، در کمال وقاحت بدان حضرت اعلام کردند که اگر هم بنویسی و وصیت بنمایی، ما با شبهه هذیان گویی آن را رد می کنیم.

۱. «تو پس از من جانشین من هستی».

۲. اشاره به روایت: «لَمَّا اخْتَصَرَ النَّبِيُّ وَفِي بَيْتِهِ رَجُلًا فِيهِمْ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ فَقَالَ النَّبِيُّ: «هَلُمُّوا أَكْتُبْ لَكُمْ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ أَبَدًا». فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: «إِنَّ النَّبِيَّ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْوَجَعُ وَعِنْدَكُمْ الْقُرْآنُ حَسْبُكُمْ كِتَابُ رَبِّكُمْ» و «قَالَ عُمَرُ: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَهْجُرُ». «وقی پیامبر خدا به حال احتضار افتاد در منزل آن حضرت جماعتی (مردانی) از جمله عمر خطاب بودند، پیامبر ﷺ فرمود: بیایید برای شما چیزی را بنویسم که پس از آن هرگز گمراه نشوید. عمر بن خطاب گفت: شدت درد بر پیامبر ﷺ چیره شده است و نزد شما قرآن است، کتاب خدا شما را بس است و عمر گفت: این مرد هذیان می گوید». بخاری، صحیح، ج ۵، ص ۱۳۷-۱۳۸؛ مسلم نیشابوری، صحیح، ج ۵، ص ۷۵-۷۶، کتاب الوصیه؛ و دیگر مصادر شیعه و اهل سنت.



پس اگر بعد از این شبهه هم وصیت خود را می‌نوشت، آن را معتبر نمی‌شمردند.

از این رو دیگر نباید انتظار داشت که اهل هواهای نفسانی و جاه‌طلبان مغرض با الفاظ و کلمات بازی نکنند و ظاهر و صریح آنها را مورد شبهه و ایراد قرار ندهند.

چنانچه کسی گمان کند که اگر به این لفظ یا لفظ دیگر می‌فرمود، مورد شبهه اهل هوی نمی‌شد، اشتباه است. حتی مثلاً آیات قرآن مجید که در کمال صراحت بر توحید - که اساس دعوت قرآن کریم است - تأکید دارد، اشخاصی آنها را به معنای شرک‌آمیز و موافق با آرای باطله خود معنی می‌کنند.

میزان و حاکم در استفاده از کلام اشخاص؛ قرآن و حدیث، عقل مستقیم و انصاف است که شخص باید حقایق را بر اساس آن، از نصوص موجود استخراج نماید.

استعمال لفظ «خلیفه» در بعضی روایات

ثانیاً، در روایات صحیحیه متعدد از امیرالمؤمنین علیه السلام تعبیر به «خلیفه» شده است که از نخستین موارد آن اوایل بعثت، هنگام نزول آیه کریمه: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾^۱ می‌باشد.

۱. شعراء، ۲۱۴. «و خویشاوندان نزدیک را انداز کن».

در حدیث متواتر ثقلین - که بر وجوب ارجاع امت به عترت پیغمبر ﷺ صراحت دارد و امان از ضلالت و گمراهی، منحصر به آن اعلام شده - در بعضی الفاظ آن صریحاً حضرت رسول ﷺ فرمود:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ»^۱

با این همه، شخصی که در تاریخ، حدیث، جوامع، سنن و صحاح اهل سنت تخصص دارد، در می‌یابد از موضوعاتی که به‌طور شایسته مورد اعتنا قرار نگرفته و از اشخاصی که کمتر از آنها کسب علم و دین شده است، اهل بیت علیهم السلام هستند. حتی کسانی چون بخاری در صحیح روایات بسیاری از فسّاق و فجرة و افراد فاسد العقیده ذکر کرده است؛ و از ائمه اهل بیت و شخصیتی، مانند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام حتی یک روایت نیز نقل ننموده است.

غرض اینکه وقتی اغراض، سیاست‌ها و آرای مبدعانه جلوی چشم بصیرت و بینش انسان را گرفته باشد، انکار حق از او عجیب و بعید نیست.

استعمال لفظ «خلیفه» در اصل خطبه غدیر

ثالثاً، اگرچه این چند جمله مشهور از این خطبه متواتر، ثابت و مورد اتفاق بین فریقین است، اما از کلّ جریان این اعلام، ابلاغ و برنامه

۱. نگارنده، امان الامة من الضلال والاختلاف، ص ۱۲۸. «من در میان شما دو جانشین به جا می‌گذارم».



تاریخی آن استفاده می‌شود که خطبه بیشتر از اینها بوده و در این چند جمله، خلاصه نشده است و در کتب حدیث شیعه که مفصل این خطبه روایت شده، هم کلمه خلافت و هم تنصیب بر امامت ائمه علیهم‌السلام به‌ویژه حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام وجود دارد.

بنابراین جملات مشهور، دلیل بر این نیست که کل خطبه، این چند جمله بوده است و علت اینکه روی این جملات، بحث و بررسی و استدلال شده، اتفاق شیعه و سنی بر روایت آنها است.

وجه تکیه بر لفظ «ولی» و «مولی» در خطبه غدیر

رابعاً، وجه دیگر، تکیه بر نقل خصوص این جمله‌های کثیر المعنی و عنایتی است که بزرگان خلفاً عن سلف به آنها داشته‌اند. بیان ولایت و اولویتی با نفس و اموال، برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که برحسب خطبه غدیر - که به خطبه و حدیث ولایت معروف و مشهور شده - این ولایت حتی در زمان شخص رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام ثابت است و به غیبت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از مکان یا زمان، توقّف ندارد.

بدیهی است این ولایت از لحاظ اینکه باید مانند سایر مسائلی که به وحی الهی به‌وسیله پیغمبر اعلام می‌شود، از طرف صاحب مقام نبوت ابلاغ شود، نسبت به مقام نبوت بلکه نسبت به ولایت پیغمبر فرع است و دایره‌اش از ولایت پیغمبر - که شامل ولایت بر ولیّ الله نیز هست - محدودتر بوده و اطلاق و شمول ولایت پیغمبر را ندارد، اما نسبت به



ماسوای پیغمبر، با ولایت پیغمبر بر ماسوا فرقی ندارد و خلاصه فرقی که ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با ولایت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) دارد، این است که رسول الله (صلی الله علیه و آله) بر امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز مانند سایر امت ولایت دارد، درحالی که رسول الله (صلی الله علیه و آله) تحت ولایت احدی غیر از خداوند متعال قرار ندارد.

به هر حال اثبات این ولایت در دایره و محدوده ولایت رسول الله (صلی الله علیه و آله) برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) از تعبیر به خلافت و جانشینی، در افاده ولایت بر امور، اصرح، رساتر و گویاتر است، زیرا اگر مفهوم خلافت، جانشینی در امامت، الگو و اسوه بودن و رتق وفتق امور شرعی و بیان احکام حلال و حرام و رسیدگی و سرپرستی و حکومت بر انام باشد، لفظ ولایت در دلالت بر این جهت خلافت - که همان حکومت و مدیریت جامعه باشد - أفصح و اصرح است.

بنابراین چون نظر افرادی که برای غصب خلافت و حکومت حزب سازی کرده و با هم تبانی کرده بودند به این علت بود و با سایر مفاهیم خلافت، معارضه مستقیم نداشتند، در «خطبه یوم الغدير» و «حدیث ولایت» این بُعد از امامت و خلافت در این جملات مورد عنایت قرار گرفت و شبهه های نامقبولی که در مفهوم مولی و ولی شده است، همه در زمان های بعد، برخلاف تمام قراین حالیّه و مقالیه این موضوع ابداع شد.

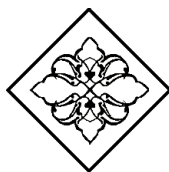
به هر حال، این جملات مشهور از خطبه غدیر در اثبات ولایت



امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اتمام حجّت بر همگان کافی و وافی است و ثابت می‌کند که اجتماع آن گروه در سقیفه بنی ساعده باوجود «مَنْ ثَبَتَ لَهُ الْوَلَايَةُ عَلَى الْاَنْفُسِ وَالْاَمْوَالِ بِنَصِّ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَرَسُولِهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)»^۱ یک معارضه آشکار با خدا و پیغمبر و انحراف ظاهر از حق بود.

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ.

۱. «کسی که ولایت و سرپرستی بر جان و مال مردم با نصّ خدا و پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) برای او ثابت شده بود».



بخش دوم
پیام‌ها



عجز وصف کنندگان^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

اعتراف همگان به عجز از وصف علی (علیه السلام)

وَمَاذَا يَقُولُ النَّاسُ فِي مَدْحٍ مَنْ أَتَتْ
مَدَائِحُهُ الْغَرَاءُ فِي مُحْكَمِ الذِّكْرِ^۲

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست
که تر کنند سر انگشت و صفحه بشمارند

از آن شخصیت عظیم که بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اشرف کلمات الهیه،

۱. این پیام در رجب المرجب سال ۱۴۱۷ هجری قمری صادر شده است.

قابل توجه اینکه برخی از پیام‌ها اگرچه به مناسبت عید غدیر صادر نشده است ولی به علت ارتباط با شخصیت عظیم امیرالمؤمنین (علیه السلام) در اینجا آمده است.

۲. «مردم چه چیزی می‌گویند در مدح و ستایش کسی که ستایش‌های درخشان او در قرآن آمده است».

اکبر آیات ربّانیه، ادلّ دلایل جامعہ، اتمّ براهین ساطعہ، وسایل کافیه و مظهر العجائب و معدن الغرائب است و مالک کلّ عظمت‌های انسان مافوق و برتر و خلیفہ اللہ برحقّ است و دوستی او عنوان صحیفہ مؤمن^۱ و علامت طہارت مولد است،^۲ اگر انسان، ہمہ زبان‌های گویا را در دہان داشته باشد و با ہر کدام از آنها جاودانہ مدح و ثنا بگوید، از حرف نخستین مدح او، بیشتر نخواہد گفت و زبان حالش این شعر خواہد بود:

این شرح بی نہایت کز وصف یار گفتند
حرفی است از ہزاران کاندہ عبارت آمد

وصف علیؑ از زبان پیامبر ﷺ

در آن میدانی کہ پیامبر اعظم، عقل کل، خاتم رسل و ہادی سبل ﷺ، بر حسب احادیث معتبر و مشہور بین المسلمین، از آن حضرت، آن ہمہ تمجیدات و تعریفات رسا و پر از معنا فرمودہ باشد و او را با

۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۷۷؛ ابن مغازلی، مناقب، علی بن ابی طالبؑ ج ۱ ص ۱۹۸؛ ابن شہر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳؛ ابن عساکر، تاریخ مدینہ دمشق، ج ۵، ص ۲۳۰؛ ابن بطریق، عمدۃ عیون صحاح الاخبار، ص ۳۷۰؛ ابن شاذان قمی، الروضۃ فی فضائل امیر المؤمنینؑ، ص ۶۶؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۸۲؛ متقی ہندی، کتر العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۸۴، ۳۰۵.
۲. جزری، اسنی المطالب، ص ۵۷-۵۸؛ امینی، الغدیر، ج ۳، ص ۲۶؛ ج ۴، ص ۳۲۲؛ مرعشی نجفی، شرح احقاق الحق، ج ۷، ص ۲۶۶؛ ج ۲۱، ص ۳۶۶-۳۶۷.



حق و با قرآن،^۱ و حق و قرآن را با او و لازم الاتصال و غیر قابل افتراق دانسته باشد، و گاه فرموده باشد:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْلَا أَنْ تَقُولَ طَوَائِفُ مِنْ
أُمَّتِي فِيكَ مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي ابْنِ مَرْيَمَ لَقُلْتُ
الْيَوْمَ فِيكَ مَقَالًا لَا تَمُوتُ بِمَلَأٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا
أَخَذُوا التُّرَابَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْكَ لِلْبَرَكَةِ».^۲

و گاهی با زبان معجزیان و حقیقت ترجمان، فرموده باشد:

«لَوْ أَنَّ الْبَحْرَ مِدَادٌ وَالْغِيَاضُ أَقْلَامٌ وَالْإِنْسُ كُتَابٌ
وَالْجَنُّ حُسَابٌ مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ».^۳

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۴؛ سیّد مرتضی، الشافی فی الامامه، ج ۱، ص ۲۰۲؛ ج ۲، ص ۱۳۵-۱۳۶؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۳۱۶؛ خوارزمی، المناقب، ص ۱۷۷؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۹۷؛ جوینی، فرائد السمطین، ج ۱، ص ۱۷۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۶۳۷، ب ۲۳، ح ۶۰۶.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۸۱، ب ۹۱، ح ۱۱۴؛ قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۱، ص ۳۹۳؛ ج ۲، ص ۴۸۶-۴۸۷. «سوگند به خدایی که جانم در کف قدرت اوست اگر نبود اینکه گروه‌هایی از اتم دربار تو بگویند چیزی را که نصاری دربار عیسی فرزند مریم گفتند، امروز دربار تو سخنی را می‌گفتم که بر جماعتی از مسلمانان عبور نمی‌کردی جز اینکه خاک زیر پایت را برای تبرک می‌گرفتند».

۳. خوارزمی، المناقب، ص ۳۲۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۷۵، ب ۹۱، ح ۱۱۴. «اگر دریاها مُرگَب و جنگل‌ها قَلَم و انسان‌ها نویسند و جنیان حساب‌گر باشند نمی‌توانند فضایل تو را بشمارند ای اباالحسن».

یا ارزش یکی از میدان‌های جهاد آن مجاهد فی سبیل الله را در راه
اعلای کلمة الله و دفاع از حق، افضل از عبادت جنّ و انس^۱ و یا تمام
امت^۲ معرفی کرده باشد، دیگران در مدح و ثنای آن حضرت چه
می‌توانند بگویند؟!

همه در برابر آفتاب جهان‌تاب محمدی و دریای بیکران علم
احمدی صلی الله علیه و آله چون ذره و قطره، بلکه از آن هم کمترند.

کلام بزرگان در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام

حقیقت این است که با جمله‌ها و کلماتی که حروف آنها از بیست و
نه حرف بیشتر نیست، نمی‌توان از بزرگ بنده خاص و مخلص خدا،
که در آیات بسیاری از قرآن، خداوند متعال، خود او را وصف و مدح
فرموده است، توصیف و ستایش کرد؛

وَإِنْ قَمِصًا خِيطَ مِنْ نَسِجِ تِسْعَةٍ
وَعِشْرِينَ حَرْفًا عَنْ مَعَالِيهِ قَاصِرٌ^۳

۱. ابن ابی جهور احسانى، عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۸۶؛ حلبی، السیرة الحلبیه، ج ۲، ص ۶۴۲-۶۴۳؛ مرعشی نجفی، شرح احقاق الحق، ج ۶، ص ۴-۵.

۲. حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۳۲؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۹؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۴؛ خوارزمی، المناقب، ص ۱۰۷؛ ابن طاووس، الطرائف، ص ۵۱۴؛ قندوزی، ینابیع المودة، ج ۱، ص ۲۸۲، ۴۱۲.

۳. «به یقین پیراهنی که از بافته بیست و نه حرف دوخته شده است از فضایل و ارزش‌های او کوتاه است».



مدایح شایسته‌ای که از آن امام عظیم، رهبر موحدان، پیشوای مجاهدان، سرور زهاد و دادگران و امیرمؤمنان شده، هرچه رسا و شیوا بوده، به ناحیه‌ای از نواحی عظمت آن حضرت اشارت دارد. آن‌که در مجلس معاویه و به درخواست و اصرار او، امام را به این سخنان توصیف کرد:

«كَانَ وَاللَّهِ بَعِيدَ الْمُدَى، شَدِيدَ الْقُوَى، يَقُولُ
فَضْلًا وَيَحْكُمُ عَدْلًا، يَتَفَجَّرُ الْعِلْمُ مِنْ جَوَانِبِهِ،
وَتَنْطِقُ الْحِكْمَةُ مِنْ نَوَاحِيهِ، يَسْتَوْحِشُ مِنَ الدُّنْيَا
وَرَهْرَتِهَا، وَيَسْتَأْنِسُ بِاللَّيْلِ وَوَحْشَتِهِ، كَانَ وَاللَّهِ
غَزِيرَ الْعُبْرَةِ، طَوِيلَ الْفِكْرَةِ، يُقَلِّبُ كَفِّهِ، وَيُخَاطِبُ
نَفْسَهُ، وَيُنَاجِي رَبَّهُ، يُعْجِبُهُ مِنَ اللَّبَاسِ مَا خَشِنَ،
وَمِنَ الطَّعَامِ مَا جَشِبَ، كَانَ وَاللَّهِ فِينَا كَأَحَدِنَا»^۱

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۲۰، ب ۱۰۷، ح ۲۸. «به خدا سوگند او دوراندیشی نیرومند بود، سخن او حق را از باطل جدا می ساخت، و با دادگری قضاوت می کرد، علم و دانش از هر طرف او می جوشید و حکمت از اطراف او گویا بود. از دنیا و زینت آن واهمه داشت، و با شب و ترس و وحشت آن انس داشت. به خدا سوگند پر اشک بود (و چشم گریان داشت)، زیاد فکر می کرد، دو دستش را روی هم می گرداند و خودش را خطاب می کرد و با پروردگارش راز و نیاز می کرد. از لباس زبر و خشن خوشش می آمد و غذای خشک (بدون نان و خورش) را دوست داشت. به خدا سوگند او در میان ما مثل یکی از ما بود».



و آن‌که با این جمله کوتاه:

«إِحْتِيَاجُ الْكُلِّ إِلَيْهِ وَاسْتِغْنَاءُهُ عَنِ الْكُلِّ دَلِيلٌ عَلَى
أَنَّهُ إِمَامُ الْكُلِّ»^۱

او را ستود؛

و آن‌که در وصف کلامش می‌گفت:

«كَلَامُهُ دُونَ كَلَامِ الْخَالِقِ وَفَوْقَ كَلَامِ الْمَخْلُوقِينَ»^۲

و آن‌که می‌گفت:

«لَوْ لَا عَلَيَّ هَلَاكَ عُمَرُ»^۳

و «لَوْ لَا سَيْفُهُ لَمَا قَامَ عُمُودُ الْإِسْلَامِ»^۴

و آن‌که می‌گفت:

«قُتِلَ فِي مِحْرَابٍ عِبَادَتِهِ لَشِدَّةِ عَدْلِهِ»^۵

۱. سیوطی، بغية الوعاة، ص ۲۴۳؛ مامقانی، تنقيح المقال، ج ۱، ص ۴۰۲، ش ۳۷۶۹. «نیازمندی همگان به او و بی‌نیازی او از همه نشانگر این است که او امام و پیشوای همگان است».
۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۴. «سخن او پایین‌تر از سخن آفریدگار و بالاتر از سخن مردم است».
۳. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۱. «اگر علی نبود عمر هلاک می‌شد».
۴. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۸۲. «اگر شمشیر آن حضرت نبود، ستونی برای دین اسلام برپا نمی‌شد».
۵. جرج جرداق مسیحی در کتاب الامام علی صوت العدالة الانسانية. «به جهت شدت دادگری‌اش در محراب عبادتش کشته شد».



و آن بانوی شجاع و بامعرفتی که او را در حضور معاویه به این دو شعر، مدح نمود:

«صَلَّى إِلَٰهَهُ عَلَى جِسْمٍ تَضَمَّنَتْهُ
قَبْرٌ فَأَصْبَحَ فِيهِ الْعَدْلُ مَدْفُونًا
قَدْ حَالَفَ الْحَقُّ لَا يَنْغِي بِهِ بَدَلًا
فَصَارَ بِالْعَدْلِ وَالْإِيمَانِ مَقْرُونًا»^۱

و آن مرد مسیحی که آن شخصیت بزرگ آفرینش و آن یگانه نمایش کمال وجود محمدی را به این جمله ستایش کرده است:

«فِي عَقِيدَتِي أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَوَّلُ عَرَبِيٍّ لَارَمَ
الرُّوحَ الْكَلْبِيَّةَ فَجَاوَزَهَا وَسَامَرَهَا»^۲

و آن شاعر پاک‌نهاد که سروده است:

اَبَر دوش پیغمبر پاک‌رای
خدا دست سود و خداوند پای

۱. ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۳۱، کلام سودة بنت عماره رحمها الله. «درود خدا بر تن نازنینی که او را قبری در آغوش گرفت پس در آن قبر عدالت دفن شد. حق سوگند یاد کرد که به جای او بدل و جایگزینی را اختیار نکند پس او با عدل و ایمن پیوسته و نزدیک شد».

۲. نقل شده از جبران خلیل جبران دانشمند مسیحی در کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانیة» (جرداق، ج ۱، ص ۳۶۴). «به عقیده من علی بن ابی طالب اولین شخص عربی است که با روح کلی ملازم و همگام بوده پس در کنار آن، و هم صحبت و همنشین آن شده است».



و آن‌که این شرف و عزّت را به این بیان شرح داد:

«النَّبِيُّ الْمُصْطَفَى قَالَتْ لَنَا لَيْلَةُ الْمِعْرَاجِ لَأَصْعِدَهُ
وَضَعَ اللَّهُ عَلَى ظَهْرِي يَدًا فَأَرَانِي الْقُلُوبَ إِنْ قَدْ بَرَدَتْ
وَعَلَيَّ وَاضِعٌ رِجْلَيْهِ لِي بِمَكَانٍ وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ»^۱

همه و هر یک به منقبتی از مناقب آن حضرت اشارتی کرده‌اند.
با این‌همه که علما و حکما، چهارده قرن است از فضایل او گفته‌اند،
تا علم، فضیلت، زهد، عدل و کمالات انسانی مورد ستایش است،
آیندگان او را ستایش خواهند کرد.

و با این قصاید و اشعار بی‌شمار و هزارها کتاب و مقاله که پیرامون
شرح شخصیت این انسان اکمل و والا نوشته‌اند و همه داد سخن را
داده‌اند، باز هم همانند روزهای نخست برای گویندگان و اندیشمندان،
مجال سخن باز و بلکه بازتر شده است.

همان‌طور که در احادیث شریفه بیان شده است، علی علیه السلام معجزه‌ای
است که خداوند به رسول گرامی‌اش خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله عطا فرمود؛
معجزه‌ای که از همه معجزات انبیای گذشته، بزرگ‌تر و حیرت‌انگیزتر

۱. این اشعار منتسب به شافعی است که در کتب مختلف نقل شده است از جمله:
دیاربکری، تاریخ الخميس، ج ۲، ص ۸۷؛ امینی، الغدير، ج ۷، ص ۱۲. «پیامبر برگزیده در
شب معراج وقتی به آسمان‌ها بالا رفت به ما فرمود: خدا دستی بر پشتم نهاد و در دلم به من
نشان داد که دلم خنک شد و آرام گرفت و علی علیه السلام دو پایش را بر دوش من به همان جایی
گذاشت که خدا دستش را گذاشت».



است؛ و بجا است که بگوئیم این سخن حضرت امام صادق علیه السلام را:

«الصُّورَةُ الْإِنْسَانِيَّةُ هِيَ أَكْبَرُ حُجَجِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ
وَهِيَ الْكِتَابُ الَّذِي كَتَبَهُ بِيَدِهِ وَهِيَ الْهَيْكَلُ الَّذِي
بَنَاهُ بِحِكْمَتِهِ وَهِيَ مَجْمُوعُ صُورِ الْعَالَمِينَ وَهِيَ
الْمُخْتَصَرُ مِنَ الْعُلُومِ فِي اللَّوْحِ الْمُحْفُوظِ»^۱

به واسطه شخصیتی، مثل علی علیه السلام بیان واقع و حقیقت می شود.

با عالم بزرگ معتزله ابن ابی الحدید هم نوا شده، می گوئیم:

«هُوَ النَّبَأُ الْمَكْنُونُ وَالْجَوْهَرُ الَّذِي
تَجَسَّدَ مِنْ نُورٍ مِنَ الْقُدُسِ زَاهِرٍ
وَدَوِّ الْمُعْجَزَاتِ الْوَاضِحَاتِ أَقْلَهَا
الظُّهُورُ عَلَى مُسْتَوْدِعَاتِ السَّرَائِرِ
وَوَارِثُ عِلْمِ الْمُصْطَفَى وَشَقِيقِهِ
أَخًا وَنَظِيرًا فِي الْعُلَى وَالْأَوَاصِرِ
أَلَّا إِنَّهَا التَّوْحِيدُ لَوْلَا عُلوُّهُ
كَعَرَضَةٍ ضَلِيلٍ وَنَهْبَةٍ كَافِرٍ»^۲

۱. نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۱۸۰. «صورت انسانی بزرگترین دلیل خدا بر خلق و آفریده هایش است و آن کتابی است که خداوند با دست خودش آن را نوشته است و آن ساختار و هیكلی است که خدا با حکمت خود آن را ساخته است و آن تمامی صورت های عالم را در بر دارد و آن مختصر علومی است که در لوح محفوظ است».

۲. ابن ابی الحدید، الروضة المختارة (شرح القصائد العلویات السبع)، ص ۱۲۳-۱۲۴،

پس، سزاوار است که زمین ادب ببوسیم، و خداوند متعال را به نعمت ولایت آن حضرت و فرزندان بزرگوارش، تا حضرت صاحب وقت، ولی عصر و مالک امر، مولانا المهدی (ارواح العالمین له الفداء) حمد و سپاس بگوییم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ الْمُعْصُومِينَ سَيِّمًا خَاتَمِهِمْ
وَقَائِمِهِمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.



→ القصيدة الخامسة. «او خبر پوشیده و گوهر گرانمایه ای است که از نوری از عالم قدس که درخشنده است شکل یافته است؛ و او صاحب معجزه های آشکار است که کم ترین آن معجزه ها این است که بر دل ها و ودیعه های نهان اشراف و آگاهی دارد؛ او وارث علم پیامبر و برادر گرامی او و همانند او در مقام والا و خویشاوندی است؛ آگاه باشید که اگر علوم و دانش او نبود توحید آن چنان خراب می شد که به صورت آنچه را که شخص ضالّ عرضه می کند و آنچه را که کافر غارت کرده است در می آمد».

۲ خادمان غدیر^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

عجز دانشمندان از بیان فضایل علی (علیه السلام)

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنند سر انگشت و صفحه بشمارند

انشای قصاید و اشعار و تألیف کتاب در مناقب و فضایل حضرت
مولی الموحّدين امیرالمؤمنین (علیه السلام)، از عصر رسالت و نیمه اول قرن یکم
هجرت آغاز گردید و الی زماننا هذا، چهارده قرن است که این شیوه
پسندیده ادامه دارد و تا جهان از رجال بزرگ فضیلت، انسانیت و
اسوه‌های کمال و عظمت و مردان الهی تقدیر و تعظیم دارد، ادامه
خواهد داشت و تألیف کتاب و انشای اشعار در این موضوع، پایان
نخواهد یافت.

۱. این پیام در رجب المرجّب سال ۱۴۱۹ هجری قمری در تقدیر از شارح کتاب
«خصائص نسائی»، جناب آقای حاج میرزا محمدحسن مدرّسی فتّحی صادر شده است.



دانشمندان محقق، نویسندگان متبّع و علما و ارباب علوم و فنون اسلامی در این میدان همواره حضور داشته و این رشته تألیف را بی‌انقطاع ادامه داده و هرکدام به امید کسب افتخار و نیل به اجر ثواب، بضاعت علم و تحقیق خود را هرچند که بسیار ثمین و گران بها بوده، با کمال مسکنت و خجالت در پیشگاه چاکران و ملازمان درگاه آسمان جاه آن حضرت نثار کرده و با عرض «إِنَّ الْهَدَايَا عَلَى مِقْدَارِ مُهْدِيهَا»^۱ زمین معذرت و ادب بوسیده‌اند.

شمار این کتاب‌ها از ده‌ها هزار بیشتر و بیشتر است که بدیهی است این خود، ثروت علمی و معنوی بی‌نظیری است که از برکت وجود کثیر البرکات امام امیرالمؤمنین علیه السلام فراهم شده است و سزاوار است که ویژه این موضوع ارزشمند، کتابخانه‌هایی تأسیس گردد.

جوانب متعدد شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام

نواحی متعدد عظمت‌های علی علیه السلام، آن تجسم بندگی و عبودیت خالص خدا، و بخش‌های گوناگون و بلکه متضادّ مناقب، فضایل و مواقف آن حضرت، همه در کتاب‌ها مضبوط و محفوظ مانده است؛ عَلِيٌّ وَمَا أُنْزِلَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ، عَلِيٌّ وَمَا بُتِّ لَهُ مِنَ الشُّوْنِ وَالْمَقَامَاتِ بِالسُّنَّةِ، عَلِيٌّ وَمَا صَدَرَ مِنْهُ مِنَ الْمُعْجَزَاتِ، عَلِيٌّ وَمَوَاقِفُهُ وَبُطُولَاتِهِ فِي الْغَزَوَاتِ، عَلِيٌّ وَتَضَعِيَّاتُهُ

۱. «همانا هدیه‌ها به اندازه و مقدار هدیه‌دهنده است».



فِي سَبِيلِ إِعْلَاءِ كَلِمَةِ الْإِسْلَام^۱، علی و اخبار از مغیبات، گذشته و آینده زمان، علی و علم به عوالم غیب، علی و علم به شرایع و احکام اسلام، علی و زهد و پارسایی و پرهیزکاری، علی و علوم عالی الهیات، علی امیر فصاحت، بلاغت و کلام، علی و عبادت، خوف از خدا و شب‌زنده‌داری، علی و عدالت، دادستانی و دادگستری، علی و حکومت و زمامداری، علی و فروتنی و بردباری، علی در خدمت و نصرت دین خدا و رسول خدا، علی امام المتقین و زوج سیده نساء العالمین، علی ابو الأرامل و الایتام و المساکین، علی و علی و علی و ... اینها و بیشتر و بسیارتر از اینها، همه نواحی عظمت وجود علی علیه السلام است.

علی علیه السلام، اعظم آیات الهی و اظهر معجزات حضرت رسالت‌پناهی صلی الله علیه و آله است که در این کتاب‌ها بازگو شده و علمای توانا، نویسندگان بزرگ، فرزندان برجسته و نبغای عالم علم پیرامون آنها قلم‌فرسایی کرده و با این‌همه که گفتند و نوشتند، باب ابراز بلاغت، تألیف، تصنیف و ایراد خطابه و سخنرانی در فضایل و مناقب آن حضرت، همچنان بر روی دانشمندان و فضیای دوران باز است و هرکسی در این باغ پهناور وارد می‌شود، به میوه‌ای تازه دست می‌یابد؛

۱. «علی و آنچه از قرآن درباره او نازل شده است، علی و آنچه که برای او از طریق سنت و روایات از شأن و مقاماتش ثابت شده است، علی و آنچه معجزه از او ظاهر شده است، علی و شجاعت‌های او در جنگ‌ها».

﴿كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾

تُوْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا^۱.

رشته تألیف و تصنیف، درباره شئون و عظمت‌های علی علیه السلام، نه فقط سرتاسر عالم اسلامی را از شرق تا غرب و از سنی و شیعه گرفته، بلکه قلوب بیگانگان را به این شخصیت ممتاز متوجه نموده و نویسندگان و مؤلفان آن را به مدح، ستایش و تألیف کتاب‌ها برانگیخته است. آری! آنان نیز به اینکه شناختی از علی علیه السلام دارند و مثل کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانية»^۲ می‌نویسند، افتخار و مباهات دارند.

اعتراف بزرگان اهل سنت به فضایل علی علیه السلام

علما و محدثین بزرگ اهل سنت علاوه بر کتاب‌هایی که در آن فضایل متعدد آن حضرت را بر می‌شمارند، تا همین عصر، این رشته را ادامه داده‌اند، مانند شرقاوی که کتاب *علی امام المتقین* را در دو جلد می‌نگارد.

آری! علاوه بر اینها در خصوص برخی از فضایل آن حضرت، مثل حدیث طیر مشوی، حدیث ردّ شمس، حدیث: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ»^۳

-
۱. ابراهیم، ۲۵ - ۲۴. «مانند درخت پاکیزه‌ای که ریشه آن (در زمین) ثابت و شاخه آن در آسمان است. هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می‌دهد».
 ۲. تألیف جرج جرداق دانشمند مسیحی.
 ۳. «من شهر علمم».



حدیث منزلت و حدیث ولایت (حدیث غدیر) کتاب ویژه نوشته‌اند و جالب این است که برخی از این کتاب‌ها در مجلّات متعدد، تألیف شده است.

یک رشته از تألیفات اهل سنت به نام مناقب است، مثل مناقب احمد بن حنبل، صاحب مسند و پیشوای حنبله، مناقب خوارزمی و مناقب ابن مغزلی و دیگران.

و رشته دیگر به نام خصائص است که یکی از مشهورترین آنها، خصائص نسائی معروف، صاحب کتاب سنن نسائی است که از صحاح اهل سنت است. این کتاب چندین مرتبه به طبع رسیده و در دسترس همگان است و اخیراً اگرچه دست‌های مرموز وهابیت، به اسم تحقیق رجال بعضی احادیث آن را به گمان خود، به تهمت گرایش به تشیع و حبّ اهل بیت علیهم‌السلام، مجروح قلمداد کرده است، اما اهل فن می‌فهمند که این تلاش صرفاً برای دشمنی با اهل بیت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، چون در نسبت اصل کتاب به مثل نسائی نتوانستند حرفی بزنند، بعضی رجال و اسناد را مورد ایراداتی قرار داده‌اند. حتی بعضی رجال را که به قول خودشان از رجال شیخین، یعنی بخاری و مسلم، یا یکی از آنها است نیز زیر سؤال برده و با این نادانی، آن دو کتاب به قول خودشان صحیح را هم از اعتبار انداخته‌اند.

به هر حال، کَیْسَ هَذَا أَوَّلَ قَارُورَةٍ کَثِیرَتْ فِی الْإِسْلَامِ^۱ اینها پیروان بنی امیه و اتباع معاویه، یزید، ولید، حجاج و زیاد و این طواغیت و نواصب و دشمنان علی علیه السلام هستند و گفتارشان درباره احادیث فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام، در میزان عالمان به علم حدیث و مسیر آن، وزن و ارزشی ندارد.

تقدیر از شارح کتاب «خصائص نسائی»

بعد از این مقدمه - که علی رغم آنکه می خواستیم مختصر شود، فی الجمله طولانی شد - مسرت وافر و تقدیر بسیار خود را خدمت فاضل ارجمند و شاعر اهل بیت و محقق گرانمایه، جناب آقای حاج میرزا محمدحسن مدرسی فتحی دامت توفیقاته، که در شرح کتاب **خصائص نسائی** و بررسی مطالب آن، کتابی مفصل و مشحون به فواید جلیله و نکات کثیره مرقوم داشته اند، تقدیم می نمایم.

اگرچه برای حقیر تا حال توفیق حاصل نشد که چنان که شایسته است از آن استفاده نمایم، اما به مقداری که از سبک نگارش کتاب و کثرت تتبع نویسنده اطلاع پیدا کردم آن را مفید و گرانسنگ می یابم؛ امیدوارم مورد استفاده همگان قرار گیرد.

بدیهی است هر کجا توضیحاتی و حتی ایرادی باشد، که ان شاء الله نخواهد بود، شخص مؤلف محترم پاسخ گو و برای ادای توضیح

۱. «این اولین شیشه (گلابدان) نیست که در اسلام شکسته شده است».

آماده‌اند. امثال ایشان در جامعه ما، برای دیگران، مخصوصاً اقربان و امثال خودشان، حجت هستند.

از خداوند متعال مسئلت دارم که ایشان را مشمول عنايات و توجّهات خاصه حضرت بقیة الله (ارواح العالمین له الفداء) قرار دهد.

زَادَ اللهُ فِي تَوْفِيقَاتِهِ وَكَثَّرَ فِي الْفَضْلَاءِ وَالْمُؤْمِنِينَ
أَمْثَالَهُ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَى إِخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِينَ.





نشان محبت^۲

بسم الله الرحمن الرحيم
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ
 الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ،
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوِلَايَةِ أَمِيرِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَأَوْلَادِهِ الْمُعْصُومِينَ سَيِّئًا صَاحِبَ عَصْرِنَا
 وَإِمَامِ زَمَانِنَا مَوْلَانَا الْمُهْدِيِّ بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ. ثُمَّ
 السَّلَامُ عَلَى شَيْعَتِهِمُ الْفَائِزِينَ الْمُخْلِصِينَ وَحِزْبِ اللَّهِ
 الْمُفْلِحِينَ الْفُرْقَةِ النَّاجِيَةِ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ.^۲

۱. این پیام به مناسبت عید غدیر خم سال ۱۴۱۹ هجری قمری صادر شده است.
۲. سپاس خدایی را که پروردگار عالمیان است و درود و سلام بر آقای پیامبران حضرت محمد ﷺ و بر فرزندان پاک او باد. سپاس خدایی را که ما را از پیروان امیرمؤمنان و فرزندان معصوم او قرار داد به‌ویژه صاحب عصر و امام زمان ما حضرت مهدی بقیه الله در روی زمین. سپس درود بر شیعیان موفق و مخلص و حزب و گروه خدا که اهل رستگاری و گروه نجات یافته و بهترین خلقتند».

قال الله تعالى:

﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنَّ لَكَ
تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾^۱

سلام بر غدیریان

سلام بر عید الله اکبر، سلام بر عید سعید غدیر، سلام بر غدیر خم، سلام بر روز اكمال دین، اتمام نعمت و تبلیغ رسالت، سلام بر جشن‌ها، مراسم و محافل روحانی و مجالس شکوهمند ایمانی، سلام بر فرهیختگان و آگاهانی که در مرور اعصار و گذشت چهارده قرن، همه‌ساله یاد و خاطره بزرگ رویداد تاریخی و اسلامی غدیر را با حفظ سنن اسلامی و پرهیز از گرایش‌های غربی گرامی می‌دارند و هر سال بر رونق و گسترش آن می‌افزایند و علایق و رشته‌های ولایت و ارتباط خود را با ولیّ الله بحق و منصوص من جانب الله محکم‌تر می‌سازند.

سلام بر سرایندگان اشعار و قصاید ولایی، سلام بر سخنرانان و ارباب قلم و فضلا و نویسندگانی که در این روزهای خجسته (دهه غدیر و دهه ولایت) شیعیان و دوستان آن امام همام را گرم نشاط و

۱. مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن، و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای، خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می‌دارد، آری خداوند گروه کافران را هدایت نمی‌کند».

اقبال به حقایق و معنویات و وجد و انبساط می سازند و خط تشیع، ولایت و غدیر - که خط اسلام راستین، تولا و تبرّا، تعهد به احکام دین، اهتمام به امور مسلمین، حمایت از محرومین و مستضعفین، امر به معروف و نهی از منکر و نصرت اسلام و اعلاّی کلمة الله است - را تبلیغ می نمایند.

اهمیت روز غدیر

روز غدیر در تاریخ اسلام از روزهای فراموش نشدنی است، آیات قرآن مجید، اخبار متواتره، جوامع حدیث از سنن و مسانید، کتابهای تفسیر، کلام، تاریخ، سیره، رجال و حتی لغت و ادب، همه اسناد این واقعه بزرگ و اعلام رسمی ولایت و خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که در کتابهایی، تا دهها جلد، اسناد و روایات غدیر، جمع آوری و ضبط شده است.

البته برای اولین مرتبه نبود که رسول اعظم اسلام (صلی الله علیه و آله) علی (علیه السلام) را به خلافت و امامت نصب فرمود، بلکه در مواقف متعدد دیگر نیز این اعلام و انتصاب الهی انجام شده بود که از جمله در اوایل بعثت و هنگام نزول آیه: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾^۱ برنامه خاص این نصب اعلام شد، ولی در غدیر خم، در آن مجمع عام که نفرات آن را تا بیش

۱. شعراء، ۲۱۴. «و خویشاوندان نزدیک را انداز کن».



از نود و صد هزار هم گفته‌اند، به همگان این موضوع بسیار حساس و مهم اعلام شد که در اینجا، در مقام شرح و بسط این موضوع نیستیم. بحمد الله علما و مؤلفان عالی قدر فروگذار نکرده، در نهایت وضوح این اصل محکم دینی را بیان فرموده‌اند.

ابعاد عظمت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

برادران و خواهران ایمانی!

شما که عید را همه‌ساله گرامی می‌دارید. آفرین بر ایمان و اخلاص شما. آفرین بر رشد فکری و شعور دینی شما. آفرین بر این احساسات تابناک ملکوتی. عنوان صحیفه عمل هر مؤمن، همین ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.^۱

همان بزرگ‌رهبری که فضایل و مناقبش از حدّ احصا، خارج است، همان فداکار و قهرمان و مجاهد یگانه‌ای که «لَوْ لَا سَيَفُهُ لَمَا قَامَ عَمُودُ الْإِسْلَامِ»^۲، همان مرد علم و ایمان و معرفتی که علوم همه در برابر علومش چون قطره‌ای است در برابر دریا، همان‌که همه به علم او نیازمند بودند و او از همه بی‌نیاز بود، همان‌که وجودش نمایش و جلوه

۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۷۷؛ ابن مغازلی، مناقب علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ص ۱۹۸؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۵، ص ۲۳۰؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۱.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۸۲.



کامل کمالات محمدی بود و هنگام نزول قرآن، با او همراه بود و آنچه را پیغمبر اکرم ﷺ شنید و دید، او نیز می‌شنید و می‌دید.^۱

بزرگ‌شخصیتی که در علم، عمل، زهد، تقوا، حلم، تواضع، عبادت، ایثار، جهاد، رحم، عدل، احسان و تمام صفات فاضله بی‌نظیر، ممتاز و نادر روزگار و آیت کبرای پروردگار و مجمع صفات اضداد بود.

صاحبان عقول کبیره، فصحاء، بلغا و بزرگان عالم بشریت، در برابر او سر تسلیم و خضوع فرود آورده، در مدح و ستایش او بلیغ‌ترین و رساترین سخنان را گفته و کتاب‌ها نوشته‌اند، و با این همه هرگز مبالغه نیست اگر بگوییم:

این شرح بی‌نهایت کز وصف یار گفتند
حرفی است از هزاران کاندل عبارت آمد

و

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست
که تر کنند سر انگشت و صفحه بشمارند

عظیمی که تمام نواحی وجودش عظمت و آیت قدرت بی‌انتهای خداوند متعال و جمع همه عظمت‌ها بود.

كَانَ عَظِيمًا فِي إِيَّانِهِ، عَظِيمًا فِي عِلْمِهِ، وَعَظِيمًا فِي
بَصِيرَتِهِ، عَظِيمًا فِي زُهْدِهِ وَتَقْوَاهُ، عَظِيمًا فِي بَطُولَاتِهِ

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۳۰۱؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۴۷۶؛ ج ۳۸، ص ۳۲۱.



وَتَضَحِيَّتِهِ، عَظِيمًا فِي نُصْرَةِ الْحَقِّ وَإِقَامَةِ الْعَدْلِ،
عَظِيمًا فِي إِغْلَاءِ كَلِمَةِ اللَّهِ، عَظِيمًا فِي رَحْمَتِهِ لِلْإِيْتَامِ
وَالْأَرَامِلِ وَالْمُسَاكِينِ، عَظِيمًا فِي مُوَاسَاتِهِ لِلْفُقَرَاءِ،
وَفِي خَوْفِهِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى، عَظِيمًا فِي فَصَاحَتِهِ
وَبِلَاغَتِهِ، عَظِيمًا فِي مَأْكَلِهِ وَمَشْرَبِهِ وَمَلْبَسِهِ، عَظِيمًا
فِي كُلِّ أَحْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ، فَتَعَالَى اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
خَالِقُ هَذَا الْإِنْسَانِ وَمُودِّعُ هَذِهِ الْعَظَمَاتِ فِيهِ،
فَتَعَالَى اللَّهُ خَالِقُ هَذَا الْكَوْنِ الْمُتَصَاغِرِ لِعَظَمَتِهِ
وَالْمُتَدَلِّلِ لِحَلَالِهِ وَجَبَرُوتِهِ وَسُلْطَانِهِ وَالْخَائِفِ مِنْ
كِبَرِيَّاتِهِ، صَاحِبِ هَذِهِ الْعَظَمَاتِ وَالْمُعْتَرِفِ عِنْدَهُ
بِعَجْزِهِ وَفَقْرِهِ إِلَيْهِ، فَهُوَ الَّذِي قَالَ:

«إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَكَفَى بِي
فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا».^۱

۱. «او در ایمانش بزرگ بود و در علم و بصیرتش بزرگ بود، در زهد و پرهیزکاریش بزرگ بود، در شجاعت و فداکاری هایش بزرگ بود و در یاری حق و برپا داشتن عدل و دادگری اش بزرگ بود، در دلسوزی به یتیمان و رحم بر بیوه‌زان و بینوایان بزرگ بود، در یاری کردنش برای فقیران و بیچارگان بزرگ بود، در ترس از خدا بزرگ بود، در فصاحت و بلاغتش بزرگ بود، در خوراکش و نوشیدنش و لباس و پوشاکش بزرگ بود، او در همه احوال و کارها بزرگ بود. خدای بزرگ آفریننده این انسان و قراردهنده این همه بزرگی‌ها در او چقدر بزرگ است؛ بزرگ و بلندمرتبه است خدایی که آفریننده ➤

فَهُوَ الْمُسَوَّسُ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَالْبَكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ
وَالْمُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ هُوَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ
وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَحَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ وَمِيزَانُ الْأَعْمَالِ
وَهُوَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَهُوَ نَفْسُ الرَّسُولِ وَزَوْجُ
الْبَتُولِ وَسَيْفُ اللَّهِ الْمُسْلُولِ وَيَدُ اللَّهِ الْبَاسِطَةُ وَأُذُنُهُ
الْوَاعِيَةُ وَعَيْنُهُ النَّاطِرَةُ وَحُجَّتُهُ الْبَالِغَةُ هُوَ مَوْلَانَا
عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام ۱.

«هُوَ الَّذِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ كَانَ لَهُ
مَقَامُ هَارُونَ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ

➔ این وجودی است که در برابر عظمت او اظهار کوچکی و در مقابل جلال و جبروت او اظهار خواری و ناچیزی می کند، صاحب این همه بزرگی ها از مقام کبریا و عظمت او می ترسد و در پیشگاه او به ناتوانی و عجز خود و نیازمندی خود اعتراف می کند. او است که می گوید: «خدایا این عزت مرا بس که بنده تو باشم و این افتخار مرا بس که تو پروردگار من باشی».

کراجکی، کنز الفوائد، ص ۱۸۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۹۴، ب ۳۲، ح ۱۰.

۱. «آری او مبهوت و واله در ذات خدا و گریان از ترس او و جهادگر در راه خدا است، او راه راست و دستگیره مورد اطمینان و ریسان محکم خدا است؛ و او ترازوی اعمال و تقسیم کننده بهشت و آتش (جهنم) است؛ و او جان پیغمبر و همسر بتول (حضرت فاطمه علیها السلام) و شمشیر آهیخته خدا و دست گسترده او و گوش شنوا و حفظ کننده و چشم نگاه کننده و حجت رسای خدا است؛ او مولای ما علی بن ابی طالب علیه السلام است.».



هُوَ الَّذِي كَانَ يَتُ اللَّهُ مَوْلَدُهُ
وَطَهَّرَ الْيَتِ مِنْ أَرْجَاسٍ أَوْثَانٍ
لَوْلَا هُ لَمْ يَجِدُوا كُفُؤًا لِفَاطِمَةَ
لَوْلَا هُ لَمْ يَفْهَمُوا أَسْرَارَ قُرْآنٍ^۱

باید بگوییم و اعتراف کنیم که ما را آن شایستگی و صلاحیت نیست که در اوصاف و کمالات علوی سخن بگوییم و سزاوار این است که در این مقام، زمین عجز و مسکنت ببوسیم و از خداوند منان بخواهیم که ما را در طریق ولایت و ایمان به امامت آن حضرت ثبات قدم و استقامت عطا فرماید.

تجلیل از غدیر، زمینه افزایش معارف ولایی

امید آنکه این برنامه‌ها، جشن‌ها و این خدمات و زحمات عزیزان و جوانان مخلص در برگزاری دهه غدیر، همگان را به معارف ولایی بیش‌ازپیش آشنا سازد و موجب جلب توجّهات عالیّه حضرت بقیة الله (ارواح العالمین له الفداء) گردد.

۱. «او کسی است که جایگاه او نسبت به پیغمبر خدا همانند جایگاه هارون نسبت به موسی بن عمران است؛ او کسی است که خانه خدا زادگاه او بود و خانه خدا را از لوث وجود بت‌ها پاک کرد. اگر او نبود برای فاطمه کفو و هم‌تا پیدا نمی‌کردند؛ اگر او نبود اسرار قرآن را نمی‌فهمیدند».

عمل به دستورات دین، علامت واقعی ولایت

برادران و خواهران ایمانی!

همه باید این را بدانیم که دین برای عمل است. ایمان به خدا، به پیغمبر ﷺ و به آیات، همه باید با عمل توأم باشد. مظاهر حقیقی و علایم واقعی ولایت، عمل به دستورات و تعالیم قرآن، احکام شرع و هدایت‌های امیرالمؤمنین و سایر ائمه معصومین علیهم‌السلام است.

باید از همه فرصت‌ها و برنامه‌های اعیاد و سوگواری‌ها، برای خودسازی، برای ترقی و کمال معنوی و اخلاقی استفاده کنیم، جلو برویم و رو به پیش باشیم.

در این فرصت‌ها به وضع تشیع خود، شیعه بودنمان، جهات اسلامی خودمان، جامعه و برادران و خواهرانمان، شهر و کشور، مسجد، اداره، مدرسه، دانشگاه، مطبوعات، روزنامه‌ها، رسانه‌های گروهی، کسب‌وکار و همه نواحی زندگی فردی و اجتماعی خود بیندیشیم و ظهور تشیع و ولایت علی علیه‌السلام را در همه این نواحی بررسی کنیم.

مسئولیت همگانی در برابر اعمال خلاف شرع

حقیر به همه هشدار می‌دهم ما در برابر هر نقصان، کسر و کمبودی که در اسلامیّت خود داشته باشیم مسئولیم؛ از اینکه بعضی به‌واسطه تبلیغات سوء در اشتباه بیفتند و محرّمات را حلال بشمارند، مسئولیم.





ما از این تشویق و ترویجی که به اسم هنر، از فساد و گرایش دادن جامعه به ملامتی، مناهی و شکستن سنت‌های دینی می‌شود مسئولیم. از اختلاط زنان با مردان بیگانه، از خطراتی که عفت و پارسایی زنان و جوانان را تهدید می‌کند مسئولیم. این جامعه، جامعه اسلامی، جامعه شیعی و جامعه قرآنی است.

هویت اسلامی این جامعه نباید به اسم خرافاتی که اسلام بر آنها خط بطلان کشیده مورد حمله واقع شود. در غدیر و اعیاد دیگر باید این مسائل را بررسی نماییم.

در این جمله تعلیلیه اخباریه: ﴿ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾^۱ که پس از جمله انشاییه‌ای که خطاب به زنان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است، دقت و تأمل کنید.

رعایت این هدایت قرآنی در تمام روابط بین زن و مرد بیگانه یک سنت اسلامی است که مراعات آن جامعه را از فساد و فحشا مصونیت می‌بخشد. این هدایت قرآنی اگرچه با فرهنگ مبتذل غربی - که متأسفانه افرادی فریفته و دلباخته آن هستند - مخالفت دارد، اما برای مسلمانان، معیار و میزان است و اختلاطات زن و مرد بیگانه را کنترل و تحت نظم و ضابطه قرار می‌دهد.

در سایر موارد باید اگر شیعه هستیم - که الحمد لله هستیم -

۱. احزاب، ۵۳. «این کار (درخواست چیزی از وسائل زندگی از زنان پیامبر از پشت پرده) برای پاکی دل‌های شما و آنها بهتر است».

دستورات شرعی و راهنمایی‌های ائمه علیهم‌السلام را سرمشق و دستورالعمل
خود قرار دهیم.

خداوند متعال همه را در عمل به وظایف، حفظ مواضع اسلامی و
بازنگشتن به ارتجاع جاهلیت و عقب‌گرایی موفق فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



۴ مکتب غدیر ۱

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن
هدانا الله، والصلاة والسلام على سيدنا رسول
الله وعلى عليٍّ وليِّ الله وآلهما سيِّما إمام زماننا
مولانا المهدي بقيّة الله واللّعن على أعداء الله.^۲

قال الله تعالى:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ
تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾.^۳

۱. این پیام به مناسبت دهه غدیر سال ۱۴۲۰ هجری قمری صادر شده است.
۲. «سپاس خدایی را که ما را به راه راست راهنمایی کرد اگر او ما را هدایت نمی‌کرد ما راه راست را پیدا نمی‌کردیم و درود و سلام بر آقایان پیامبر خدا ﷺ و علیّ علیّه و آله و سلم و فرزندانشان به‌ویژه امام زمان ما مهدی بقیه الله باد و لعنت بر دشمنان خدا باد».
۳. مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، ابلاغ کن،»

برادران مؤمن و خواهران مؤمنه!

اجازه دهید پیش از عرض تبریک و مطالبی را که باید همگان آن را در این دهه مبارک - که به دهه غدیر نام‌گذاری شده است - بررسی نماییم، نظری فشرده و بسیار مختصر در این آیه شریفه داشته باشیم:

تفسیر آیه تبلیغ

تأمل در این آیه و مضامین جمله‌های آن و زمان و دوره نزول آن خودبه‌خود نشان می‌دهد که آنچه پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به تبلیغ آن از جانب خدا مأمور شد، موضوعی جز موضوع مهم ولایت، نظام امامت و سیاست، حکم و اداره و مدیریت امت نبود.

مدنی بودن سوره مائده

اولاً: سوره مائده، که این آیه شصت و هفتم آن سوره است، مدنیه است و چنان‌که ظاهر است، در اواخر عصر مدنی نازل شده است که احکام مهم اسلام از اصول و فروع تبلیغ شده بود و حکم مهمی غیر از دستور نظام جامعه و مدیریت امت - که اعلان رسمی نشده باشد - باقی نمانده بود.

سابقه نزول آیه در امر ولایت

ثانیاً: اسم موصول در ﴿مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ اشاره به موضوع مهم

و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای، خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می‌دارد؛ آری خداوند گروه کافران را هدایت نمی‌کند».

خاصی است که سابقه نزول بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله داشته است.

عدم اکمال تبلیغ رسالت بدون ابلاغ ولایت

و ثالثاً: از جمله: ﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾ اهمیت و ارزش والای موضوعی که پیغمبر صلی الله علیه و آله به تبلیغ آن مأمور شده بود معلوم می‌شود، زیرا تا هنگام نزول این آیه، مسائل توحیدی، مبانی اعتقادی و احکام مهم عبادی، مالی، قضایی، اجتماعی، جهاد با کفار و ترک عادات زشت ریشه‌دار همه تبلیغ شده بود.

با این وجود، این موضوع را دارای چنان اهمیت معرفی می‌فرماید که اگر پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آن را تبلیغ نمی‌کرد، همانند آن بود که همه آنچه را در این مدت طولانی عصر مکه و عصر مدینه تبلیغ کرده، تبلیغ نکرده باشد و کأن لم یکن محسوب گردد. بدیهی است چنین موضوعی غیر از تعیین سرپرست و امام و رهبر برای امت، چیز دیگری قابل تصور نیست.

توطئه‌ها علیه تبلیغ ولایت

و رابعاً: جمله: ﴿وَاللَّهُ يُعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ گویای این است که در داخل مسلمین و پیرامون وجود مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله توطئه‌ها، دسته‌بندی‌ها و دست‌هایی در کار بوده است که اگر با آسیب رساندن به شخص آن حضرت هم باشد، از صورت گرفتن این امر جلوگیری



نمایند و مسیر رهبری امت را به سمتی که منافع خودشان را تأمین نماید منحرف سازند و خلاصه، این نگرانی بوده است که در هنگام ابلاغ این رسالت، به‌طور مرموزی، آشوب و فتنه‌ای برپا کنند که هم مانع از ابلاغ این رسالت بشوند و هم به جان پیغمبر صلی الله علیه و آله سوء قصد نمایند که با این وعده مدد و نصرت خداوند متعال، پیغمبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم با آن تشریفات رسمی و علنی، علی علیه السلام را به ولایت منصوب فرمود و همگان حتی توطئه‌گرها و آنان که قصد ممانعت از این ابلاغ را داشتند، با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کردند که بیش از این در اینجا به شرح و بسط و تفصیل این مسائل نمی‌پردازیم.

نتیجه تفسیر

مقصود این است که با توجه و آگاهی مختصر از اوضاع آن عصر و دقت در الفاظ و جمله‌های این آیه روشن می‌شود تبلیغی که پیامبر صلی الله علیه و آله به آن مأمور بود، تبلیغ ولایت علی علیه السلام بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله برای ابلاغ آن در غدیر خم، محلی که حاجیان از آنجا متفرق می‌شدند و به شهر و دیار خود می‌رفتند، امر فرمود که همه در آنجا توقف کنند و آنان که جلوتر رفته بودند برگردند و منتظر ماند تا آنان که هنوز نرسیده بودند به آنجا برسند.

سپس در آن مجمع بزرگ که تا آن روز جز در هنگام حج در همین سفر چنان اجتماعی فراهم نشده بود، به فرمان الهی، علی علیه السلام را به مقام ولایت منصوب و مانند خود اولی به انفس معرفی فرمود.

مقاومان سنگر ولایت

اکنون با تقدیم این بررسی تفسیری به شما عزیزان؛ برادران مؤمن و خواهران مؤمنه‌ای که این پیام را می‌شنوید یا می‌خوانید، این عید سعید و روز بزرگ و با عظمت را تبریک، تهنیت و شادباش عرض می‌کنم و به همه شما که به نعمت ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و ولایت ولیّ امر و صاحب عصر حضرت بقیه الله مولانا المهدی (روحی لتراب مقدم خدایم الفداء)، سربلند، سرافراز و مفتخر هستید درود می‌فرستم.

صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكُمْ يَا شَيْعَةَ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ، يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ أَيُّهَا الْفَائِزُونَ
الْمُخْلِصُونَ الرَّائِضُونَ فِي سَفِينَةِ النِّجَاةِ
وَالْمُعْتَصِمُونَ بِحَبْلِ اللَّهِ، هَنِيئًا لَكُمْ يَا أَنْصَارَ الْحَقِّ
وَيَا حُمَاةَ الدِّينِ وَيَا أَبْنَاءَ الْإِسْلَامِ وَالْقُرْآنِ لَقَدْ
فَضَّلَكُمْ اللَّهُ تَعَالَى بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ وَشَرَّفَكُمْ بِهَذَا
التَّشْرِيفِ وَاخْتَارَكُمْ عَلَى غَيْرِكُمْ مِنَ الْعَالَمِينَ.^۱

درود بر شما که در طول اعصار، در بیش از چهارده قرن، همواره در

۱. «درود و سلام خدا بر شما ای پیروان امیرالمؤمنین علیه السلام، ای یاران دین خدا، ای پیرومندان و مردان باخلاصی که سوار کشتی نجات هستید و به ریسمان خدا چنگ زده‌اید، گوارا باد شما را ای یاران حق و ای حامیان دین و ای فرزندان اسلام و قرآن، بی‌تردید خدا شما را برتری و فضیلت داده با این فضیلت و با این شرف شما را شرافت بخشیده و شما را از دیگر اهل عالم برگزیده است.»

تمسک به قرآن و عترت پایداری کرده، در برابر ظلم‌ها، ستمگری‌ها، استکبار، استضعاف و استعلای جبّاران، عرض وجود نموده و ثابت و مقاوم در سنگر ولایت، این حصن حصین الهی، از اسلام و مقاصد اسلام، از حق و عدالت دفاع نموده‌اید و اگرچه مشکلات، دشواری‌ها، محرومیت‌های گوناگون و فشارهای شدید اقتصادی را متحمل شده‌اید، همواره موفق بوده و شکست‌ناپذیری خود را در صحنه‌ها و میدان‌هایی که افراد قوی و نیرومند وادار به تسلیم و قبول شکست می‌شوند، به اثبات رسانده‌اید.

چند توصیه به جوانان منتظر

گوارا باد بر شما این افتخارات بزرگ ای پسران و دختران ابوذر، عمّار، حجر، رشید و میثم تمار و ای پاسداران و وارثان خون شهدای بدر، احد و شهدای کربلا، ای مردان رشید، و ای جوانان سربلند، و ای بانوان عفیف و فداکار، و ای عاشوراییان و ای غدیریان!

گذشته‌های پر افتخار خود را فراموش نکنید

به خود ببالید و بنازید، و گذشته‌های پر از عزّت، افتخار، شهامت و فداکاری در راه حق و استقامت خود را فراموش نکنید. شما چه خون‌های پاک و چه جوان‌های پاک‌بازی را برای اسلام و دین نثار کرده و قربانی داده‌اید.



به آداب و سنن اسلامی ملتزم باشید

ما همه مسلمان و شیعه اهل بیت (علیهم‌السلام) هستیم. جاهلیت‌های قبل از اسلام، جاهلیت عرب، جاهلیت عجم، همه ملّی‌گرایی‌ها و در یک عبارت جاهلیت اولی را پشت سرگذاشته و به آگاهی اسلامی و رشد و شعور ایمانی رسیده، از محمد و علی و از تهلیل و تکبیر و از قرآن و توحید، هویت، فرهنگ و شخصیت گرفته‌ایم، این هویت را باید با التزام به آداب و سنن اسلامی حفظ کنیم. مبارزه شیعیان با جاهلیت، ارتداد و ارتجاع، از صفحات زرین و درخشان تاریخ اسلام است.

استقلال و هویت اسلامی را حفظ کنید

جوانان عزیز، غیرتمندان شکست‌ناپذیر!

شما در طول تاریخ پر از حوادث اسلام، همواره افتخارآفرین بوده‌اید. امید آن است که بیشترین یاوران امام زمان (ارواح‌العالمین له الفداء) هم شما باشید. این شماست که باید سنگرها را نگهدارید. در هر شرایط و در هر کجا هستید، در دانشگاه‌ها، در مراکز تعلیم و تربیت، در جوامع فرهنگی، در سازمان‌ها و نهادها، روش، رفتار، آداب، لباس و کلّ مظاهر اجتماع، استقلال و هویت اسلامی را حفظ کنید.

تمدن اسلامی را گسترش دهید

برای ترقی، تعالی و بازیابی عزّت، مجد و عظمت‌های دیرین اسلامی تلاش کنید.



تمدن و فرهنگ اسلامی را که چهارده قرن در جهان درخشیده گسترش دهید. نسل معاصر مسلمان، به خصوص نسل جوان، در برابر اسلام و این تمدن عظیم و پهناور محمدی مسئول است. این تمدنی است که با تمام کوشش‌هایی که ابرطاغوتیان شرق و غرب برای محو آن دارند، اکنون همه شئون زندگی بیش از یک میلیارد جمعیت جهان زیر پوشش آن قرار دارد و اندیشه احیای آن، خواب آرام را از دشمنان اسلام می‌گیرد و برای مقابله با اسلام‌گرایی، لاییک‌گرایی را تشویق و ترویج می‌نمایند، و تمدن‌های استبدادی و فرهنگ‌های قبل از اسلام را در جوامع اسلامی، مثل ایران و مصر مطرح می‌کنند، زیرا از احیای اسلام و خودآگاهی مسلمانان ترس و وحشت دارند و با انواع توطئه‌ها، ترفندها و سیاست‌ها، نهضت اسلام‌گرایی، عزت‌خواهی و استقلال‌طلبی مسلمانان را می‌کوبند.

در فلسطین، در الجزایر، در آسیای میانه، در چین، در ترکیه، در اینجا و آنجا، با جنگ، کشتار و قتل‌عام یا به بهانه‌های گوناگون دیگر، به بهانه ملیت و مردم‌سالاری تلاش می‌کنند که این غرور و این آگاهی اسلامی را سرکوب و صدای اسلام، اذان و تکبیر را خاموش، شعائر دین، حجاب، چادر بانوان و سنت‌های اسلامی را منسوخ سازند و غرب‌گرایی را در مظاهر فسق و فجور، ترویج موسیقی، نوازندگان، خوانندگان جشنواره‌ها و مسابقات مبتذل رایج نمایند.



در مقابل اسلام‌زدایی دشمن به‌هوش باشید

شما ای شیعیان علی، ای جوانان غدیری و عاشورایی و ای بانوان
زهرایی و زینبی!

به‌هوش باشید، به‌هوش باشید که دشمن ما و به‌اصطلاح
ابرقدرت‌های جهان در هیچ سیاستی مثل سیاست اسلام‌زدایی و مبارزه
با اسلام‌گرایی اتفاق نظر ندارند و با نقشه‌های دقیق و حساب‌شده و
فشار اقتصادی می‌خواهند این میل به اسلام و بازگشت به اسلام را
منکوب و سرکوب کنند.

به‌هوش باشید و دین خدا را یاری نمایید و با توکل و اعتماد به خدا،
از فتنه‌های بزرگ آخرالزمان خود را بیمه نمایید.

از رجوع به جاهلیت اولی و استقبال به جاهلیت آینده پرهیزید

نه به سوی جاهلیت اولی برگردید و نه از جاهلیت آینده، که همین
مکتب‌های لایبکی است، استقبال نمایید. باید نشان بدهیم و ثابت کنیم
که دین، ملیت، قانون، سیاست، نظام، حکومت، فرهنگ و دنیا و
آخرت ما اسلام است:

«لَا تَبْتَغِي غَيْرَهُ؛ لَا نِظَامًا وَلَا سِيَاسَةً وَلَا وَطَنًا»^۱

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ

۱. غیر او (اسلام) را نمی‌خواهیم (بر نمی‌گزینیم) نه برای نظام و (امور اجتماعی) و نه
برای سیاست و (مدیریت) و نه برای وطنان.

فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۱.

علی علیه السلام را الگوی خویش قرار دهیم

بیاید در این دهه مبارکه غدیر، خود را به علی علیه السلام، به رفتار علی علیه السلام، به گفتار علی علیه السلام و به اخلاق علی علیه السلام عرضه کنیم. از آن حضرت درس و سرمشق بگیریم. آیا در کمک به مستضعفان و محرومان در راه علی علیه السلام می‌رویم؟ آیا در لباس و غذا، در مظاهر زندگی، در ساده‌زیستی و بی‌تکلفی، نشانی از علی علیه السلام داریم؟ آیا می‌خواهیم با این تجمل‌پرستی‌ها و اسراف و تبذیرها، با این جدا بودن از طبقات محروم، شیعه راستین علی علیه السلام باشیم؟ اگر عدالت علی علیه السلام، زهد علی علیه السلام، شجاعت علی علیه السلام، حلم و صبر علی علیه السلام، حق‌پرستی علی علیه السلام، تواضع علی علیه السلام و سایر فضایل بزرگ علی علیه السلام ما را شیفته و دلباخته او کرده است، باید از این اخلاق بی‌بهره نباشیم.

خود آن حضرت فرمود:

«أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ
بِنُورِ عِلْمِهِ»^۲.

۱. آل عمران، ۸۵. «و هر کس جز اسلام، آیینی برای خود انتخاب کند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت از زیان‌کاران است».

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۴۱۷؛ دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۱۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۴۷۴؛ ج ۴۰، ص ۳۴۰؛ ج ۶۷، ص ۳۲۰. «بدان و آگاه باش برای هر کس»

پیرو مکتب علوی و فاطمی باشید

سعادت ما و ترقی و تعالی ما، در پیروی از مکتب علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام؛ همان بانویی که وقتی این سؤال مطرح شد که برای زن چه روش و سیره‌ای بهتر و شایسته‌تر است، آن جواب تاریخی را داد^۱ که تا قیامت سرمشق زنان مؤمنه شد، همان بانویی که به اقتضای آن ضرورت بسیار بزرگ، وقتی لازم شد به مردم هشدار دهد و خطر ارتجاع و ارتدادی که پیش آمده بود را گوشزد کند، و اصول احکام، معارف اسلام و مبانی دین مبین را ابلاغ کند و زحمات پدر بزرگوارش و هدایت‌های او را بیمه نماید، با آن جلال و شکوه، درحالی که خواتین و خانم‌های معظمه، پروانه‌وار شمع وجودش را احاطه کرده بودند، در آن شرایط سخت هم از پشت پرده با مردم سخن گفت.^۲

➔ پیروی پیشوایی است که باید (از او پیروی می‌کند) و به او اقتدا نماید و از نور دانش او روشنائی بگیرد.

۱. اشاره به روایت: «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَزِينَ الرَّجَالُ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ»؛ «برای زن‌ها این بهتر است که آنها مردان را و مردها آنها را نبینند». طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۳۳؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۶۰۲؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۷، ح ۲۵۰۵۴، ب ۱۲۹، ص ۲۳۲، ح ۲۵۵۱۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۴.

۲. ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۱۲ - ۱۵؛ ابن مردویه اصفهانی، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۲۰۱ - ۲۰۲؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۱۱۱؛ طبرسی، الاحتجاج، ص ۴۰.



اگر به دنیا هرچه بگذرد و هرچه در صنایع و تکنیک پیش برود و کفر لاییک و انکار حاکمیت الله جهانگیر شود، خط شیعه، خط علی و زهراء علیها السلام است و در یک کلام، حرفش، کلامش، قانونش و میل دلش، همه تابع اسلام است.

ایمانش برگرفته از مثل این حدیث است که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت است و ما این پیام را به آن ختم می‌کنیم:

«لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ»^۱

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تج ۱، ص ۱۳۱ - ۱۳۲؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۱؛ ابن طاووس، الطرائف، ص ۲۶۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۱۶.

۱. ابن ابی عاصم، کتاب السنه، ص ۱۲؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۳۳؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، ص ۱۶۷؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱۳، ص ۲۴۵. «بنده ای مؤمن نخواهد بود تا خواست او تابع آنچه من (از طرف خدا) آورده ام باشد».



۵

امیر غدیر^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

جوانان عزیز و مؤمن آبدان و عزیزانی که در این کنگره مقدس
شرکت فرموده‌اید:

سلام علیکم ورحمة الله

بسیار جای تقدیر و تحسین، و زیبا و دلنشین است که جوانان در
مقام عرض ولایت و ارادت به آستان اقدس و درگاه ملائک سپاه
حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) کنگره‌ای به نام نامی و اسم گرامی «امام
علی (علیه السلام) و جوانان» برگزار می‌نمایند.

مقامات عالی امام (علیه السلام)

فرزندان عزیز، امام (علیه السلام) در همه ابعاد وجود انسان این پدیده برتر و
برگزیده خلقت نمونه اکمل و اعظم است. همه نواحی شخصیت الهی

۱. این پیام در ۱۵ ماه مبارک رمضان سال ۱۴۲۱ هجری قمری جهت کنگره امام علی (علیه السلام)
که در شهر آبدان برگزار شد صادر شده است.



او ظهور عظمت قدرت و علم خداوند علیّ عظیم است. او انسان مافوق و بشر اکمل است.

عجز همگان از معرفت امام علیّ علیه السلام

یک هزار و چهار صد سال است پیرامون شخصیت جامع الاطراف آن حضرت، نواغ عالم علم، نخبگان و فرزندگان کم نظیر از مسلمان و دیگران سخن گفته و هزارها کتاب و رساله پیرامون ابعاد وجودی او، فضایل، مناقب، مکارم اخلاق و صفات الهی او گفته و نوشته‌اند و هنوز هم آگاهان خود را در این دریای بی‌کرانه به ساحلی نزدیک نمی‌بینند و مانند مسافرانی که در فضا در پرواز باشند هرچه پرواز می‌کنند پایانی برای سفر خود نمی‌یابند.

لزوم الگوبرداری جوانان از جوانی امام علیّ علیه السلام

بخش‌های زندگی آن حضرت در این عالم اگرچه مجموع آن از جهت طول زمان شصت و سه سال بوده است، ولی از جهت عرض و کیفیت از شصت و سه میلیون سال و بیشتر و بیشتر عریض‌تر و پهنارتر است. آنچه به عمر انسان شرف و ارزش می‌دهد درازی زمان آن نیست، حیات بشر به ظهور خصایص عالی انسانیت و جمال آدمیت ارزش و معنا می‌یابد.

شما جوانان عزیز، سزاوار است که دوره جوانی امام علیّ علیه السلام را الگو و سرمشق خود قرار دهید؛ نوجوانی و جوانی علیّ علیه السلام بخش‌ها و



سرگذشت‌های بسیاری دارد که همه جوانان را به سیر و حرکت به سوی مقامات رفیعہ انسانیت، ایمان، مقاومت و استقامت بسیج و تشویق می‌کند. علی علیه السلام نوجوان و جوان بود که در میدان‌های جهاد و دفاع از اسلام فداکارانه با شجاعان بزرگ زمان دست‌وپنجه نرم می‌کرد و آنان را به خاک هلاک می‌انداخت.

در غزوه بدر، احد، احزاب، خیبر و غزوات دیگر که شرکت داشت جوان بود. در جوانی در لیلۃ المیت شبی که کفار تصمیم به قتل پیغمبر خدا داشتند در جای آن حضرت خوابید. در واقعه مباحله که با پیغمبر صلی الله علیه و آله به فرمان خدا شرکت داشت جوان بود. وقتی که در رکوع، انگشتر خود را به سائل بخشید و آیه **﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...﴾**^۱ در شأن او نازل شد جوان بود. در آن زمان که طعام خود را به مسکین، یتیم و اسیر می‌داد و آنها را بر خود مقدم می‌کرد^۲ جوان بود. در جوانی روزهایش به روزه‌داری و شب‌های او به تهجد، عبادت و شب زنده‌داری می‌گذشت.

روزی در نوجوانی و جوانی بر او نگذشت که به فضیلت‌ها، مقامات و موضع‌های خدایسندانه مشحون نباشد. حیات جوانی و نوجوانی علی علیه السلام باید برای همه جوانان سرمشق و راهنما باشد. بسیاری از

۱. مائده، ۵۵. «ولی شما تنها خداست و رسول او و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که

نیاز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع زکات می‌دهند».

۲. انسان، ۸.

سوابق و مناقب که از علی (علیه السلام) نقل می شود از جوانی ایشان است. او جوان بود ولی اگر ایمانش را با ایمان همه سالمندان صحابه می سنجیدند بر همه برتری داشت، بلکه سنگین تر از آن بود که با ایمان آنها سنجیده شود؛

لعل و مرجان را چه کس گفته است بهتر از خزف
جان علوی را چه کس سنجید با نقش جدار

در اینجا به همین مناسبت کلام را به این سه بیت به پایان می رسانم:

يَقُولُونَ لِي فُضِّلَ عَلَيَّ أَعْلَاهُمْ
فَلَسْتُ أَقُولُ التَّبَرُّ أَعْلَى مِنَ الْخُصَا
أَلَمْ تَرَ أَنَّ السَّيْفَ يَزْرِي بِحِلْدِهِ
مَقَالِكَ هَذَا السَّيْفُ أَحَدَى مِنَ الْعَصَا
إِذَا أَنَا فَضَّلْتُ عَلَيَّ أَعْلَاهُمْ
أَكُنْ لِلَّذِي فَضَّلْتُهُ مُتَنَقِّصًا^۱

از خداوند متعال برای همه جوانان، دانش آموزان و دانشجویان، توفیق در راه شناخت آن امام بزرگوار و پیروی واقعی از آن حضرت را خواستارم.

۱. افندی اصفهانی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۵۰۴. «به من می گویند علی (علیه السلام) را بر آنها برتری ده، پس من نمی گویم طلا از سنگریزه بالاتر است؛ آیا نمی بینی شمشیر با دم خود می بُرد تو می گویی این شمشیر بُرنده تر از عصا است! وقتی من علی (علیه السلام) را بر آنها برتری دهم درباره آنکه او را برتری داده ام فروگذاری و تنقیص کرده ام».



ع کلام امیر^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

قال مولانا امير المؤمنين عليه السلام:

«إِنَّا لَأُمَرَاءُ الْكَلَامِ وَفِينَا تَنْشَبَتْ عُرُوفُهُ وَعَلَيْنَا
تَهَدَّلَتْ غُصُونُهُ».^۲

نهج البلاغه نشان کمال انسانیت

با سلام و تحیت به حضور بزرگان و شخصیت‌های ادبی، علمی و اسلامی که در این مجلس شریف که به‌عنوان بزرگ و بسیار بامعنی و پر ابعاد «نهج البلاغه» برگزار می‌شود شرکت نموده و علاقه‌مندی خود

۱. این پیام جهت کنفرانس نهج البلاغه در دهلی که به‌مناسبت فرا رسیدن عید غدیر در ۱۰ ذی‌القعدة ۱۴۲۳ در هند برگزار شد به رشته تحریر درآمده است.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۳۳، ص ۳۵۴؛ دیلمی، اعلام الدین، ص ۳۲۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۲۴۵؛ ج ۳۴، ص ۲۲۴؛ ج ۶۸، ص ۲۹۲. مولایمان امیرمؤمنان عليه السلام فرمود: «ما امیران سخن هستیم ریشه‌های سخن در وجود ما دوانده شده و فرو رفته است و شاخه‌های آن بر ما آویخته شده است».



را به این کتاب عظیم که حقاً نشان‌دهنده اوج تعالی، کمال انسانیت و توفیق بشریت به درک حقیقت است اظهار نموده‌اند، با این کلمه این حقیر ناچیزی که در میدان و جهان وسیعی که سخن از نهج البلاغه و از امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد به ذره و کمتر از ذره هم در حساب نمی‌آیم جسارت نموده خود را در شمار آن عزیزان قرار می‌دهم؛ «فَمَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»^۱.

وجوه اعجاز نهج البلاغه

نهج البلاغه نه بلاغت در همه فنون و تمام علوم حقیقیه است که بلاغت یعنی سخن گفتن به مقتضای حال و چنان‌که باید گفت در همه موضوعات، ارزشمند است.

بلاغت در الهیات و تکلم از عالم غیب و ماوراء الطبیعه، بلاغت در بیان آیات آفاقیه و انفسیه الهیه، بلاغت در بیان بهترین و عالی‌ترین مواظظ و حکمت‌ها، بلاغت در بیان اصول سعادت اجتماع، بلاغت در درس سیاست مُلدن، بلاغت در معرفی نبوّات به‌ویژه بیان نبوت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله)، بلاغت در اخبار از مغیبات، و بلاغت و بلاغت و بلاغت...

۱. ابن ابی شیبہ کوفی، المصنف، ج ۴، ص ۵۷۵، ۵۸۱؛ ج ۷، ص ۶۳۸-۶۳۹؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۲، ص ۵۰، ۹۲؛ ابوداود سجستانی، سنن، ج ۲، ص ۲۵۵؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۲۷۱؛ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۶۵. «هرکس خود را به قومی شبیه سازد او از آنها به حساب می‌آید».



اگر فصاحت و بلاغت فضلا و بلغای نامدار در وصف جنگ، اسب و شمشیر و این عناوین بود، بلاغت امام علیه السلام بیان حقایق و معانی متعالیه‌ای است که نوابغ بینش و بصیرت به فهم آن افتخار می‌کنند. با این همه شروحنی که بر این کتاب نوشته‌اند، هنوز هم مثل این است که بی‌شرح مانده باشد و باید محققان بزرگ در رشته‌های مختلف بر آن شرح بنویسند و باز هم بنویسند و بنویسند.

اعتراف دانشمندان به مقام والای علی علیه السلام

نهج البلاغه سخن علی علیه السلام است. سخن معلّمی شدید القوی است، که در وصفش گفته‌اند:

«يَفْجَرُ الْعِلْمُ مِنْ جَوَانِهِ وَتَنْطِقُ الْحِكْمَةُ مِنْ نَوَاحِيهِ»^۱

و گفته‌اند:

«كَلَامُهُ دُونَ كَلَامِ الْخَالِقِ وَفَوْقَ كَلَامِ الْمَخْلُوقِينَ»^۲

۱. کوفی، مناقب الامام امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۲، ص ۵۱؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۲۱؛ سیّد رضی، خصائص الانبیا، ص ۷۱؛ زنجشیری، ربیع الاربار، ج ۲، ص ۱۷۸؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۲۴، ص ۴۰۱؛ اربلی، کشف الغمّه، ج ۱، ص ۷۶؛ دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۱۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۲۰، ب ۱۰۷، ح ۲۸. «علم و دانش از هر طرف او می‌جوشید و حکمت از اطراف او گویا بود».
۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۴. «سخن او پایین‌تر از سخن آفریدگار و بالاتر از سخن مردم است».

و باز گفته‌اند:

أَلَا إِنَّمَا التَّوْحِيدُ لَوْلَا عُلُومُهُ
كَعَرَضَةٍ ضَلِيلٍ وَنَهْبَةٍ كَافِرٍ^۱

نهج البلاغه سخن علی علیه السلام است. باز هم و پس از آن هم در مدح آن می‌گوییم که سخن علی علیه السلام، سخن عظیمی است، که تمام نواحی وجودش عظمت و آیات قدرت بی‌انتهای قدرت خداوند قادر متعال است.

شخصیت الهی امیرالمؤمنین علیه السلام

فَقَدْ كَانَ عَظِيمًا فِي إِيْمَانِهِ، عَظِيمًا فِي عِلْمِهِ، عَظِيمًا فِي
بَصِيرَتِهِ، عَظِيمًا فِي زُهْدِهِ وَتَقْوَاهُ، عَظِيمًا فِي بَطُولَاتِهِ
وَتَضَحِّيَاتِهِ، عَظِيمًا فِي نُصْرَةِ الْحَقِّ وَإِقَامَةِ الْعَدْلِ،
عَظِيمًا فِي إِعْلَاءِ كَلِمَةِ اللَّهِ، عَظِيمًا فِي رَحْمَتِهِ
لِلضُّعْفَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَفِي مُوَاسَاتِهِ مَعَ الْفُقَرَاءِ، وَفِي
خَوْفِهِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى، عَظِيمًا فِي فَصَاحَتِهِ وَبَلَاغَتِهِ،
عَظِيمًا فِي كُلِّ أَعْمَالِهِ فَتَعَالَى اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ خَالِقُ
هَذَا الْإِنْسَانِ، وَمُودِّعُ هَذِهِ الْعَظَمَاتِ فِيهِ، فَتَعَالَى

۱. ابن ابی‌الحدید، الروضة المختارة (القوائد العلویات السبع)، ص ۱۲۳ - ۱۲۴، القصيدة الخامسة. «آگاه باشید که اگر علوم و دانش او نبود، توحید آن چنان خراب می‌شد که به صورت آنچه را که شخص ضالّ عرضه می‌کند و آنچه را که کافر غارت کرده است در می‌آمد».



اللَّهُ خَالِقُ هَذَا الْكَوْنِ الْمُتَصَاغِرِ لِعَظَمَتِهِ،
وَالْمُتَدَلِّلُ لِحَلَالِهِ وَجَبَرُوتِهِ وَسُلْطَانِهِ، وَخَائِفٌ مِنْ
كِبَرِيَّائِهِ، صَاحِبُ هَذِهِ الْعَظَمَاتِ وَالْمُعْتَرِفُ عِنْدَهُ
بِعَجزِهِ وَفَقْرِهِ إِلَيْهِ:
«إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَكَفَى بِي
فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا».^۱

ولا حول ولا قوّة إلا بالله العليّ العظيم
وآخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمين

۱. کراچکی، کنز الفوائد، ص ۱۸۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۹۴، ب ۳۲، ح ۱۰. او در ایمانش بزرگ بود و در علم و بصیرتش بزرگ بود، در زهد و پرهیزکاریش بزرگ بود، در شجاعت و فداکاری‌هایش بزرگ بود، و در یاری حق و برپا داشتن عدل و دادگری‌اش بزرگ بود، در دلسوزی به یتیمان و رحم بر بیوه‌زنان و ینوایان بزرگ بود، در یاری کردنش برای فقیران و بیچارگان بزرگ بود، در ترس از خدا بزرگ بود، در فصاحت و بلاغتش بزرگ بود، در خوراکش و نوشیدنش و لباس و پوشاکش بزرگ بود، او در همه کارهایش بزرگ بود. خدای بزرگ آفریننده این انسان و قراردهنده این همه بزرگی‌ها در او چقدر بزرگ است؛ بزرگ و بلندمرتبه است خدایی که آفریننده این وجودی است که در برابر عظمت او اظهار کوچکی و در مقابل جلال و جبروت او اظهار خواری و ناچیزی می‌کند، صاحب این همه بزرگی‌ها از مقام کبریا و عظمت او می‌ترسد و در پیشگاه او به ناتوانی و عجز خود و نیازمندی خود اعتراف می‌کند. او است که می‌گوید: «خدایا این عزت مرا بس که بنده تو باشم و این افتخار مرا بس که تو پروردگار من باشی».



۷

هشدارهای غدیری^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالى:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ
عَلَيْكُمْ نِعَمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ
دِيناً﴾^۲

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمَتَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روز بزرگ و عید عظیم الله اکبر، عید اكمال دين و اتمام نعمت و
رضای خدا را به اینکه اسلام، دين همه مؤمنان و مخاطبان این آیه تا

۱. این پیام در ۱۶ ذی الحجة الحرام سال ۱۴۲۴ هجری قمری صادر شده است.

۲. مائده، ۳. «امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را
به عنوان آیین (جاودان) شما پسندیدم».



روز قیامت است به آستان فرشته‌پاسبان ولیّ دوران، صاحب زمان، کشف امان و نجات مستضعفان، حصن الله الحصین و صراطه المستقیم حضرت بقیة الله مولانا المهدی (ارواح العالمین له الفداء) و عموم شیعیان تبریک عرض می‌نماییم.

تعظیم ایّام الهی، نشانه التزام به شعائر دینی

مسلمانان عموماً و شیعیان خصوصاً در اعیاد جلیله و روزهای تاریخی و با عظمت و ایّام الهی با برگزاری مراسم باشکوه جشن و تشکیل مجالس، همایش‌ها و برنامه‌های ویژه، حیات، بقا، موجودیت و التزام خود را به شعائر دینی، هویت، استقلال اسلامی و حضور و علاقه خود را به سنن و آداب اسلامی اظهار می‌نمایند و پیام‌های سازنده و ارزنده این ایام الهی را به گوش دل می‌شنوند.

هشدارهای غدیر

این برنامه‌ها که همه‌ساله مخصوصاً در مثل دهه مبارکه غدیر برگزار می‌شود از جهات متعدد، سودمند و حرکت‌آفرین و هشدارده و پربرکت است.

هویت شیعی را حفظ کنید

هشدار اینکه قدر شرف تشیع و ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بدانید و حیثیت و شخصیت اسلامی و مذهبی خود را عزیز و گرامی بدانید. مبدا



این هویت در معرض تصرف بیگانگان و دشمنان اسلام قرار بگیرد.

مراقب تهاجم دشمنان به اسلام عزیز باشد

هشدار اینکه دنیای کفر، الحاد و لاییک‌گرایی در حال حاضر برای محو و خدشه‌دار کردن هویت اسلامی مسلمانان با تمام قوا وارد عمل شده و فرهنگ و آداب مسلمانان را هدف قرار داده است و با تبلیغات مسموم، با بهانه‌های گوناگون به اسم دموکراسی، به اسم آزادی، به اسم حقوق بشر و دفاع از بانوان، با ترویج فساد، ابتذال اخلاقی و اشاعه ملامی و مناهی به نام هنر و هنرمندی، به موجودیت عالم اسلام و نظامات اسلام، هجوم آورده‌اند، خوی استکباری و استعلاگری آنها چشم دیدن یک جامعه مستقل و غیر قابل نفوذ و با تمدن درخشان مخصوص به خود و نظامات و آداب ممتازة انسانی را ندارد.

مسلمانان به‌ویژه شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) که می‌فرمود:

«وَاللّٰهُ لَوْ تَطَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلٰی قِتَالِيْ لَمَّا وَلَّيْتُ عَنْهَا»^۱

در این میدان هرکدام، حتی اگر خود را یک نفر و یک‌تنه ببینند باید بایستند و از شرف، کرامت و عزت خویش، پاسداری نمایند و خود را

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۴۱۸. «به خدا سوگند اگر اقوام عرب همگی همدست باشند و همدیگر را یاری کنند و به نبرد من بشتابند هیچ وقت از آنها روی بر نمی‌تابم و پشت نمی‌کنم».



از افتادن در دام‌های کفر و بیگانگی از خدا حفظ نمایند.

مغلوب ظواهر مادی نشوید

برادران مسلمان و خواهران مسلمان!

باز هم متذکر می‌شوم هویت اسلامی خود را حفظ کنید، شخصیت اسلامی خویش را عزیز و گرامی بدارید. آداب اسلام، سنت‌های اسلامی، احکام اسلام، حجاب اسلام و تمامی شعائر اسلام را در هر کجا هستید احترام کنید و مقهور و مغلوب ظواهر مادی جوامعی که از مدیّت انسانی بی‌بهره‌اند نشوید. نگذارید رنگ اسلامی جامعه و صبغة الله شیعه، کم‌رنگ شود.

در مکتب انتظار خود را بسازید

پیام‌های عید غدیر را بشنوید و به مولا و آقای واقعی خود، حضرت بقیه الله (ارواح العالمین له الفداء) متوسّل شوید و همچنین فرج آن حضرت را از خداوند متعال بخواهید و در مکتب انتظار آن امام، خود را بسازید.

پیروزی حق و زوال باطل

بدانید که آینده جهان از آن صالحان و مؤمنان است و استضعاف، استکبار و استعلا رو به زوال و انقراض است و چنان‌که در حدیث مشهور و مسلّم الصدور:



«شِيعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ»^۱

اعلام شده است فقط شیعیان علی علیه السلام، پیروان علی علیه السلام و کسانی که در خط و راه علی علیه السلام به پیش می روند رستگارانند.

آیه ذرّ و لقب امیرالمؤمنین علیه السلام

در پایان این پیام به عنوان هدیه و عیدی خدمت دوستان و عزیزان، روایتی را مربوط به تاریخ زمان نام گذاری و ملقب شدن علی علیه السلام به لقب «امیرالمؤمنین» تقدیم می نمایم:

دیلمی - از علمای مشهور و نامدار اهل سنت - در کتاب فردوس الاخبار از حذیفه - یکی از صحابه بزرگ و معروف - درضمن حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله تفسیر این آیه را روایت نموده است:

«قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَإِذَا خَذَرْتُكَ مِنْ بَنِي آدَمَ

مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتُهُمْ وَاشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ

بِرَبِّكُمْ؟﴾»^۲

ملائکه جواب دادند: «بَلَى».

۱. ابن شاذان نیشابوری، الايضاح، ص ۴۷۶؛ کوفی، مناقب الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۲، ص ۲۸۴؛ صدوق، الامالی، ص ۱۵۰، ۴۴۲؛ همو، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۷؛ مغربی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۷۵؛ طبری، بشارة المصطفی، ص ۹۹، ۲۵۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۹، ب ۸۷، ح ۱۲۰. «فقط شیعیان علی علیه السلام رستگارانند».

۲. اعراف، ۱۷۲.



فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَنَا رَبُّكُمْ وَمُحَمَّدٌ نَبِيُّكُمْ وَعَلِيٌّ
أَمِيرُكُمْ»^۱.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

۱. قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۲، ص ۲۴۷-۲۴۸؛ نیز رجوع کنید: علامه حلّی، نهج الحق و كشف الصدق، ص ۱۹۱؛ استرآبادی، تأویل الآیات، ج ۱، ص ۱۸۰، بحرانی، غایة المرام، ج ۱، ص ۱۸۰؛ بحرانی، مدینه معاجز الائمة الاثنی عشر، ج ۱، ص ۶۷-۶۸؛ حرّ عاملی، الجواهر السنیة، ص ۳۰۷؛ مرعشی نجفی، شرح احقاق الحق، ج ۴، ص ۲۷۵. «و زمانی که پروردگارت از پشت (و صلب) فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت و آنها را گواه بر خویشتن ساخت (و فرمود:) آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند چرا گواهی می‌دهیم، پس خداوند فرمود: «من پروردگار شما هستم و محمد ﷺ پیامبر شما و علی علیه السلام امیر و فرمانروای شما است».



۸ غدير شاسی

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالى:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ
عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ
دِينًا﴾^۲

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةِ مِنْ وَلَدِهِ الْمَعْصُومِينَ سَيِّدِ
الْإِمَامِ الْمُبِينِ وَالْكَهْفِ الْحَصِينِ وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ
الْمُسْتَكِينِ مَوْلَانَا الْمَهْدِيِّ بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ
عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ صَلَوَاتِ اللَّهِ تَعَالَى وَأَنْبِيَائِهِ

۱. این پیام در ۲۱ ذی القعدة الحرام سال ۱۴۳۰ هجری قمری صادر شده است.

۲. مائده، ۳. «امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را
به عنوان آیین (جاودان) شما پسندیدم».



الْمُرْسَلِينَ وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّرِينَ.^۱

برادران و خواهران ایمانی، شیعیان مخلص، غدیریان پاک‌گوهر!
به همه شما سلام، درود و تبریک و تهنیت عید الله اکبر، عید اكمال
دین، عید اتمام نعمت و عید اعلام ولایت.

دهه غدیر، فرصتی برای اجرای مقاصد اسلامی

از ده سال پیش (سال ۱۴۲۰) تاکنون پیشنهاد اختصاص یک دهه
تمام به نام دهه غدیر با تقدیم پیامی جامع اعلام شد.
از آن سال تاکنون هر سال، این برنامه و بزرگداشت دهه مبارک
غدیر برگزار می‌شود و همه‌ساله بر گسترش، رونق، معنویت و برکات
آن افزون‌تر می‌شود و مشارکت مردم بیدار و آگاه بیشتر می‌گردد.
الحقّ این بزرگداشت، برنامه‌ای است که سزاوار است در همه ابعاد
توسعه پیدا کند و برای مقاصد عالی معرفتی، علمی، تربیتی و برقراری
وحدت بین مسلمین از آن استفاده شایان و کلان بنمایید.

مکتب غدیر، مکتب همه انبیا

مکتب غدیر، مکتب جهاد، مکتب ایمان، مکتب قرآن و مکتب همه

۱. «سپاس خدایی را که ما را پیروان ولایت امیرمؤمنان و امامان معصوم از فرزندان
آن حضرت به‌ویژه امام مبین و دژ محکم و پناه گرفتاران و بیچاره‌گان مولایمان مهدی
بقیه الله در روی زمین قرار داد، برترین دروذهای خدا و پیامبران و فرشتگان مقرب او بر
آنها باد».



انبیا است. همه بر سر یک خوان گسترده علم، بصیرت و بینش که می‌توان گفت: ﴿عَرَّضْهَا عَرَضُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۱ یا بیشتر است دعوت می‌شوند و کرویّیان و قدسیان در این مکتب حضور می‌یابند و از معانی و فیوض معنوی آن درس‌ها و بهره‌ها می‌گیرند.

اعتبار و تواتر حدیث غدیر

یکی از علما می‌گوید: «در بغداد و در دگان صحافی، کتابی را دیدم که پشت آن نوشته شده بود: جلد بیست و هشتم از اسناد حدیث شریف غدیر و پس از آن جلد، بیست و نهم می‌باشد».^۲ این مطلب حکایت از این دارد که بیست و نه جلد کتاب فقط درباره اسناد این حدیث در آن زمان نوشته شده بود.

این اجمالی از کثرت اسناد این حدیث و شدت اعتنا و اهتمام علما و محدثین به واقعه تاریخی غدیر خم است.

راجع به متن و اصل خطبه غدیر و روایات و احادیث مربوط به آن، آنچه تا حال نوشته شده است بیش از حدّ احصا است. در باب فنون و علوم مختلف اسلامی از حدیث، تفسیر، تاریخ، سنت و کلام، همه از غدیر گفته‌اند و بسیاری مثل ابن‌عقده‌ها تألیف خاصی راجع به آن

۱. آل‌عمران، ۱۳۳. «پهنایش به قدر آسمان‌ها و زمین است».

۲. این کلام از ابوالعالی جوینی دانشمند بزرگ اهل سنت است که در *ینابیع الموده* (قندوزی، ج ۱، ص ۱۱۳ - ۱۱۴) نقل شده است.



نگاشته و بیشتر به نام *الولاية* یا *الغدیر* و در این عصر اخیر هم، مثل موسوعه عظیم *عقبات الانوار*، به وسیله علامه متبحر سید میر حامد حسین هندی رحمته الله و نیز موسوعه شریف *الغدیر* اثر علامه امینی رحمته الله تألیف شده است.

چند توصیه مهم

در این باره، حقیر از همه محبتان و شیعیان امیرمؤمنان می‌خواهم تا آنچه در توان دارند مصروف انجام موارد ذیل نمایند:

ترویج غدیر را از خانواده خویش آغاز کنید

۱. پدران و مادران، داستان مهم غدیر را برای کودکان و نونهالان خود بازگو کنند و آنان را به ولایت حجت بالغه الهی، آشناتر سازند و از عطر یاد، نام و محبت حضرت علی بن ابی طالب علیه افضل التحیه و السلام و الگوگیری از حیات طیبیه حضرتش، جان خود را سرزنده و زندگی خود را پربرکت نمایند و خانه خویش را به نور معرفت علوی و هدایت‌های آسمانی امیرمؤمنان، مزین سازند.

همه رسانه‌ها غدیر را تبلیغ کنند

۲. غدیر از ارکان شخصیت و هویت مکتب اهل بیت علیهم السلام است؛ باید روزنامه‌ها، رسانه‌ها و سایت‌ها همه در این دهه از غدیر بنویسند، بگویند و حقایق غدیر را منتشر کنند. همچنین منابر، سخنرانی‌ها و



همایش‌ها به نام مقدّس غدیر مزین و به آن اختصاص داده شود.

رشته غدیرشناسی تأسیس شود

۳. باید غدیر در تمام حوزه‌ها و دانشگاه‌ها تدریس شود و همگان پیام‌های جامع و جهانی آن را دریافت نمایند؛ کرسی‌های غدیرشناسی در مراکز علمی معتبر ایجاد گردد و علما، دانشمندان، اساتید و پژوهشگران، در حدّ وسع خویش اقدام به پیگیری و تأسیس این رشته بسیار مهم در مؤسسات علمی و پژوهشی مربوطه در سراسر دنیا نمایند.

تمسّک به غدیر، تنها راه سعادت

۴. عزیزان من، تمام همّت خود را صرف ترویج فرهنگ غدیر و معرفت‌افزایی به آن نمایید که راه اصلاح ما، تمسّک به غدیر است و نردبان سیر، ترقی و فتح قلّه‌های معرفت، غدیر است. راه حفظ استقلال و عظمت کشور و دفع استضعاف و استکبار، تمسّک به غدیر و الهام از مفاهیم غدیر است.

تقدیر از خدمتگزاران غدیر

در پایان از همه عزیزانی که افتخار خدمتگزاری به دانشگاه بزرگ غدیر را دارند و در ترویج معارف نورانی آن زحمت می‌کنند به سهم خود تقدیر و تشکر می‌کنم و برای همه آنها از خداوند متعال مزید

عزّت، توفیق و خدمت مسئلت دارم و خود را نیز خادم کوچکی در
دربار مقدّس قنبر غلام بااخلاص آن حضرت می‌دانم و به این توفیق
بزرگ افتخار می‌کنم.

والسلام علیکم ورحمة الله



علی محوری^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾^۲

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾^۳

مودّت اهل بیت علیهم السلام نقطه وحدت فریق اسلامی

با عرض تبریک عید سعید غدیر، عید اکمال دین و اتمام نعمت در رضای خدا به دین اسلام به عموم مسلمانان جهان از شیعیان و اهل سنت که همه در مودّت اهل بیت علیهم السلام وحدت دارند، این نقطه مرکزی وحدت را گرامی می داریم و با محور ولایت که در غدیر رسماً با تأکيدات الهی خاص ابلاغ گردید و همه به آن اقرار و اعتراف نموده و به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شادباش عرض نموده اند تجدید عهد

۱. این پیام به مناسبت عید غدیر در ۱۵ ذی الحجة الحرام سال ۱۴۳۰ هجری قمری صادر شده است.

۲. مؤمنون، ۹۲. «او دانای نهان و آشکار است؛ پس برتر است از آنچه برای او همتا قرار می دهند».

۳. آل عمران، ۱۰۳. «و همگی به ریسبان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید».



می‌نماییم و به همان روز غدیر که ولایت علی علیه السلام به همه رنگ واحد بخشید و صبغة الله واحده و امت واحده را کامل نمود بازگشت می‌کنیم.

اعتراف فریقین به محوریت علی علیه السلام

دعوت غدیر و ابلاغ مَا أُنْزِلَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ رَبِّهِ در یک کلمه به ابلاغ علی محوری در امر دین و همه شئون اسلامی خلاصه می‌شود، حقیقت و هویتی که احادیث صحیحہ کتب صحاح، مسانید و جوامع معتبر حدیث مسلمین بر آن دلالت و صراحت دارد، مثل حدیث شریف:

«عَلَيَّْ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدُورُ حَيْثُمَا دَارَ»^۱

و حدیث:

«عَلَيَّْ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَنْ يَفْرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ»^۲

۱. سیّد مرتضی، الشافی فی الامامہ، ج ۱، ص ۲۰۲؛ ج ۲، ص ۱۳۵-۱۳۶؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۳۱۶؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغہ، ج ۲، ص ۲۹۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۳۷۶؛ ب ۲۳، ح ۶۰۶؛ ج ۳۸، ص ۲۹، ب ۵۷، ح ۱. «علی با حق و حق با علی است، هر کجا که او برود حق هم دنبال او می‌رود».

۲. حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۴؛ طوسی، الامالی، ص ۴۶۰، ۴۷۹، ۵۰۶؛ خوارزمی، المناقب، ص ۱۷۷؛ جوینی، فرائد السمطین، ج ۱، ص ۱۷۷؛ هیشمی، مجمع الزوائد ج ۹، ص ۱۳۴؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۷۷؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۳. «علی علیه السلام با قرآن و قرآن با علی علیه السلام است از هم جدا نمی‌شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند».

یعنی همان علی محوری جامع و شامل همه شئون دنیوی و اخروی دینی.

احادیث متواتر ثقلین هم هدایتش همان علی محوری در دین و در عقاید صحیح اسلامی.

در علوم مبدأ و معاد، تفسیر قرآن، فقه و معارف و حیانی همه علی محوری است و محور و حجت در همه علی علیه السلام است، در ولایت، در امامت، در ارشاد به الهیات و عبادات همه، محور علی علیه السلام است نه برای کسی غیر از علی علیه السلام این معنی به طور مطلق و عام عنوان شده و نه کسی این محوریت را از علی علیه السلام سلب می نماید.

در اداره جامعه و اختیارات ظاهری هم محور علی علیه السلام است و با حضور علی علیه السلام مداخله غیر علی علیه السلام صحیح نیست و اگر به هر جهتی این محوریت حقیقی و شرعی در خارج به شکل دیگر درآمد محدود به همان زمان حضور علی علیه السلام در جامعه و حیات ایشان و در همان امر ظاهری اداره بود که در حال حاضر در خارج با توجه به عدم حضور علی علیه السلام در جامعه موضوع ندارد، یعنی خلاف در علی محوری در جامعه کنونی در بُعد اجرا و اداره، سلب و اثبات ندارد نه اینکه از مقام و منزلت علی علیه السلام چیزی کم باشد.

در علی محوری و ایمان به علی محوری در دین و شئون دینی بین شیعه و سنی اختلافی نیست و کسی این محوریت را ندارد و حضور فیزیکی علی علیه السلام و عدم حضور آن حضرت در این محوریت



علی السواء است، چنانچه فخر رازی می‌گوید:

«هر که علی را محور بداند راه مستقیم رفته است».^۱

یعنی چنان که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در همه ازمنه و اعصار محور است، علی علیه السلام نیز به تنصیب حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله محور است هر چند در امور اداره ظاهری به واسطه عدم حضور در جامعه، این محوریت را ندارد. بنابراین علی محوری که در غدیر خم ابلاغ شد، مثل همان روز ابلاغ نقطه مرکزی وحدت است و نقطه‌ای است که در معنی عام آن و بر حسب احادیث ثقلین^۲ که قرآن و عترت را الی یوم القيامة عدل یکدیگر قرار داد، علی محوری و وجود حجت در هر عصر و اعصار از اهل بیت علیهم السلام، محور اعتصام به حبل الله و وحدت اسلامی است، چنان که بر حسب احادیث امان^۳، محور بقای اهل ارض می‌باشند.

امّت واحده با محوریت اهل بیت علیهم السلام

به این علی محوری همه امّت باید متمسک باشند و چون همه در آن

۱. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۱۸۰.

۲. احادیث ثقلین علاوه بر نقل در کتب روایی شیعه در مصادر معتبر اهل سنت، مانند سنن الترمذی (ج ۵، ص ۳۲۷-۳۲۹)؛ مسند احمد (ج ۳، ص ۱۴، ۱۷، ۲۶، ۵۹)؛ المعجم الکبیر (طبرانی، ج ۳، ص ۶۶-۶۷؛ ج ۵، ص ۱۵۴، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۸۲) نیز آمده است.

۳. احادیث امان علاوه بر نقل در مصادر روایی شیعه، در مصادر اهل سنت نیز نقل شده است از جمله: حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۹؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۷۴.

اتفاق کلمه دارند و محوریّت اهل بیت علیهم السلام بر حسب ادله ساطعه قاطعه ثابت است باید همه به رنگ آن باشند و اهل بیت علیهم السلام را محور وحدت بشناسند و بر این اساس در امور اجتماعی، اخلاقی، معاش و معاد، مکتب اهل بیت علیهم السلام را محور قرار دهند و امت واحده را که تشکیل و تقوّم به محوریّت علی علیه السلام و علی محوری در غدیر خم اعلام شد، بدون رنگ‌های گوناگون و بی‌اساس طائفه‌ای و منازعات تفرقه‌انگیز در جهان کنونی متجلی سازند. پاینده علی محوری و محوریّت علی علیه السلام.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته





۱۰

حیات جاودان^۱

بسم الله الرحمن الرحيم
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ إِكْمَالَ دِينِهِ وَإِتْمَامَ نِعْمَتِهِ
بِوَلَايَةِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيُّمَّةِ
الْمُعْصُومِينَ عليه السلام ۲.

سلام بر شما مردم متدین و ولایی استان مازندران
درود و تحیت بر شما غدیریان و برگزارکنندگان جشن‌های بزرگ
غدیر و خادمان و چاکران بااخلاص خورشید عالم‌تاب ولایت و
امامت حضرت مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیه افضل صلوات المصلّین.

غدیر رمز پایداری و استقامت

حقیقت این است که شیعه برای غدیر و غدیر همه چیز شیعه است.

-
۱. این پیام در ۱۵ ذی‌الحجة الحرام سال ۱۴۳۰ هجری قمری جهت ستاد بزرگداشت دهه غدیر استان مازندران صادر شده است.
 ۲. سپاس خدایی را که کامل کردن دین و به پایان رساندن نعمتش را به وسیله ولایت و امامت مولایمان امیرمؤمنان و امامان معصوم عليهم السلام قرار داد.



شیعه با غدیر معنا پیدا می کند و با غدیر هویت خود را می یابد و هویت شیعه غدیری است.

غدیر رمز پایداری و استقامت آزادمردان جهان در مقابل حکومت های طاغوتی و مستکبرین است.

برکه جوشان غدیر است که تشنگان حقیقت و عدالت را در طول تاریخ سیراب می کند و درخت تنومند خداپرستی، توحید، نبوت و معاد را آبیاری می نماید.

آن که از چشمه زلال غدیر نوش جان گرفت حیات جاودانی یافت و زندگی برایش معنا پیدا کرد و آن که قطره ای از غدیر و برکه بابرکت او نوشید به حوض کوثر نبوی اتصال پیدا کرد که: «لَا ظَمًا بَعْدَهُ أَبَدًا»^۱.

غدیریان که کاسه زلال این برکه را سرکشیدند مست ولای جام علوی گشتند و هر آنچه داشتند در این راه فدا نمودند.

استمرار غدیر در ولایت امام زمان علیه السلام

صفحه غدیر هنوز پایان نیافته است و تا ظهور موفور السرور آخرین خورشید از سلاله غدیر ادامه دارد و عاشقان غدیر، منتظر جانفشانی در رکاب فرزند غدیر می باشند.

غدیر صراطی است که رهپویان حقیقت باید از آن عبور کنند و

۱. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۱۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۱۰؛ محدث قمی، مفاتیح الجنان، ص ۵۳۸ (دعای ندبه).



گمشدگان در وادی خوف، خطر، تاریکی و ضلالت، راه خود را به آن مقصد به اتمام برسانند.

آری، غدیر روز میثاق و روز بیعت مجدد با مولای انسانیت و با یگانه امام دادگستر و مظلوم جهان بشریت است.

عجز از وصف غدیر

چه بگوییم درباره غدیر که هرچه بگوییم و هزاران کتاب در وصف آن نوشته شود، هنوز هم چیزی گفته نشده و عقول و افکار انسان‌ها عاجز و ناتوان از آن می‌باشند، ولی خودمان را دلخوش می‌کنیم که با برگزاری جشن‌ها، همایش‌ها و سرودن اشعار در مدح آن امام همام مقداری ولو اندک از این دین بزرگ را ادا کنیم که امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«غدیر روز شادی و روز لبخند زدن بر شیعیان

و روز نشاط و سرور است».^۱

مسئلت توفیق برای خادمان غدیر

خدای بزرگ را به صاحب غدیر می‌خوانیم که همیشه در این خدمت بزرگ موفق باشید و چراغ جشن‌های پرشکوه دهه مبارکه غدیر را همیشه روشن نگه دارید و تا روز قیامت به نسل‌های آینده

۱. اشاره به روایت: «هُوَ يَوْمُ النَّبِّسْمِ فِي وَجْهِ النَّاسِ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ...». ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۶۱.

برسانید و قلب مقدّس قطب عالم امکان حضرت صاحب العصر و الزمان روحی و ارواح العالمین له الفداء را خشنود نمایید و مشمول دعای آن حضرت باشید.

در خاتمه از اهالی مؤمن و غدیری شهرستان ساری که همه ساله این افتخار بزرگ را داشته اند و دهه مبارکه غدیر را با شکوه بسیار زیاد جشن می گیرند بالخصوص تقدیر و تشکر نموده و مزید توفیقات همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

و السلام علیکم ورحمة الله





۱۱

زیباترین حماسه^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
 أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَاللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَوْلَادِهِ الْأَثَمَةِ الْمُعْصُومِينَ سَيِّمَا بَقِيَّةَ اللَّهِ
 فِي الْأَرْضِينَ، ثُمَّ السَّلَامُ عَلَى شَيْعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
 الْفَائِزِينَ الْمُخْلِصِينَ وَحِزْبِ اللَّهِ الْمُفْلِحِينَ.^۲

۱. این پیام در ماه ذی الحجة الحرام سال ۱۴۳۰ هجری قمری جهت کنگره ملی غدیر، محور وحدت مسلمین (مشهد مقدس) صادر شده است.

۲. «سپاس خدای متعال را است که پروردگار عالمیان است و درود و سلام بر اشرف پیامبران و فرستادگان حضرت محمد و خاندان پاکیزه او و لعنت بر همه دشمنان آنها باد. و سپاس خدایی را است که ما را از پیروان ولایت امیرمؤمنان و امامان معصوم به‌ویژه بقیة الله در روی زمین قرار داد. و سلام بر شیعیان امیرمؤمنان که نایل به خیر و مخلصانند و درود بر حزب و گروه خدا که رستگارانند».



ارزش تجلیل از غدیر

عید سعید غدیر - که بزرگ‌ترین عید اسلام و ادیان الهی است - را به آستان مقدس ولی الله الاعظم حضرت صاحب العصر و الزمان مولانا المهدی علیه السلام و به شما شیعیان باخلاص و غدیریان بزرگوار تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و اجتماع پرشکوه و با عظمت اساتید محترم، دانشمندان و دانشجویان را در جوار مضجع نورانی و مقدس هشتمین پیشوای معصوم گرامی می‌دارم.

این اجلاس نورانی نه تنها همایش زمینی‌ها و انسان‌ها می‌باشد بلکه درحقیقت اجتماع ملائکه و فرشتگان الهی و کروّیان است که همه در خدمت به غدیریان افتخار می‌کنند.

اگر پر و بال معطر ملائک را در این جمع روحانی و معنوی می‌بینید تعجب نکنید، زیرا آنها به تشرف به این مجالس بر خود می‌بالند و به آن متنعم می‌شوند.

چیستی غدیر

سخن از غدیر، یعنی سخن از سر خدا و ناموس خلقت، سخن از حقیقت هستی، سخن از روح واقعی ادیان الهی و در یک کلمه، سخن از ولایت امیرالمؤمنین علیه افضل صلوات المصلّین.

آیا می‌توان غدیر را آن‌چنان که هست به مردم نشان داد؟ آیا می‌توان حادثه بزرگ تاریخ بشریت را به نمایش درآورد؟



غدير روز سرنوشت برای انسانیت و زیباترین حماسه تاریخ ادیان است، روزی که خداوند می‌خواهد محبوب‌ترین آفریده خود را بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دنیا معرفی کند. روزی که خداوند می‌خواهد دلبری خود را به محبوب خود نشان دهد و به دنیا اعلام کند که من علی علیه السلام را برگزیدم و او را بر جهانیان امیر قرار دادم. روزی که صراط مستقیم و حبل الله المتین را به مردم نشان داد.

آری! روزی که به فرموده امام صادق علیه السلام:

«هُوَ عِيدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَتَعَيَّدَ

فِي هَذَا الْيَوْمِ وَعَرَفَ حُرْمَتَهُ، وَأَسْمُهُ فِي السَّمَاءِ يَوْمُ

الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ»^۱

روزی که هشتمین پیشوای شیعیان حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام

می‌فرماید:

«إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ فِي السَّمَاءِ أَشْهُرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ»^۲

۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۴۳؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۸۲؛ مجلسی، روضة المتقین، ج ۳، ص ۲۵۷؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۹، ص ۱۴۰۲؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۸۹، ب ۳، حدیث ۱۰۱۵۴. «غدير عيد بزرگ خدا است خدا پیامبری را نفرستاده است جز اینکه این روز بزرگ را عید گرفته و احترام این روز را شناخته است، نام غدير در آسمان‌ها روز پیمان شناخته شده (عهد و معهود) است».

۲. طوسی، مصباح المتعجد، ص ۷۳۷؛ همو، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۴؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۴۳؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۶۹؛



روزی که خداوند به جبرئیل امین فرمان می‌دهد تختی را به‌عنوان تخت کرامت الهی در مقابل بیت‌المعمور نصب کند و بر آن بالا رود و ملائکه از آسمان‌ها بر گرد او جمع شوند و مدح و ثنای رسول اکرم ﷺ را بگویند و بر شیعیان امیرالمؤمنین ﷺ و دوستان ایشان طلب آمرزش نمایند؛ و همچنین در جای دیگر امام هشتم ﷺ درباره غدیر چنین می‌فرماید:

«هُوَ يَوْمُ التَّبَسُّمِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ»^۱

غدیر روز لبخند زدن در چهره مردم باایمان است. غدیر روز جشن واقعی مسلمانان است. غدیر روز شادی و نشاط شیعیان است.

وظیفه مسلمانان نسبت به غدیر

وظیفه همه مسلمانان این است که به هر وسیله‌ای که می‌توانند این خاطره مهم را با شکوه تمام زنده نگه دارند و آن را به نسل‌های بعد از خود انتقال دهند که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

«فَلْيُكَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۲

➔ مجلسی، روضة المتقین، ج ۵، ص ۳۶۷؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۴، ص ۱۴۰۸؛ حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۸۸. «همانا روز غدیر در آسمان‌ها مشهورتر از آن در روی زمین است».

۱. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۶۱. «روز غدیر روز لبخند زدن به روی مؤمنان است».

۲. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۷۸؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۶۲؛ ➔



باید حاضرین در روز غدیر، پیام غدیر را به غایبان و پدران به فرزندان خود تا روز قیامت برسانند.

آری! این بزرگ‌ترین وظیفه دوستداران امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌باشد. نمی‌شود کسی اظهار دوستی و تشیع کند، اما از غدیر و پیام آن خبر نداشته باشد و در رساندن این پیام احساس مسئولیت نکند.

پیام‌های غدیر

پیام غدیر پیام رهبری امت و وحدت مسلمانان در محور غدیر، پیام هدایت و پیام حیات جامعه در پیروی از امامان معصوم (علیهم السلام) می‌باشد و بالاخره پیام غدیر عمل به وظایف و تکالیف دینی، حفظ مواضع اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر و دفاع از مبانی مکتب است. غدیر یعنی صاحب آن را در تمام مراحل زندگی الگو قرار دادن و از او پیروی نمودن که: «الشَّيْعَةُ مَنْ شَايَعَ عَلِيًّا»^۱.

اعتراف به عجز از وصف غدیر

در خاتمه با اذعان و اعتراف به اینکه نمی‌توان در اقیانوس بی‌کران غدیر وارد شد و عرض اندام نمود، عرض می‌کنم:

→ بحرانی، البرهان، ج ۲، ص ۲۳۴ ب ۵۲، ح ۸۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۱. «باید حاضران به غایبان و پدران به فرزندان‌شان تا روز قیامت برسانند».

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۶۳؛ امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۳۵۶. «شیعه کسانی هستند که از علی (علیه السلام) پیروی کنند».



این شرح بی نهایت کز وصف یار گفتند
حرفی است از هزاران کاندرا عبارت آید

عرایض خود را با درود و تحیت بر شما عزیزان و مؤمنین باخلاص
که در این همایش روحانی شرکت کرده اید و همچنین بر خدمتگزاران
مکرم آن به پایان می برم.

صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكُمْ يَا شَيْعَةَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ أَيُّهَا الْفَائِزُونَ
الْمُخْلِصُونَ الرَّائِضُونَ فِي سَفِينَةِ النَّجَاةِ
وَالْمُعْتَصِمُونَ بِحَبْلِ اللَّهِ هَنِيئًا لَكُمْ يَا أَنْصَارَ
الْحَقِّ وَيَا حُمَاةَ الدِّينِ وَيَا أَبْنَاءَ الْإِسْلَامِ وَالْقُرْآنِ
لَقَدْ فَضَّلَكُمْ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ وَشَرَّفَكُمْ بِهَذَا
التَّشْرِيفِ وَاخْتَارَكُمْ عَلَى غَيْرِكُمْ مِنَ الْعَالَمِينَ.^۱

۱ . درود و سلام خدا بر شما باد ای پیروان امیرمؤمنان، ای یاران دین خدا، ای پیروزمندان
مخلص که سوار کشتی نجات هستید و به ریسمان خدا جنگ زدید، گوارا باد شما را ای
یاوران حق و ای حامیان دین و ای فرزندان اسلام و قرآن؛ بی شک خدا شما را با این
فضیلت برتری داد و با این شرافت شما را شرافت بخشید و شما را بر دیگر اهل عالم
برگزید.»



۱۲ خطبه و حباتی^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الْغَدِيرُ، الْغَدِيرُ، وَمَا أَدْرِيكَ مَا الْغَدِيرُ، الْغَدِيرُ
يَوْمُ اللَّهِ الْمُبَارَكُ، يَوْمُ الْإِسْلَامِ، يَوْمُ الْقُرْآنِ، يَوْمُ
التَّارِيخِ، يَوْمُ النَّبِيِّ وَيَوْمُ الْوَصِيِّ، يَوْمُ الْعَهْدِ
الْمُعْهُودِ وَيَوْمُ الشَّاهِدِ وَالْمَشْهُودِ، يَوْمُ الْإِنْسَانِ
وَيَوْمُ الْإِكْمَالِ وَالْإِنْقَامِ وَالْإِبْلَاحِ، يَوْمُ تَتَبُّعِ سَاعَاتِهِ
عَلَى أَيَّامِ الْجَنَانِ، يَوْمُ الْوِلَايَةِ، يَوْمُ فِي السَّاءِ أَشْهُرُ
مِنْهُ فِي الْأَرْضِ، يَوْمُ جَبْرَائِيلَ وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ،
يَوْمُ النُّورِ وَالسُّرُورِ وَيَوْمُ رَضَى الرَّبِّ بِوِلَايَةِ
الْإِمَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام.^۲

۱. این پیام در ماه ذی الحجة الحرام سال ۱۴۳۱ هجری قمری خطاب به اجلاس بزرگداشت غدیر در مشهد مقدس صادر شده است.

۲. غدیر، غدیر، چه می دانی که غدیر چیست؟ غدیر روز پر برکت خدا است، غدیر روز اسلام است، روز قرآن است، روز تاریخ است، روز پیامبر و روز وصی پیامبر است، ﴿

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَنَا بِمَعْرِفَةِ فَضْلِ هَذَا الْيَوْمِ
وَأَكْرَمَنَا بِهِ وَهَدَانَا إِلَى صِرَاطِهِ الْمُسْتَقِيمِ إِمَامِ
الْمُتَّقِينَ وَيَعْسُوبِ الدِّينِ وَإِمَامَةِ أَوْلَادِهِ
الْمَعْصُومِينَ حُجَّجِ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ صَلَوَاتُ
اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.^۱

اقیانوس معنا

غدیر، آری غدیر در ظاهر یک کلمه و چهار حرف است، ولی یک دنیا معنی، یک جهان درس و پیام و یک جهان هدایت و ارشاد. غدیر یعنی مدرسه و دانشگاه بزرگ انسانیت و فراتر از این الفاظ و کلمات، غدیر یعنی عدالت، برادری و برابری، یعنی زهد، پارسایی و

→ روز پیمان شناخته شده است، روز شاهد و مشهود است، روز انسان و روز به کمال رساندن دین و تمام کردن نعمت و رساندن کامل دین است، روزی است که ساعت های آن بر روزهای هشت می نازد و مباهات می کند، روز ولایت است، روزی است که در آسمان ها مشهورتر است تا زمین، روز جبرئیل و فرشتگان نزدیک خدا است، روز نور و روشنایی و روز سرور و شادمانی است، و روزی است که پروردگار متعال به ولایت و جانشینی امام امیرمؤمنان (علیه السلام) راضی شده است».

۱. «سپاس خدایی را که با شناختن فضیلت این روز ما را شرافت و ارزش بخشید و با آن ما را کرامت و عزت داد و ما را به راه راستش یعنی پیشوای پرهیزکاران و سرپرست دین و به امامت و رهبری فرزندان معصومش آنان که حجت خدا بر اهل عالم هستند که درود خدا بر همه آنها باد، هدایت و راهنمایی کرد».



پرهیزکاری، غدیر یعنی جهاد و ایثار، یعنی مبارزه، مقاومت و استقامت، غدیر یعنی ظلم‌ستیزی و شرک‌گریزی، یعنی جهان علم و معرفت و بحر بی ساحل اخلاق و آداب و عنوان صاحب کرامات و معجزات، مظهر العجائب و مظهر الغرائب، غدیر یعنی اعلام:

«لَوْ أُعْطِيتُ الْأَقَالِمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاكِهَا عَلَى
أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمْلَةٍ أَسْلُبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا
فَعَلْتُهُ»؛^۱

غدیر یعنی روز آن یگانه‌ای که:

«يَتَجَرَّ الْعِلْمُ مِنْ جَوَانِبِهِ وَتَنْطِقُ الْحِكْمَةُ مِنْ
نَوَاحِيهِ»؛^۲

آن بزرگ‌مردی که:

«يَسْتَوْحِشُ مِنَ الدُّنْيَا وَزَهْرَتِهَا، وَيَأْتِسُ بِاللَّيْلِ
وَوَظْلَمَتِهِ، كَانَ وَاللَّهِ غَزِيرَ الذَّمِّعَةِ طَوِيلَ الْفِكْرَةِ،

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴، ص ۳۴۷؛ دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۱۷. «اگر هفت اقلیم را با هر آنچه در زیر آسمان‌های آنها است به من بدهند برای اینکه خدا را درباره موجه‌ای که پوست جوی را از آن بربایم، نافرمانی ننمایم، نمی‌کنم».

۲. کوفی، مناقب الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۲، ص ۵۱؛ مسعودی، مروج المذهب، ج ۲، ص ۴۲۱؛ سیّد رضی، خصائص الائمة، ص ۷۱؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۲۴، ص ۴۰۱؛ دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۱۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۲۰، ب ۱۰۷، ح ۲۸. «علم و دانش از هر طرف او می‌جوشید و حکمت از اطراف او گویا بود».



يُقَلِّبُ كَفَّهُ وَيُخَاطِبُ نَفْسَهُ، وَيُنَاجِي رَبَّهُ، يُعْجِبُهُ
مِنَ اللَّبَاسِ مَا قَصُرَ، وَمِنَ الطَّعَامِ مَا جَشَبَ»^۱

آن بلندمقامی که:

«كَانَ عَلَيَّ لِيَأْكُلَ أَكْلَةَ الْعَبْدِ وَيَجْلِسُ جَلْسَةَ
الْعَبْدِ»^۲

و «قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطُمْرِيهِ وَمِنْ طُعْمِهِ
بِقُرْصِيهِ»^۳

غدير یعنی صاحب و فاتح غزوات و بطل بی بدیل اسلام، غدير يعنى

۱. کراچکی، کنز الفوائد، ص ۲۷۰؛ زرنندی، نظم درر السمطين، ص ۱۳۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۲۷۵، ب ۲۰، ح ۵۳۸. «از دنیا و زینت آن واهمه داشت؛ و با شب و ترس و وحشت آن انس داشت؛ به خدا سوگند پر اشک بود (و چشم گریان داشت)، زیاد فکر می کرد، دو دستش را روی هم می گرداند و خودش را خطاب می کرد و با پروردگارش راز و نیاز می کرد. از لباس کوتاه خوشش می آمد و غذای خشک (بدون نان و خورش) را دوست داشت».

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۴۷؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۰، ب ۳۰، ح ۴۶۱۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۳۲۰. «علی علیه السلام مانند یک بنده غذا می خورد و مثل یک بنده می نشست».

۳. نهج البلاغه، نامه ۴۵؛ زنجشیری، ربیع الابرار، ج ۳، ص ۲۴۱؛ دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۱۴؛ حلی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۵۴؛ قندوزی، ینایع المودّه، ج ۱، ص ۴۳۹؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۵۴. «او از دنیایش به دو لباس مندرس و کهنه و از خوراکش به دو قرص (نان) قناعت کرده بود».

آن عدالت پیشه‌ای که:

«قُتِلَ فِي حِرَابٍ عِبَادَتِهِ لَشِدَّةِ عَدْلِهِ»^۱

غدير یعنی:

«مَنْ خَاطَبَ اللَّهَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ بَلَّغَتْهُ»^۲؛^۳

و ...

آری هرچه از این اوصاف بنویسم تا آن کلمه جامع را نگوییم که معنایش وجودی بالاتر و برتر از شناخت ما است، غدير معنی نمی‌شود. پس باید با زبان بلند و رسا گفت:

غدير، یعنی علی، یعنی ابوالحسن و ابوالحسین، نفس الرسول و زوج فاطمة البتول و أبوالائمة صلوات الله عليهم اجمعين.

۱. جرج جرداق مسیحی در کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانية». «به جهت شدت دادگری‌اش در محراب عبادتش کشته شد».

۲. اشاره به روایت: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ وَسُئِلَ بِأَيِّ لُغَةٍ خَاطَبَكَ رَبُّكَ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ؟ قَالَ: «خَاطَبْتَنِي بِلُغَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ». خوارزمی، المناقب، ص ۷۸؛ ابن طاووس، الطرائف، ص ۱۵۵؛ اربلی، كشف الغمّة، ج ۱، ص ۱۰۳؛ حلی، المحتضر، ص ۱۷۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۸۶؛ ج ۳۸، ص ۳۱۲. «شنیدم از رسول خدا ﷺ وقتی از آن حضرت پرسیدند پروردگارت شب معراج با چه زبانی شما را خطاب کرد و سخن گفت؟ فرمود: «با زبان علی بن ابی طالب».

۳. «آن کسی که خدای متعال پیامبر ﷺ را در شب معراج با لهجه و زبان او خطاب کرد و سخن گفت».

پیرامون خطبه غدیر

یکی از جامع‌ترین موارث علم و فرهنگ و حیانی، خطبه فصیح و رسای غدیر است.

معجزه رسول الله ﷺ

این خطبه از کلمات معجز نظام حضرت ختمی مرتبت رسول اعظم ﷺ است که هر اهل ادب، بیش و معرفت از آن بهره‌مند می‌شود، اگرچه سال‌های بسیار در معارف حقیقی درس خوانده باشد و به مراتب بلند رسیده باشد، و می‌فهمد که جز مثل شخص آن حضرت که خداوند او را به: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾^۱ ستوده است کسی را توانایی چنین منطق، گفتار و بیان حقایق و اسراری نیست.

خود خطبه بر اعتبار و حیانت آن شهادت می‌دهد و مکتب عالی اسلام را در رشته‌های معارف عالیه، حقایق سماویه و هدایت‌های معنویه شرح می‌دهد.

نقل خطبه توسط بزرگان اهل سنت

علاوه بر علمای شیعه، بعضی از علمای بزرگ عامّه، مثل مؤلف

۱. نجم، ۴-۳. «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید؛ آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست».



کتاب «النَّشْرُ وَالطَّيِّ» چنان‌که سید^۱ در اقبال^۱ نقل کرده، آن را روایت نموده‌اند.

لزوم مداومت بر مطالعه خطبه غدیر و تأمل در آن

سزاوار است این خطبه را همه با دقت بخوانند و بر تلاوت آن مداومت نمایند، آن را درس بدهند و از آن درس بگیرند و زنگار دل‌ها را با مطالعه و تأمل در آن بزدایند و از عالم ناسوت به جبروت، ملکوت و قرب لاهوت پرواز نمایند، شکر خدا را به نعمت ولایت حضرت امیرالمؤمنین^{علیه السلام} به جا آورند و آن را از جان عزیزتر و گرامی‌تر بدانند، مانند شیعیان عصر اول که زیر شکنجه‌های زیاد حجّاج‌ها جان می‌دادند و استقامت می‌کردند، بر هویت ولایی خود پایدار باشند و خود و فرزندان خود را با تمسک تمام به اهل‌بیت^{علیهم السلام} از خطرات و انحرافات در این عصر غیبت، عصر تخلیص و امتحان، بیمه کنند و به این اشعار مترنم باشند:

من نجف را به جهان نفروشم
سر کوش به جنان نفروشم
حرمش، روضه رضوان من است
دین و دنیای من، ایمان من است

و

۱. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۴۰.



لَا عَذَابَ لِلَّهِ أَُمِّي إِنَّهَا شَرِيبَتْ
حُبَّ الْوَصِيِّ وَعَذَّتْنِيهِ بِالْبَلِّينِ
وَكَانَ لِي وَالِدٌ يَهْوَى أَبَا حَسَنِ
فَصِرْتُ مِنْ ذِي وَذَا أَهْوَى أَبَا حَسَنِ^۱

اعتراف به عجز در نگارش درباره غدیر

در پایان با اعتراف به کمال قصور خود از نگارش در موضوع عظیم غدیر، به عنوان ران ملخ، این بیان ولایی و ادبی را به مجمع محترم علمی و فرهنگی غدیر هدیه می‌نمایم و با عرض اعتذار به عزیزان برگزارکننده برنامه اجلاس شریف غدیر از خداوند متعال برای آنان و ولاییان بزرگواری که در این برنامه افتخار حضور دارند، طلب توفیق کرده و این عید سرشار از معنویت‌های قدسی را تبریک عرض نموده و عنایات خاصه حضرت بقیة الله مولانا المهدی (ارواح العالمین له الفداء) را برای همگان مسئلت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۱. «خدا مادر مرا عذاب نکند او محبت و دوستی علی وصی رسول خدا ﷺ را نوشید و همراه شیر خود محبت آن را به من خورداند و تغذیه کرد. من پدری داشتم که ابالحسن (امیرمؤمنان) را دوست می‌داشت و به او عشق می‌ورزید پس من از این محبت که پدرم داشت و از آن شیر مادر ابالحسن (علی علیه السلام) را دوست می‌دارم».



۱۳ نصوص ولایت^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ الْمُعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
 وَلَا سِيَّامَوْلَانَا بَقِيَّةَ اللَّهِ الْمَهْدِيِّ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
 فَرَجَهُ الشَّرِيفَ وَرَزَقَنَا الْفَوْزَ بِلِقَائِهِ.^۲

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

با تبریک عید الله الاکبر، عید مبارک غدیر، عید فرخنده اکمال دین، اتمام نعمت و گزینش اسلام به عنوان دین جهانی و جاودانی، این چند کلمه را به حضور بزرگان و عزیزان حاضر در این جلسه ملکوتی و

۱. این پیام به مناسبت چهارمین اجلاس سالانه بزرگداشت غدیر (مشهد مقدس) در ذی الحجة الحرام سال ۱۴۳۲ هجری قمری صادر شده است.

۲. «سپاس خدایی را که ما را از پروان ولایت امیر مؤمنان و امامان معصوم علیهم السلام قرار داد به ویژه مولایان بقیة الله مهدی علیه السلام خدا ظهور و فرج آن حضرت را تعجیل بخشد و توفیق نایل شدن به ملاقات ایشان را به ما روزی کند».

ولایی - که فرشتگان، شرف حضور در آن را غنیمت و افتخار می‌دانند - تقدیم می‌دارم:

انواع نصوص بر ولایت

نصوص صریحه بر ولایت و خلافت بلا فصل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در کتاب و سنت - اگرچه بسیار است - اما در یک تقسیم بر دو قسم می‌باشد: نصّ جلی و نصّ خفی.

نصوص جلیّه

نصوص جلیّه قرآنیّه، مثل آیه کریمه مباحله^۱، و آیه شریفه: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...^۲ و سایر آیات است که شماری از آنها را در کتاب شریف *خصائص الوحي المبين في مناقب امير المؤمنين* علیه السلام ابن بطریق با سندهای معتبر از محدثین و ارباب جوامع، صحاح و مسانید عامّه روایت نموده است.^۳

نصوص جلیّه متواتره نبویه هم، مانند حدیث مشهور منزلت^۴ و

۱. آل عمران، ۶۱.

۲. مائده، ۵۵.

۳. ابن بطریق، *خصائص الوحي المبين*، ص ۷۱ - ۲۴۹.

۴. ابن هشام، *السيرة النبویه*، ج ۴، ص ۹۴۷؛ طبری، *تاریخ*، ج ۲، ص ۳۶۸؛ مفید، *الارشاد*، ج ۱، ص ۱۵۶؛ ابن اثیر جزری، *الکامل فی التاریخ*، ج ۲، ص ۲۷۸؛ مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۲۱، ص ۲۰۸.



احادیث دیگر است که اعظم، شهر و اتم آنها، حدیث شریف غدیر، آن ابلاغ و اعلام عام است که در تاریخ حیات رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مانند آن همایش بزرگ، روزی عظیم‌تر و رسمی‌تر نیست، همایشی که همه سران اصحاب و خیل انبوه حاج - که تا آن روز مثل آن سابقه نداشت - در آن حضور داشتند.

روزی که در تعالی و عظمت، با روز بعثت حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله هم‌طراز است.

هر دو آغاز است و هر دو یوم الله الاکبر است. برای این دو روز، روز سوم، روز ظهور مصلح یگانه آخرالزمان، منجی عالم بشریت، عدل کل و موعود رسل، حضرت قائم آل محمد صلوات الله علیهم أجمعین است، شخصیت بلندپایه‌ای که انبیا و صحف آسمانی به ظهور او بشارت داده‌اند و «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا»^۱ از اوصاف مختصّه او است و «هُوَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا»^۲ برنامه قیام و اقدام او است.

۱. صدوق، الامالی، ص ۷۸؛ همو، الاعتقادات فی دین الامامیه، ص ۹۵؛ همو، کمال الدین، ص ۲۵۷؛ خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۹۹؛ محدّث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۰، ب ۳۱، ح ۱۴۰۹۴؛ نگارنده، منتخب الاثر، ج ۱، ص ۱۰۶، ۱۷۴، ۱۹۷؛ ج ۲، ص ۱۸۵، ۲۱۲، ج ۳، ص ۱۲۳. «روی زمین را با عدل و داد پر می‌کند».

۲. صدوق، الامالی، ص ۱۷۳؛ همو، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۶-۶۷؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۱۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۳، ب ۵، ح ۴۶؛ نگارنده، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۲۲۲-۲۳۵. «او کسی است که خدا به دست او شرق و غرب زمین را فتح می‌کند».

حدیثِ فراتر از تواتر غدیر، از آنصّ نصوص جلیّه است که در جهت کثرتِ روات از صحابه، تابعین و تابعین تابعین و همه جهات اعتبار، حدیثی برتر از آن وجود ندارد از کتاب‌های مربوط به این حدیث و اسناد و الفاظ آن به تنهایی کتابخانه‌ای بزرگ تشکیل می‌شود.

نصوص خفیّه

نصوص خفیّه نیز در کنار نصوص جلیّه، موقعیتی بسیار ارزشمند و محکم دارند و ولایت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سایر ائمه طاهرین (علیهم السلام) را اثبات می‌نمایند.

بخش نصوص خفیّه، بخشی وسیع و جامع است. کتاب *الفین* علامه حلّی رضوان الله تعالی علیه را می‌توان دو هزار دلیل از این ادله خفیّه شمرد. در عین حالی که این نصوص را خفیّه عنوان می‌نمایند، هیچ خفایی در دلالت آنها بر ولایت ائمه طاهرین (علیهم السلام) مخصوصاً امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیست. از این نصوص خفیّه، آیات قرآنی‌ای است که به‌طور استفهام همه را مخاطب قرار داده است، مثل:

﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا
أَنْ يُّهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟﴾^۱

۱. یونس، ۳۵. «آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است یا آن کسی که خود هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می‌کنید؟».

یا

﴿مَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ﴾^۱

یا

﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۲

از این آیات به وضوح، از نظر اظهر مصادیق، احقّ بودن امیرالمؤمنین (علیه السلام) به امر خلافت، امامت و هدایت استفاده می‌شود. پیام همه این است، بینا نه کور، عالم نه جاهل، فاضل نه مفضول، علی (علیه السلام) نه دیگران.

اصل عقلائی تفضیل فاضل بر مفضول

موضوع تفضیل فاضل بر مفضول و افضل بر فاضل و تقبیح تفضیل فاضل بر افضل و مفضول بر فاضل، موضوع آیات متعدد قرآن کریم و روایات بسیار اهل بیت (علیهم السلام) و مواردی از احکام واجب و مستحب است و از هدایت‌های مهم قرآنی و روایی است، و در همه امور مخصوصاً در ولایت‌ها و اختیارات یک اصل است که هر مسلمان و هر شخص خردمندی، باید آن را برنامه قرار دهد و در انتخاب، اصلح را بر صالح و الیق را بر لایق برگزیند و اجمالاً بر حسب فطرت هم، بشر - اگر غرض‌های دیگری در بین نباشد - به آن عمل می‌نماید، رعایت این

۱. فاطر، ۱۹. «و نایبنا و بینا یکسان نیستند».

۲. زمر، ۹. «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟».

تعلیمات و ارشادات در اصل نظام دینی و ولایتی و خلافت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از اهمّ مطالب و واجبات است.

به همین اصل، شخص امام علیه السلام اشاره فرموده و همه را مخاطب قرار داده است:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ»^۱

و فرموده است:

«إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِالْأَنْبِيَاءِ أَعْلَمُهُمْ بِمَا جَاءُوا بِهِ»^۲

بر این اساس و برحسب این آیات و روایات، یگانه شخصیّتی که پس از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله چه در حیات آن حضرت و چه بعد از آن، واجب الاطاعه و صاحب ولایت امر و منصوص من الله می باشد، امیرالمؤمنین علیه السلام است، به قول جاحظ که در یکی از رساله ها به این مضمون می گوید که آنچه در اسلام، رأس فضایل، مکارم و مقامات است، چهار چیز می باشد: ایمان به خدا، علم و دانایی، زهد و پرهیزکاری، و جهاد در راه دین و فی سبیل الله.

سپس می گوید: از تمام علمای اسلام، اگر از کسی بپرسیم که اسبق و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳، ص ۲۴۷. «مردم! سزاوارترین خلق برای امر امامت و ولایت امت نیرومندترینشان بر آن و داناترینشان به دستور خدا در آن است».

۲. نهج البلاغه، حکمت ۹۶، ص ۴۸۴؛ «سزاوارترین و نزدیک ترین مردم به پیامبران داناترین آنها است به آنچه که آنان از طرف خدا آورده اند».



اکمل در ایمان کیست؟ اولین کسی را که بر می‌شمارند علی علیه السلام است و اگر درباره اعلم از همه اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله سؤال کنیم، اول شخصی را که معرفی می‌کنند علی علیه السلام است و اگر از آنها که در راه دین جهاد کردند و اسلام از برکت جهاد آنها برپا شد سؤال کنیم، باز هم، همه، اول علی علیه السلام را نام می‌برند که تنها ثواب یک جهاد او از عبادت امت تا روز قیامت بیشتر است و اگر از زهاد صحابه و کسانی که دنیا را ترک کرده و فریفته دنیا نشده باشند سؤال کنیم، همه، اسم علی علیه السلام را می‌برند که یک لحظه به دنیا نظر نفرمود.^۱

غرض اینکه، دعوت اسلام، دعوت قرآن و دعوت تمام انبیا، دعوت به افضل و تقبیح تفضیل مفضول بر فاضل است که اصل و پایه محکم اعتقاد شیعه، مصداق تفضیل افضل بر فاضل است و مصداق دوم، عقیده دیگران است، که نصوص به اصطلاح حقیقه بر بطلان آن دلالت دارد و شناخت مصداق و مصادیق آن را به خود عرف واگذار کرده است؛ سنائی می‌گوید:

احمد مرسل نشسته کی روا دارد خرد

جان اسیر سیرت بوجهل کافر داشتن

و

«يَقُولُونَ لِي فَضَّلَ عَلِيًّا عَلَيْهِمْ

فَلَسْتُ أَقُولُ التَّيْبَرُ أَعْلَى مِنَ الْحَصَا

۱. جاحظ، رسائل، ص ۱۷۹ - ۱۸۱.



أَلَمْ تَرَ أَنَّ السَّيْفَ يَزْرِي بِحَدِّهِ
مَقَالُكَ هَذَا السَّيْفُ أَحَدَى مِنَ الْعَصَا
إِذَا أَنَا فَضَّلْتُ عَلَيَّ عَلَيْهِمْ
أَكُنْ لِلَّذِي فَضَّلْتَهُ مُتَّقِصًا^۱

اظهار عجز از وصف غدیر

در پایان با عرض خاکساری و عجز و ناتوانی از اظهار وجود و در عرصه‌ای که عرض وجود در آن شأن انبیا، اولیا، بزرگان و اعظم اصحاب است پوزش می‌طلبم.

امید است این هدیه کمتر از ران ملخ در بارگاه ملکوتی عالم آل محمد ﷺ حضرت ثامن الائمه علیّه السلام به شرف قبول متشرّفین به تقبیل عتبه مقدسه آن روضه شریفه و شرکت کنندگان در این همایش مقدّس نایل شود.

إِنَّ الْهَدَايَا عَلَى مِقْدَارٍ مُّهْدِيهَا

۱. افندی اصفهانی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۵۰۴. «به من می‌گویند علی علیّه السلام را بر آنان برتری ده، پس نمی‌گویم طلا از سنگریزه بالاتر است؛ آیا نمی‌بینی شمشیر با دم خود می‌برد؟ تو می‌گویی این شمشیر بُرنده‌تر از عصا است؛ وقتی من علی علیّه السلام را بر آنها برتری دهم درباره آنکه او را برتری داده‌ام فروگذاری و تنقیص کرده‌ام».



۱۴ مرد ولایت^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

قال رسول الله ﷺ:

«ذِكْرُ اللَّهِ عِبَادَةً، وَذِكْرِي وَذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ».^۲
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَثَمَةِ الْمُعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
لَأَسِيًّا مَوْلَانَا وَصَاحِبِ أَمْرِنَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي
الْأَرْضِينَ أَرْوَاحَ الْعَالَمِينَ لَهُ الْفِدَاءُ».^۳

۱. این پیام به همایش نکوداشت علامه امینی صاحب‌الغدير در ذی الحجة الحرام سال ۱۴۳۲ هجری قمری صادر شده است.

۲. مفید، الاختصاص، ص ۲۲۴؛ بحرانی، البرهان، ج ۵، ص ۶۲۲؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۸۳، ابواب ذکر، ب ۱، ح ۵۸۶۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۷۰، ب ۴۱، ح ۲۳۴؛ ج ۹۱، ص ۹۶، ب ۲۹، ح ۵۸. «پیامبر خدا ﷺ فرمود: یاد خدا عبادت است و یاد من و یاد علی علیه السلام عبادت است».

۳. «سپاس خدایی را که ما را از پیروان ولایت امیرمؤمنان و امامان معصوم علیهم السلام قرار داد به‌ویژه مولایمان و صاحب امرمان بقية الله در روی زمین که جان همه عالمیان فدای او باد».

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

با عرض ادب و احترام به عزیزان و نخبگانی که در این همایش ولایی و جلسه نورانی با حضور خود نکوداشت یکی از شخصیت‌های علم و فضیلت و خادمان مخلص مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) و احیاگر اسناد محکم و متواتر ولایت حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را گرامی داشته‌اند، چند کلمه‌ای پیرامون غدیر و کتاب‌هایی که در ارتباط با این حدیث متواتر و مسلم بین الفریقین نگاشته شده و بسط و گسترش آن، که در مصادر مختلف و علوم اسلامی وارد شده است تقدیم می‌دارم.

جایگاه والای حدیث غدیر

حدیث غدیر از حیث سند و کثرت راوی از صحابه، تابعین و تابعین تابعین و از جهت روایت در کتب صحاح، جوامع و مسانید معتبر دارای جایگاهی است که یا نظیر آن یافت نمی‌شود یا اگر یافت شود، قلیل النظیر است.

کتاب‌هایی که مختص به آن نوشته شده به عنوان کتاب «الولایه» که مؤلفان آن از نامدارترین علمای اسلام و حفاظ حدیث بوده و علاوه بر علم حدیث و تاریخ که به تفصیل، واقعه غدیر در آن ذکر شده است در سایر علوم، مثل علم تفسیر، علم لغت، علم رجال، علم کلام و علوم مناسب دیگر، این واقعه بزرگ منعکس است؛ در ادبیات، در شعر و تاریخ شعرا از عصر رسالت، اشعار مربوط به غدیر جلوه‌ای خاص



دارد. غدیر، فرهنگ نورانی شیعه و عالم اسلام را جلوه و زیبایی بیشتر بخشید.

علامه امینی، شیفته آستان علوی

یکی از رجال و قهرمانان تألیف و تصنیف پیرامون حدیث و هم‌قطار بزرگانی، مانند سید مرتضی، سید رضی، علامه حلی، علامه مجلسی و صاحب موسوعه بزرگ *عقبات*، علامه امینی است.

علامه امینی، دلباخته و شیفته آستان قدس علوی، مرد ولایت، پهلوان حمایت از حق، مجاهد فی سبیل الله و در یک کلام و یک معرفی جامع و تمام (مؤلف موسوعه *الغدیر*)؛ کتاب عصر ما و سند فخر دوره و زمان ما.

دائرة المعارف *الغدیر*، کتاب جاوید و ماندگاری است که برای هر کسی که اهل انصاف باشد، حجت کامله بالغه بر خلافت بلا فصل امیرالمؤمنین علیه السلام است. *الغدیر*، دانشنامه و مجموعه فضایل علی علیه السلام است.

درود و رحمت خدا بر علامه امینی که این فخر بزرگ از آن او است که نام او و *الغدیر* یادآور نام مبارک حضرت علی علیه السلام است.

وظیفه شیعیان در عصر حاضر

اینجانب این توفیقی را که نصیب ایشان شده، توفیق الهی و عنایت ربّانی می‌دانم و اما در عصر حاضر، وظیفه و واجب بزرگ شیعه، علما

و نویسندگان همه، شناساندن مکتب اهل بیت علیهم السلام و معارف و علوم آل محمد صلی الله علیه و آله است. دعوت به این مکتب، دعوت به اسلام ناب، دعوت به انسانیت و دعوت به مکارم اخلاق است.

در پایان، اینجانب از همه کسانی که این افتخار نصیب آنها شده و این همایش باشکوه را برپا داشته‌اند، تقدیر و تشکر می‌کنم و مزید توفیقات همگان را در اطاعت از دستورات شرع مقدس اسلام و پیروی از امیرالمؤمنین علیه السلام از خداوند متعال مسئلت دارم.

والسلام علی جمیع إخواننا المؤمنین



۱۵

پیروزی نهایی غدیر^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالى:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ
تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ
اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ^۲.
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ وَأَوْلَادِهِ الْأَثَمَةِ الْمُعْصُومِينَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ
وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ
سَيِّدِنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

۱. این پیام خطاب به همایش غدیر مشهد مقدس در تاریخ ۷ ذی الحجة الحرام سال ۱۴۳۳ هجری قمری صادر شده است.

۲. مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن، و اگر نکنی، رسالت او را انجام ندهای، خداوند تو را از «گزند» مردم نگاه می‌دارد، آری خداوند گروه کافران را هدایت نمی‌کند».

وَلَا سَيِّئًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ مَوْلَانَا الْمُتَنَظَّرِ
الْمُهْدِي عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ وَاللَّعْنُ عَلَى
أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.^۱

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

غدیر در ملکوت اعلا

سلام بر عید غدیر، عید الله اکبر، سلام بر فرشتگان خدا که در
ملکوت اعلا از این عید تجلیل می نمایند و در پیشگاه الوهیت و
ربوبیت به ولایت علی علیه السلام تقرب می جویند.

سلام بر انبیا و پیغمبران، بر آدم صفی الله، نوح نجی الله، ابراهیم
خلیل الله، موسی کلیم الله، عیسی روح الله و سلام ویژه و بالاتر و برتر
از هر سلام بر حضرت محمد مصطفی خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله که در محافل
ملکوتی قرب الهی، عید سعید غدیر را گرامی می دارند و به شیعیان
متعهد و مخلص امیرالمؤمنین علیه السلام دعا می کنند و شور و نشاط و وجد و
انبساط آنها را در این عید می ستایند.

۱. «سیاس خدایی را که ما را از پروان ولایت امیرمؤمنان و فرزندان او امامان معصوم
هدایت گر و هدایت یافته قرار داد و درود و سلام بر آقای پیشینیان و پسینیان حضرت
محمد صلی الله علیه و آله و بر فرزندان پاک او به ویژه بقیة الله در روی زمین مولایمان امام منتظر
مهدی علیه السلام، خدا فرج آن حضرت را نزدیک کند و نفرین و لعنت بر همه دشمنانشان تا
روز قیامت باد».

غدیر، فرصت تجدید میثاق با ولایت

عزیزان و بزرگان فرهیخته،

عید سعید غدیر فرصتی بسیار عزیز برای تجدید میثاق با ولایت و بررسی سخنانی است که رسانه‌ها، پیرامون این حادثه بزرگ تاریخی به صورت نفی و اثبات پخش می‌نمایند و بی‌وقفه، شب و روز ادامه دارد. هرچند در این رودرویی و طرح نظرات، پایه‌های محکم مذهب و حقایق مبانی اسلام و تشیع، استوارتر گشته و حق ظاهرتر می‌شود ولی باید در این ایستگاه و جایگاه، مردان محقق و با سابقه، میدان‌داری نمایند و با حفظ وقار لازم در مباحث، کمال حق‌پژوهی پیروان اهل بیت (علیهم‌السلام) را نشان دهند.

نصوص ولایت

سپاس خدا را که ما در همه میدان‌ها پیروزیم. منطق قرآن و عترت، منطق و حیانی و ایمانی است. آنان که اهل انصاف‌اند از رویداد بزرگ و تاریخی غدیر خم همه مطالب را می‌فهمند. از مثل یوم الدار و مصیبت بزرگ منع پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از کتابت وصیت، حق را می‌شناسند. حدیث طبر،^۱ حدیث: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا»^۲، حدیث

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۱۴-۱۱۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۳۵۱-۳۵۳، ب ۶۹، ح ۴.

۲. کوفی، مناقب الامام امیر المؤمنین (علیه‌السلام)، ج ۲، ص ۵۵۸؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۴۰.

منزلت^۱، آیه: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ﴾^۲، آیه: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾^۳، آیه: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾^۴، آیه کریمه: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾^۵، آیه: ﴿هَذَانِ حَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ﴾^۶، آیه: ﴿الَّذِينَ يُتَفَقَّهُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً﴾^۷، سوره «هل أتى» و حدیث غدیر خم و نصوص بسیار دیگر، همه و هر یک ابلاغ و بیان ولایت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است.

پیام این همه نصوص قرآنی و روایی و وحیانی این است که تبلیغ

ص ۵۵؛ صدوق، الامالی، ص ۴۲۵، ۶۵۵؛ همو، التوحید، ص ۳۰۷؛ مغربی، شرح الاخبار، ج ۱، ص ۸۹؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۶ - ۱۲۷؛ مفید، الاشداد، ج ۱، ص ۳۳؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۴. «من شهر علم و علی در آن است». ۱. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۵۹؛ کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۰۷؛ صدوق، الامالی، ص ۴۰۲.

۲. مانده، ۵۵.

۳. مریم، ۹۶. «کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، به زودی (خداوند) رحمان محبتی برای آنان (در دل ها) قرار می دهد».

۴. رعد، ۷. «تو فقط بیم دهنده ای و برای هر گروهی هدایت کننده ای است».

۵. بیه، ۷. «کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند بهترین مخلوقات خداوند».

۶. حج، ۱۹. «این دو (گروه) دشمن یکدیگرند که درباره پروردگارشان باهم ستیزه می کنند».

۷. بقره، ۲۷۴. «کسانی که اموال خود را شب و روز، پنهان و آشکار انفاق می کنند».



رسالت اسلام به ولایت حضرت علی علیه السلام کامل گردید و همه، اعلام این است که دین، ابتر نماند و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله امت بزرگ خود را مهمل و سرگردان نگذاشت.

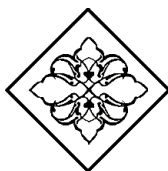
این نصوص، همه ابلاغ دین و اتمام حجّت بر جهانیان تا روز قیامت است و همه، بشارت و مژده نجات و دعوت به خیر، صلاح، رستگاری و عدالت است. پس حجّت بر همه تمام است و راهی برای شانه خالی کردن از این وظیفه بزرگ باقی نمی ماند.

ابلاغ غدیر، قدردانی از نعمت ولایت

مجمع علمی فرهنگی غدیر و شرکت کنندگان در این اجلاس و جشن‌هایی که در اطراف جهان برپا می شود همه باید بر خود ببالند و قدر نعمت ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را بشناسند. این مجالس که به نام مولا امیرالمؤمنین علیه السلام برگزار می شود ان شاء الله تعالی محلّ نزول فرشتگان آسمانی و منظور نظر مبارک نبی اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام است.

در پایان از حضرات آقایان اساتید و شرکت کنندگان محترم و نیز از برگزارکنندگان ارجمند این جلسه نورانی کمال تشکر و تقدیر دارم و از خداوند متعال مسئلت می کنم که زحمات و خدمات همه عزیزان، مورد نظر کیمیا اثر حضرت بقیة الله الاعظم ارواح العالمین له الفداء قرار گرفته و مشمول دعای خاص آن حضرت باشند و در جوار مضجع شریف و

مقدّس حضرت ثامن الائمه عليه السلام بیش از پیش به ابلاغ رسالت غدیر که
وظیفه شیعیان مخلص در این زمان می باشد موفق و مؤید باشند.
ثَبَّتْنَا لِلَّهِ وَإِيَّاكُمْ بَوْلَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ عليهم السلام



بخش سوم

دیدارها^۱

۱. در این بخش گزیده‌ای از بیانات معظم‌له در دیدارهای مرتبط با غدیر گردآوری شده است.



۱ حفظ و ترویج آثار غدیری^۱

لزوم آشناسازی مردم با فضایل اهل بیت علیهم السلام

باید مردم را با فضایل اهل بیت علیهم السلام آشنا کنیم چرا که هر کمبود و نقصی که در جامعه مشاهده می شود، ناشی از عدم آشنایی مردم با معارف و فضایل اهل بیت علیهم السلام است.

ثواب ذکر فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام

در روایات است که: «هرکسی فضیلتی از فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام را کتابت کند، مادامی که اسمی و اثری از آن نوشته باقی باشد ملائکه برای او استغفار می کنند»^۲؛ و این اهمیّت ذکر فضایل و احیای امر

۱. دیدار مدیر و اعضای مؤسسه میراث نبوت، تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۷ هجری شمسی به مناسبت اجرای مسابقات سراسری غدیر از کتاب *الغدیر* علامه امینی رحمته الله.

۲. اشاره به روایت: «مَنْ كَتَبَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا بَقِيَ لِيَتْلِكَ الْكِتَابَةِ رَسْمًا». صدوق، الامالی، ص ۲۰۱، مجلس ۲۸؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۴؛ بحرانی، حلیة الابرار، ج ۲، ص ۱۲۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۹۶، ب ۶۴، ح ۴.

اهل بیت علیهم السلام در جامعه را یادآوری می نماید.

لزوم بهره گیری از علوم اهل بیت علیهم السلام

باید هرچه بیشتر با فضایل و علوم اهل بیت علیهم السلام آشنا شویم و بدانیم که در الهیات، خدشناسی و سایر حوزه ها از قرآن و اهل بیت علیهم السلام الهام بگیریم که حیات دینی و اجتماعی ما در گرو آشنایی بیشتر جامعه با اهل بیت و هدایت های اهل بیت علیهم السلام است.

اهمیت توجه به آثار علمای سلف درباره حدیث غدیر

حدیث غدیر آن قدر مهم و با عظمت است که پیرامون آن کتاب های زیادی توسط بزرگان نوشته شده است.

اکنون هم باید شیعه و به خصوص حوزه، به کتب و آثار علمای گذشته توجه زیادی داشته باشد و طلاب مطالعات کافی و وافی در این کتب داشته باشند تا بتوانند پاسخ گوی شبهات باشند.

شخصیت الهی حضرت ابوطالب علیه السلام

یکی از مظلومیت های امیرالمؤمنین علی علیه السلام این است که علیه پدر بزرگوار ایشان حضرت ابوطالب علیه السلام که در اساس، بقا و پیشرفت اسلام نقش غیر قابل انکاری داشت، شبهه مطرح می کنند و با این جسارت ها می خواهند شخصیت ممتاز آن بزرگوار را خدشه دار نمایند. باید حوزه پاسخ گوی شبهاتی که در مورد ایشان مطرح می شود باشد و شخصیت الهی و بی نظیر حضرت ابوطالب علیه السلام را به همگان معرفی کند.



۲

وظیفه خادمان غدیر^۱

قال الله تعالى:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ
تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾^۲

گرچه در اسلام جشن های کبیر است
خوب تر از هرچه جشن عید غدیر است
ز آنکه در این عید دست عهد پیامبر
بود به دستی که دست ربّ قدیر است

آشناسازی مردم با معارف ولایی، هدف احیای غدیر

بنده از همه عزیزانی که در این برنامه بسیار مقدّس تعظیم امر ولایت

-
۱. دیدار اعضای ستاد بزرگداشت غدیر استان قم، تاریخ ۳ آذر ۱۳۸۷ هجری شمسی.
 ۲. مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن، و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده ای، خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می دارد، آری خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند».



امیرالمؤمنین (علیه السلام) و احیای روز بزرگ غدیر شرکت و اهتمام دارند و هدفشان این است که مردم بهتر و باشکوه‌تر بتوانند این جشن بزرگ را برگزار کنند و به معانی، اهداف و پیام‌هایی که این جشن و عید دارد بیشتر آشنا شوند تشکر می‌کنم.

تبلیغ ولایت علی (علیه السلام)، تبلیغ تمام رسالت انبیا

هیچ آیه‌ای از قرآن مجید در معنا و ابلاغ مانند آیه تبلیغ نیست که می‌فرماید:

﴿بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ

رِسَالَتَهُ﴾؛^۱

یعنی اگر ما بتوانیم ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به دنیا برسانیم و ابلاغ کنیم، تمام رسالت و پیام‌های حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و بعد تمام رسالت انبیای الهی ابلاغ شده است:

نام احمد نام جمله انبیاست

چون که صد آمد نود هم پیش ماست

تأکیدی که خداوند متعال در این آیه شریفه نسبت به امر ولایت دارد، مسئله‌ای است که خود لحن آیه بر آن دلالت می‌کند و چنین آیه‌ای جز در امری به اهمّیت امر ولایت نازل نمی‌شود. آیا بعد از

۱. مائده، ۶۷. «آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن، و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای».



آن‌همه مطالب و ابلاغاتی که حضرت رسول ﷺ فرمودند و همه احکام را بیان کردند، مطلب مهم دیگری غیر از مسئله مبنایی ولایت امیرالمؤمنین ﷺ باقی مانده بود؟

ولایت امیرالمؤمنین ﷺ در حیات پیامبر ﷺ

مسئله ولایت امیرالمؤمنین ﷺ از زمان شخص مبارک پیامبر اکرم ﷺ هم مطرح بود. اینکه ایشان فرموده‌اند:

«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا

نَبِيٍّ بَعْدِي»^۱

اگرچه برخی برداشت می‌کنند که معنایش اعلام خلافت امیرالمؤمنین ﷺ بعد از پیغمبر ﷺ است، ولی این‌طور نیست، بلکه همان‌طوری که هارون در حیات حضرت موسی با او بود و مقام پیامبری هم داشت، امیرالمؤمنین ﷺ در زمان حیات پیامبر ﷺ ولایت داشت و تنها فرق این بود که «أَنَّهُ لَا نَبِيٍّ بَعْدِي» نبوت به حضرت رسول ﷺ ختم شد.

آیه شریفه: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

۱. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۴، ص ۹۴۷؛ طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۳۶۸؛ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۱۵۶؛ ابن اثیر جزری، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۷۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۰۸. «تو ای علی جایگاهت نسبت به من جایگاه هارون نسبت به موسی است جز اینکه پس از من پیامبری نیست».



وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ^۱ هم بر همین مطلب دلالت دارد، یعنی می‌فرماید در همان زمان پیامبر ﷺ علی علیه السلام ولی و امام بوده است و این ولایت منحصر به جانشینی حضرت رسول ﷺ نمی‌شود.

احترام خاص امیرالمؤمنین علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

البته احترامی که امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به حضرت رسول ﷺ داشتند احدی از مخلوقات نداشت، یعنی آن عظمتی که امیرالمؤمنین علیه السلام از آن حضرت درک می‌کردند کسی نمی‌توانست آن را درک کند.

به همین خاطر است که بسیاری از علوم صادره از امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از حضرت رسول ﷺ بوده است، به این معنا که در حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علیه السلام خودش را فانی در وجود ایشان می‌دانسته است و در مقابل، کسانی هم بودند که گاهی اوقات با نادانی و جهالت در مقابل وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض وجود می‌کردند.

شما این خطبه‌های بسیار برجسته‌ای که از حضرت علی علیه السلام در مورد الهیات و معارف است ببینید. آنها را بعد از حضرت رسول ﷺ ایراد فرموده‌اند که دلالت بر این دارد که ایشان در مقابل حضرت رسول ﷺ نمی‌خواستند ذره‌ای عرض وجود کنند.

۱. مائده، ۵۵. «ولی شما تنها خدا و پیامبر او است و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز برپا دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند».



امیرالمؤمنین (علیه السلام)، اولین بیعت کننده با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقتی آیه: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾^۱ در سال سوم هجرت نازل شد و پیغمبر مأمور به انداز قوم و قبیله اش با آن کیفیت گردید که مثل توماس کارلایل^۲ هم در کتاب «الابطال» این قضیه را مفصل نقل کرده است، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در آن مجلس خطاب به جمعیت سه مرتبه فرمودند که: «کدام یک از شما اول با من بیعت می کنید که هرکسی ابتدا بیعت کند خلیفه من می باشد»، هیچ کسی غیر از امیرالمؤمنین (علیه السلام) جواب نداد چرا که بیچاره ها نمی توانستند بفهمند که این دعوت و دین چطور جلو می رود و دنیا را فتح می کند.

اینها نکات مهمی از زندگی امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که باید بررسی شود و در مورد آن کتابها نوشته شود تا مردم با این مطالب آشنا شوند.

فضایل علی (علیه السلام) از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله)

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«لَوْ أَنَّ الْبَحْرَ مِدَادٌ وَالْعِیَاضُ أَقْلَامٌ وَالْإِنْسُ كُتَّابٌ وَالْحِنَّ

حُسَابٌ مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ».^۳

۱. شعراء، ۲۱۴. «و خوشاوندان نزدیک را انداز کن».

۲. مورخ، فیلسوف و مستشرق انگلیسی.

۳. خوارزمی، المناقب، ص ۳۲۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۷۵، ب ۹۱، ح ۱۱۴. ➤

این کلام پیامبری است که ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾.^۱

کلام، کلام یک فرد عادّی نیست که بگوئیم حساب نشده به زبان جاری شده است و مثل تعریف‌ها و مدح‌هایی که ما از هم می‌کنیم نیست. حال امثال بنده اصلاً قادر نیستیم در فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) سخن بگوئیم.

کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانية»^۲

اعتراف به فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) تنها مخصوص مسلمانان نیست. یکی از دانشمندان اسلام‌شناس به نام جرج جرداق مسیحی کتابی نوشته است به نام «الامام علی صوت العدالة الانسانية» که قبل از آنکه آن را به کسی اهدا کند، نسخه‌ای از آن را به همراه نامه‌ای به حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی (رحمه الله) اهدا نموده بود. در یکی از روزها که حقیر خدمت ایشان بودم این نامه را به من دادند تا مطالعه کنم.

➡ «اگر دریاها مرگب و جنگل‌ها قلم و انسان‌ها نویسنده و جنیان حسابگر باشند نمی‌توانند فضایل تو را بشمارند ای ابالحسن».

۱. نجم، ۳-۴. «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید؛ آنچه می‌گوید جز وحی که بر او نازل شده نیست».

۲. تفصیل این قضیه را می‌توانید در کتاب «فخر دوران» تألیف معظم‌له ببینید.



این دانشمند مسیحی نوشته بود که من در حالات، سیره و تاریخ زندگی امام علی علیه السلام مطالعه کرده‌ام و در آن، به اصول، مبانی و معانی بزرگی که تازه بشریت امروز و مخصوصاً دنیای غرب ادعای رسیدن به آن معانی و پیشنهاد آن مبانی را دارد رسیده‌ام و اسلام‌شناسان و خاورشناسان غربی اگرچه کم‌وبیش این معانی را در زندگی آن امام عظیم درک کرده‌اند اما نخواسته‌اند قبول کنند که این افتخار برای شرق است و من دریغ دانستم که چنین شخصیت بزرگی در شرق باشد و قدرش مخفی بماند، لذا این کتاب را نوشتم و چون مسیحی هستم کسی نمی‌تواند مرا نسبت به بیان مراتب بلند امام به تعصب نسبت دهد.

ایشان در ادامه نوشته بود که شما (حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی) بعد از مطالعه، تصدیق می‌نمایید که «إِنِّي أَنْصَفْتُ الإِمَامَ بَعْضَ الإِنْصَافِ».

مظلومیت علی علیه السلام در جامعه اسلامی

مقصود اینکه در جامعه اسلامی هیچ‌کسی به قدر امیرالمؤمنین علیه السلام مظلوم نیست، شخصیتی که حتی مسیحیان این‌گونه در فضلش می‌نویسند در بین ما این قدر ناشناخته است. باید ذکر و نام امیرالمؤمنین علیه السلام و فضایل آن حضرت را در جامعه ترویج و تبلیغ کنیم تا بتوانیم قطره‌ای از فضایل آن حضرت را بیان کنیم.

لزوم رعایت ظواهر شرعی در جشن غدیر

شما باید خدمت به مکتب ولایت را گرامی بدارید و به آن افتخار نمایید. البته در عین حال که جشن‌ها و مراسم سرور در روز غدیر برگزار می‌شود باید مراقب ظواهر شرعی بود که خدای ناکرده به اسم هنر دچار معصیت نشویم و این کار بزرگ و الهی را آلوده نکنیم و همان‌گونه رفتار نماییم که مناسب شئون ولایی امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد.





۳

مدافعان ولایت^۱

ارتباط آیه تبلیغ و اکمال دین

باید همگان در آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ...﴾^۲ تدبّر کنند و بیندیشند. تأمل کنند که چه موضوع مهمی غیر از اعلام ولایت می تواند باشد که خداوند امر فرموده با این کیفیت تبلیغ شود.

شما این آیه را کنار آیه اکمال دین:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ

عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ

دیناً﴾^۳

بگذارید. آیا غیر از ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، مطلب دیگری فهمیده می شود؟

۱. دیدار تعدادی از طلاب مدرسه الحجة مشهد، تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۸۷ هجری شمسی.

۲. مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن».

۳. مائده، ۳. «امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پسندیدم».

اهمیت واقعه غدیر در کلام دانشمندان

آن قدر غدیر خم اهمیت دارد و روشن است که ابوالمعالی جوینی می‌گوید: «در بغداد در نزد صحافی یک جلد کتاب دیدم که بر آن نوشته شده بود: جلد بیست و هشتم از طرق حدیث: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ» که جلد بیست و نهم بعد از آن می‌آید.^۱ همه علما هم به مناسبت‌های مختلف متعرض حدیث غدیر شده‌اند. عالمی که در علم لغت کتاب نوشته در ارتباط با کلمات «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ» فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ سخن رانده است، عالم رجالی، دانشمند علم حدیث، محقق در تاریخ و همه و همه در این باب به سخن پرداخته‌اند.

افتخار به فرهنگ غدیر

هویت و شخصیت ما عجم با مسئله غدیر است. باید از غدیر تجلیل کنیم و برنامه‌های آن را باشکوه‌تر برگزار کنیم. فرهنگ ما، فرهنگ اسلام و عدالت، ایمان و پرهیزکاری و فرهنگ غدیر است. افتخار هم می‌کنیم که ملتزم به شخصیتی هستیم که بعد از وجود پیامبر گرامی اسلام ﷺ شخصیت ممتاز جهان اسلام است.

لزوم دفاع از حدود و ثغور ولایت

هرکس باید در هر حدی که می‌تواند از حدود و ثغور دین و ولایت که مورد نظر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، دفاع کند و ولایتش

۱. قندوزی، منابع المودّه، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۴.

را نگه بدارد و در هجومی که به دین و ولایت می شود، در مقام دفاع و ایستادگی باشد.



۴

اساس دین^۱

لزوم تبلیغ همگانی مکتب غدیر

همه شیعیان در هر نقطه از دنیا که باشند باید غدیر را گرمی داشته و تجلیل کنند. البته وجود ستاد و تشکیلاتی در قم برای بزرگداشت ایام دهه غدیر امری لازم بود تا در طول سال روی این مسئله کار کنند که این مراسم با شکوه و عظمت بیشتری برگزار شود.

ولایت، شرط قبولی اعمال

اگر کسی یک دنیا عمر داشته باشد و تمام اعمال صالحه را انجام دهد و به همه پیامبران هم عشق بورزد ولی از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام محروم باشد در روز قیامت از هیچ یک از اعمال بهره ای نمی برد، چرا که شرط قبولی اعمال و عبادات، قبول ولایت امیرالمؤمنین و ائمه طاهرين علیهم السلام است و سعادت دنیا و آخرت به واسطه اینها است و اگر جامعه ای بخواهد سعادت مند باشد، راهش تمسک به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است.

۱. دیدار اعضای ستاد غدیر استان قم، ایام غدیریه، سال ۱۳۸۸ هجری شمسی.

علی علیه السلام افضل اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله

ایمان به خدا، جهاد، زهد و علم چهار صفتی هستند که مسلمان‌ها اعتقاد دارند اگر این صفات در کسی جمع شود، در فضیلتش از همه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بالاتر است.

امیرالمؤمنین علیه السلام اعلا درجه این صفات را دارا هستند و ما در هیچ‌یک از صفات، بالاتر از او را سراغ نداریم و حتی غیر مسلمان‌ها هم به این امر اعتراف دارند.

۵ معرفت افزایی نسبت به ولایت^۱

لزوم افزایش معرفت نسبت به مقامات علی علیه السلام

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی فضایل و مناقب امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام را غیر قابل شمارش دانسته اند:

«لَوْ أَنَّ الْبَحْرَ مِدَادٌ وَالْغِيَاضُ أَقْلَامٌ وَالْإِنْسُ
كُتَّابٌ وَالْجَنُّ حُسَّابٌ مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَكَ يَا أَبَا
الْحَسَنِ».^۲

از این رو شناخت و آگاهی ما نسبت به حضرت علی علیه السلام هر چقدر هم باشد، باز هم اندک است و ما باید شناختمان را نسبت به ایشان افزایش دهیم و نسل جوان را با معارف حقّه اهل بیت علیهم السلام آشنا سازیم.

۱. مراسم رونمایی از دوره ۲۷ جلدی سلسله موضوعات/التغذیر اثر مرحوم علامه امینی رحمته الله، تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۰ هجری شمسی.

۲. خوارزمی، المناقب، ص ۳۲۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۷۵، ب ۹۱، ح ۱۱۴. «اگر دریاها مرکب و جنگل ها قلم و انسان ها نویسندگان و جنیان حسابگر باشند نمی توانند فضایل تو را بشمارند ای ابا الحسن».

کتاب «الغدير» احياکننده ولايت

کتاب ارزشمند *الغدير* علامه امینی رحمته الله، احياکننده ولايت است و احياي اين کتاب و خدمت به ترويج اين اثر ارزشمند، توفيق بزرگي است که نصيب شما عزيزان شده است. قدر خود را بدانيد و بدانيد هر چقدر هم شکر خدا را به جای آوريد، باز هم اندک است.

جہانی مشتاق مکتب غدیر^ع

خدمت به غدیر، عنایت الہی

کسانی که خود را در احیای امر اہل بیت علیہم السلام مخصوصاً احیای مکتب غدیر وقف کرده‌اند باید قدر خویش را بدانند و از این فرصت بہترین بهره‌ها را بگیرند و بدانند کہ چنین توفیقی برای ہرکسی فراہم نمی‌شود. تلاش برای بزرگداشت غدیر و برگزاری جشن‌های آن، نیاز بہ ذوق و اشتیاق فراوان دارد کہ از عہدہ ہرکسی بر نمی‌آید و تنها کسانی کہ مشتاق اہل بیت علیہم السلام ہستند چنین توفیقی را بہ دست می‌آورند، زیرا این کار بسیار سنگین است و بدون عشق بہ اہل بیت علیہم السلام محقق نمی‌شود.

اشتیاق جہان بہ شناختن مکتب ولایت

امروز حقیقت و نورانیت امیرالمؤمنین و ائمہ اطہار علیہم السلام بر کسی

۱. دیدار اعضای ستاد برگزاری ہمایش «غدیرشناسی» مشهد مقدس، تاریخ ۲۱ مہرمہ ۱۳۹۰ ہجری شمسی.

مخفی نمانده است به گونه‌ای که شرق و غرب به دنبال آن هستند و می‌خواهند از این مکتب کسب معرفت کنند.

لزوم گرامیداشت غدیر

همه شیعیان در هر نقطه‌ای از دنیا که باشند باید غدیر را گرامی داشته و تجلیل کنند، ولی شهر مشهد مقدس با توجه به سابقه تشیع و ولایت‌مداری و به مناسبت وجود حرم حضرت رضا (علیه‌السلام) اختصاصاتی دارد که شایسته است برنامه‌های بزرگداشت غدیر در مشهد مورد الگو و سرمشق دیگران باشد.



ذی الحجه، ماه ولایت^۱

ابلاغ ولایت علی علیه السلام

از آیات تبلیغ،^۲ تطهیر،^۳ ولایت،^۴ خاتم بخشی^۵ و سوره «هَلْ أَتَى» استفاده می شود که مسئله ابلاغ و اعلام ولایت مولای متقیان حضرت علی علیه السلام اصل دین و اساس اسلام است و وظیفه تبلیغ آن، نه تنها برای شخص حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود بلکه در تمام اعصار و زمان ها، وظیفه همه مسلمانان و مؤمنین می باشد و بدون آن، ایمان افراد ناقص خواهد ماند.

۱. اجتماع بزرگ مبلغان اعزامی به سراسر کشور به مناسبت دهه مبارک غدیر، تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۹۰ هجری شمسی، مدرسه علمیّه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی رحمته الله.

۲. مائده، ۶۷.

۳. احزاب، ۳۳.

۴. مائده، ۵۵.

۵. مائده، ۵۵.



وضوح واقعه غدیر

واقعه غدیر را شیعه و سنی در کتاب‌های خود از زمان‌های گذشته تا به امروز آورده‌اند و شاید بتوان گفت آن قدر که کتاب درباره غدیر نوشته شده است درباره موضوعات دیگر نوشته نشده است.

موضوع غدیر آن قدر روشن و واضح است که هر کس مختصر انصافی داشته باشد آن را قبول می‌کند و انکار آن یعنی انکار آفتاب و روشنایی آن.

ذی الحجة الحرام، ماه ولایت و امامت

همه ماه ذی الحجة الحرام، ماه ولایت و امامت است. در روز بیست و چهارم و بیست و پنجم این ماه نیز آیاتی درباره فضایل امیرالمؤمنین و اهل بیت علیهم‌السلام نازل گردیده که شیعیان باید علاوه بر روز غدیر، آن روزها را هم محترم شمرده و به آن افتخار نمایند.

آیه شریفه:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ

يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾^۱

به اتفاق همه علما و مفسرین سنی و شیعه درباره خاتم‌بخشی حضرت

۱. مائده، ۵۵. «ولیی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند».

علی علیه السلام بوده است که در روز بیست و چهارم این ماه نازل شده است^۱ و همچنین آیه مبارکه مباحله^۲ در این روز درباره فضیلت امیرالمؤمنین، حضرت صدیقه طاهره، امام حسن و امام حسین علیهم السلام نازل شده است^۳ که در این آیه، حضرت علی علیه السلام نفس و جان رسول الله صلی الله علیه و آله از طرف خداوند معرفی شده است.

همچنین روز نزول آیه شریفه تطهیر،^۴ روز بیست و چهارم می باشد^۵ و روز بیست و پنجم، آیاتی از سوره شریفه انسان درباره فضایل اهل بیت علیهم السلام نازل گشته است^۶ که لازم است همه شیعیان این روزها را برای یکدیگر یادآوری کرده و آنها را مغتنم شمارند و به دیگران هم ابلاغ نمایند.

لزوم اعزام مبلغان غدیر

اعزام مبلغان دینی به سراسر کشور جهت بزرگداشت عید سعید غدیر،

۱. مفید، مسار الشیعه، ص ۴۱؛ طوسی، مصباح المتهجد، ص ۷۵۸؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۳۶۸؛ مجلسی، زاد المعاد، ص ۲۱۹.

۲. آل عمران، ۶۱.

۳. مفید، مسار الشیعه، ص ۴۱؛ طوسی، مصباح المتهجد، ص ۷۵۹؛ مجلسی، زاد المعاد، ص ۲۱۷، ۲۲۴.

۴. احزاب، ۳۳.

۵. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۴۸؛ کفعمی، المصباح، ص ۵۱۵؛ مجلسی، زاد المعاد، ص ۲۱۷-۲۱۸.

۶. مفید، مسار الشیعه، ص ۴۱-۴۲؛ کفعمی، المصباح، ص ۵۱۵؛ مجلسی، زاد المعاد، ص ۲۲۷.



کار بسیار ارزشمند و بزرگی است و بزرگواری که این امر مهم را بر عهده گرفته‌اند و این روز الهی را با شکوه و عظمت در سراسر کشور برگزار می‌کنند، افتخار بزرگی نصیب آنها شده است و اجر و ثواب فراوانی در پیشگاه خداوند متعال دارند و باید این مسیر را ادامه دهند.

۸

غدیروا، بمیت مدیریت در اسلام^۱

نصوص قرآنی بر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام

هر کسی در دو آیه:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ
تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾^۲
و ﴿الْيَوْمَ كَمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ
عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۳

۱. مراسم عمامه گذاری شماری از طلاب غیر ایرانی جامعه المصطفی العالمیه، عید غدیر سال ۱۳۹۰ هجری شمسی.

۲. مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن، و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده ای، و خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می دارد، آری خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند».

۳. مائده، ۳. «امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پسندیدم».



دقت کند و اهل انصاف باشد به یقین، پیام غدیر را دریافت می کند چرا که مضامین این دو آیه، خود گویا و آشکار است.

پیامبر ﷺ با وجود اینکه تمامی مسائل خداشناسی، توحید، معاد و احکام فرعی، سیاسی، اخلاقی و عبادی و همه آنچه را که لازمه یک جامعه متفکر و پیشرو باشد برای مردم بیان کرده بودند و چیزی نمانده بود تا بیان شود، باز هم خداوند به ایشان می فرماید که: «اگر این پیام را در حجة الوداع نرسانی، رسالت شما کامل نشده است».

این مطلب نشان می دهد که تعیین مدیریت جامعه و شخص حضرت علی ﷺ از بسیاری از این مطالب مهم تر است و بدون انجام این پیام، رسالت ناقص حساب می شود.

مدیریت در جامعه اسلامی

از هر فرد منصفی سؤال شود به یقین اعتراف می کند که مدیریت جامعه در اسلام بسیار مهم است چرا که در حجة الوداع این گونه پیامی به پیامبر ﷺ ابلاغ شد و از ایشان خواسته شد که جانشین خود را انتخاب کند تا مدیریت جامعه بر اساس آن باشد. به همین دلیل این رفتار، اهمیت و جایگاه مدیریت را در اسلام نشان می دهد.

اگر مسئله مدیریت بعد از پیامبر ﷺ مشخص نمی شد، پیام ایشان ناقص بود، زیرا دین اسلام جهان شمول است و بدون اعلام این مدیریت، پیام آن نیز کامل نمی شد.

نصوص روایی متواتر در ولایت علی علیه السلام

البته افزون بر این دو آیه قرآن کریم، روایات فراوان و متواتری در تفسیر حادثه غدیر و معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام توسط پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وجود دارد که در کتب همه علمای بزرگ اسلام آمده و مورد اتفاق همه و از وضوح و روشنی غیر قابل انکار است.



سیره امام غدیر^۱

التزام به لوازم ولایت‌مداری

دهه ولایت و عید سعید غدیر خم را به همه شما عزیزان تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم که همه از برکات ولایت مولای متقیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام بهره‌مند باشیم و خط ولایت اهل بیت علیهم السلام را نگه داریم و به لوازم آن ملتزم باشیم.

اعتراف همگان به فضایل علی علیه السلام

تمام شیعه و سنی و دوست و دشمن به فضایل و مناقب، عدالت‌خواهی، عبادت، زهد، تقوا و پرهیزکاری حضرت علی علیه السلام اعتراف دارند.

ما که رهبر و امامی همچون امیرالمؤمنین علی علیه السلام داریم باید انتصاب به چنین شخصیتی را افتخار بدانیم و قدر این نعمت عظیم را بدانیم. باید شیعه واقعی باشیم و در عمل نشان بدهیم که پیرو امیرالمؤمنین علیه السلام هستیم.

۱. دیدار شماری از فرماندهان نیروی انتظامی و رؤسای کلانتری‌های سراسر کشور، تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۹۰ هجری شمسی هم‌زمان با ایام غدیریه.



سیره امیرالمؤمنین علیه السلام

در روایات داریم که امیرالمؤمنین علیه السلام نشست و برخاستش با مردم، عادی بود.^۱ آن حضرت هرگز صفات رذیله تکبر و تحمیل بر مردم در وجود مبارکش نبود.

با وجود تمام کمالات و صفاتی که آن حضرت داشتند اگر کسی به حضور ایشان می‌رسید، آن بزرگوار را بسیار متواضع و فروتن می‌یافت و معلوم نبود که ایشان فرمانروای کشور پهناور اسلامی می‌باشند. اگر کسی در محضر ایشان حاضر می‌شد، هیبت امیرالمؤمنین وجودش را فرا نمی‌گرفت. باید از اینکه منتسب به چنین شخصیت عظیمی هستیم افتخار کنیم، زیرا حتی دشمنان ایشان با شنیدن صفات و فضایل ایشان بی‌اختیار گریه می‌کنند.

باید این اخلاق حسنه، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در وجود همه شیعیان متبلور باشد گرچه برای ما ممکن نیست که این صفات را تمام و کمال داشته باشیم، ولی باید به اندازه توان، خود را به این صفات نزدیک کنیم.

اهتمام امیرالمؤمنین علیه السلام به رسیدگی به فقرا

در اسلام به طبقات محروم خیلی توجه شده است. حضرت رسول

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۴۷؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۰، ب ۳۰،

ح ۴۶۱۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۳۲۰.



اکرم ﷺ فرموده‌اند:

«که خدایا مرا مسکین زنده بدار و مسکین
بمیران و مرا در قیامت در صف فقرا و مساکین
محشور کن».^۱

البته مسکین و محتاج تنها به معنای این نیست که انسان بیکار باشد و کاری نداشته باشد، بلکه یک معنای آن این است که به دنبال ریاست طلبی، دنیا طلبی و جاه طلبی نباشد. به همین دلیل حضرت از خداوند چنین خواسته‌ای داشتند تا خویش را به این فضایل آراسته کنند.

حضرت علی علیه السلام یکی از فرماندهان و حاکمان کشور اسلامی خود را به واسطه شرکت در یک مهمانی اشرافی و اعیانی که عده زیادی از ثروتمندان در آن شرکت داشتند و فقرا و مستمندان از آن سرفره رنگارنگ محروم بودند شدیداً مورد مؤاخذه قرار داده و او را توبیخ نمودند.

امام نامه شدیداللحنی به او نوشتند که با این جملات آغاز می‌شود:
«ای پسر حنیف، به من خبر رسیده است که یکی از مردان بصره تو را به سفره‌ای دعوت کرده است و تو به آنجا شتافته‌ای. خوردنی‌های

۱. طبرانی، الدعاء، ص ۴۲۲؛ ابن عبدالبر، الاستذکار، ج ۲، ص ۵۴۰؛ طبرسی، مشکاة الانوار، ص ۲۲۸؛ ابن ابی‌جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۳۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۱۷، ۳۰، ۴۶، ۴۹.

نیکو برایت آورده‌اند و پی‌درپی ظرف‌های غذا در برابرت گذاشته‌اند. گمان نمی‌کردم مهمانی مردی را بپذیری که نیازمندان را به جفا رانده باشد و تنها ثروتمندان را دعوت کرده باشد...»^۱

باید همه مسئولان این نامه تاریخی را بخوانند که چگونه آن حضرت فرماندار خاطی خود را توبیخ کردند.

لزوم ترویج کتاب نهج البلاغه

تمام زندگی حضرت علی علیه السلام عدالت، عبادت و بندگی خدا بود. در زهد، پارسایی و علم نمونه بود و صفت علم در میان سایر صفاتش درخشش خاصی داشت که یکی از آثار علمی ایشان کتاب نهج البلاغه است که افتخار بزرگی برای مکتب شیعه است.

متأسفانه ما در مقام عمل و بهره بردن از کتاب گران‌قدر و ارزشمند نهج البلاغه فاصله زیادی داریم. باید همه اهتمام کنند که این کتاب ارزشمند و عظیم که واقعاً مظلوم واقع شده است را در جامعه رواج دهند.

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۴۱۷ - ۴۲۰.



۱۰ مبلغان غدیر^۱

قال الله تعالى:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ
تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾^۲

وقال تعالى:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ
الصَّادِقِينَ﴾^۳

لزوم تقویت هویت ولایی

بنده با کمال تشکر و عرض ادب و احترام، از خداوند متعال برای شما مسئلت توفیق می‌کنم و امیدوارم که مشمول عنایات خاصه آقا

۱. دیدار مبلغان شرکت‌کننده در دوره آموزشی غدیریه، تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۹۱ هجری شمسی.

۲. مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه را از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای».

۳. توبه، ۱۱۹. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا کنید و با راست‌گویان باشید».

حضرت ولی عصر علیه السلام باشید و در این حرکت و نهضتی که الحمد لله فراهم شده است بتوانید خدمات درخشانی را به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و آشنا کردن بیشتر مردم به مسائل ولایی را انجام دهید، چرا که هویت ما، هویت ولایی است و باید تقویت شود و از اینکه ضعفی در این هویت پیدا شود باید به شدت جلوگیری نمود.

غدير، ابلاغ و اخطاری بزرگ

مسئله غدیر، مسئله بسیار مهمی است، البته ادله و نصوصی که بر خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علیه السلام به طور متواتر دلالت دارد منحصر به غدیر نیست، لیکن غدیر به مناسبت اینکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در این روز، برنامه بسیار با عظمتی را جهت معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان وصی و امام بعد از خود برگزار کردند، بسیار مهم است. روز غدیر با آن برنامه، فقط یک نص نیست بلکه یک ابلاغ بزرگ است. غدیر، یک اخطار مهم به تمام مسلمانان تا روز قیامت است که مردم مسئله ولایت را فراموش نکنند.

در سال سوم بعثت وقتی که آیه: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^۱ نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برنامه‌ای تشکیل داده و در مرتبه اول، دوم و سوم به خویشاوندان خویش فرمودند: «کدام یک از شما به من کمک می‌کنید و به من ایمان می‌آورید؟». در آن وقت برای کسانی که ایمان

۱. شعراء، ۲۱۴. «و خویشاوندان نزدیک را انداز کن».



کاملی نداشتند، پیش‌بینی پیشرفت آن‌چنانی اسلام ممکن نبود و جواب مثبت ندادند. تنها کسی که به‌خاطر ایمان کامل جواب داد، امیرالمؤمنین علیه السلام بود که پیامبر صلی الله علیه و آله در همان‌جا به خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام تصریح فرمودند.^۱

دلالت نصوص جلیّه قرآنی بر ولایت علی علیه السلام

ما در قرآن نصوصی داریم که اینها را نصوص جلیّه می‌نامند، و یک سری از آیات هم، نصوص خفیّه هستند. نصوص جلیّه، نصوصی است که اگر اهل فهم و اطلاع این آیات را بخوانند، صراحت آن بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را متوجه می‌شوند، مثل آیه شریفه:

﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي

إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾^۲؛

یعنی آیا شخصیّتی مثل امیرالمؤمنین علیه السلام با این همه علوم و مقامات می‌تواند مردم را هدایت کند یا کسی که خودش هم باید هدایت شود؟

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۱۵۹؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۴۲ - ۵۴۳؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۴۷ - ۴۸؛ و دیگر مصادر حدیثی شیعه و اهل سنت.

۲. یونس، ۳۵. «آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است یا آن‌کس که خود هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می‌کنید؟».

شما آیه:

﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾^۱

و تفسیر آن را ببینید.

روایاتی از شیعه و اهل سنت در تفسیر این آیه نقل شده است که اصلاً قابل مناقشه نیست. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«أَنَا الْمُنْذِرُ وَعَلِيُّ الْهَادِي مِنْ بَعْدِي، يَا عَلِيُّ بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ».^۲

اعتراف بزرگان اهل سنت به فضایل علی علیه السلام

ابن بطریق از شخصیت های بزرگ علم حدیث است که مشایخ بزرگی از اهل سنت دارد. ایشان کتابی دارد به نام «خصائص الوحي المبين في مناقب امير المؤمنين علیه السلام». وی در این کتاب، آیاتی را که راجع به امیرالمؤمنین علیه السلام است از کتب عامّه به سندهای معتبر و از مشاهیر خودشان نقل کرده است.^۳ کتاب بسیار ارزشمند و مورد استفاده است



۱. رعد، ۷. «تو فقط بیم دهنده ای و برای هر گروهی هدایت کننده ای است».

۲. حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۸۱ - ۳۸۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۱۵؛ ابن بطریق، خصائص الوحي المبين، ص ۱۴۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹، ص ۱۰۷؛ ج ۲۳، ص ۲؛ و دیگر مصادر معتبر شیعه و اهل سنت. «من هشدار دهنده هستم و علی علیه السلام پس از من هدایت گر است. ای علی علیه السلام به وسیله تو هدایت یافتگان هدایت می شوند».

۳. ابن بطریق، خصائص الوحي المبين، ص ۷۱ - ۲۴۹.



که همه شما عزیزان باید این کتاب را بخوانید.

ابن بطریق کتاب دیگری دارد به نام «العمده» که مشحون از فضایل اهل بیت علیهم السلام است که آن هم کتاب بسیار نفیس و ارزشمندی است و باید مورد توجه قرار گیرد.

در دیگر روایات هم از طریق شیعه و اهل سنت به مسئله ولایت اشاره شده است از باب نمونه اینکه فرمودند:

«لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِثْلَ مَا قَامَ نُوحٌ فِي
قَوْمِهِ وَكَانَ لَهُ مِثْلُ أُحُدٍ ذَهَبًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَمُدَّ فِي عُمُرِهِ حَتَّى حَجَّ أَلْفَ عَامٍ عَلَى قَدَمَيْهِ ثُمَّ
قُتِلَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ مَظْلُومًا ثُمَّ لَمْ يُؤَالِكَ يَا
عَلِيُّ لَمْ يَشْمَرَ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَلَمْ يَدْخُلْهَا»^۱

اگر کسی به قدر عمر رسالت نوح عبادت کند و به اندازه کوه احد طلا انفاق نماید و... سپس ولایت امیرالمؤمنین را نداشته باشد بوی

۱. مصادر شیعه و مصادر اهل سنت از جمله: خوارزمی، المناقب، ص ۶۷-۶۸؛ طبری، بشارة المصطفی، ص ۱۵۳؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۹۳؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۰۰. «اگر بنده ای خدای متعال را به قدری عبادت کند که حضرت نوح در میان قوش بود و برای او مثل کوه احد طلا باشد پس آن را در راه خدا انفاق کند و عمرش طولانی شود به قدری که بتواند هزار سال با پای پیاده حج به جا آورد، سپس میان صفا و مروه مظلومانه کشته شود سپس ولایت تو را نپذیرد و تو را دوست نداشته باشد ای علی چنین کسی بوی بهشت را استشمام نمی کند و داخل بهشت نمی شود».

بهشت را استشمام نمی‌کند و داخل آن نمی‌شود.

غیر قابل شمارش بودن فضایل علی (ع)

آری! فضایل امیرالمؤمنین (ع) بیش از آن است که تصور شود. پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي فَضَائِلَ لَا تُحْصَى»^۱

کسی غیر از خداوند نمی‌تواند فضایل امیرالمؤمنین (ع) را احصا کند.

در جای دیگری هم پیغمبر اکرم (ص) خطاب به امیرالمؤمنین (ع) فرمود:

«لَوْ لَا أَنْ تَقُولَ طَوَائِفُ مَنْ أُتْمِي مَا قَالَتْ

النَّصَارَى فِي عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ لَقُلْتُ فِيكَ مَقَالَةٌ

تَتَّبِعُ أُتْمِي أَثَارَ قَدَمَيْكَ فِي التُّرَابِ فَيَقْبَلُونَهُ»^۲

اگر گروهی از امت من آنچه را که نصاری

نسبت به عیسی گفتند درباره تو نمی‌گفتند،

چیزهایی درباره تو می‌گفتم که امت جا پای تو

را تبعیت می‌کردند و آن را می‌بوسیدند.

ولایت از مهم‌ترین اصول دین

در مورد آیه:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ

۱. ابن‌شاذان، مائة منقبة من مناقب امیرالمؤمنین، ص ۱۷۷؛ حلی، المحتضر، ص ۱۷۶.

«خدای متعال برای برادرم فضایلی را قرار داده است که به شمار و حساب نمی‌گنجد».

۲. هلالی عامری، کتاب سلیم بن قیس، ص ۴۱۲.

فَعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ^۱؛

هم، انسان وقتی خود آیه را به تنهایی ببیند ملاحظه می کند که مطلب از نوع مطالب عادی نبوده، بلکه مطلبی بسیار بسیار بزرگ اتّفاق افتاده است. اینکه اگر در حجّة الوداع - که پیغمبر ﷺ همه مطالب اسلام را ابلاغ کرده بودند - باین حال آیه با این بیان نازل می شود، دلیل بر این است که مسئله ولایت از مهم ترین اصول دین و جزء ارکان اصلی اسلام است.

ضرورت تبلیغ هویت ولایی

اینها همه دلالت بر این دارد که مسئله ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بسیار باعظمت و مهم است. باید اهمیت این مسئله را برای مردم ابلاغ کرد. باید به مردم گفت که هویت ما، هویت ولایی است و باید آن را حفظ کنیم. در مقابل جریاناتی که در این زمان می خواهند هویت دینی مذهبی ما را تضعیف کنند و به وسیله کتاب، شعر و دیگر حرف ها به هویت ما ضربه بزنند باید به قوّت این هویت بیفزایید. باید به مردم یادآوری کنید که ما چنین هویت درخشانی داریم. باید خطبه مهم غدیر را ترویج کنید. باید به همه مردم اعلام کرد که غدیر یعنی ولایت؛ غدیر یعنی هویت و استقلال مذهبی.

۱. مائده، ۶۷. «ای پیامبر، آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده ای، و خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می دارد».

آرزوی توفیق تبلیغ غدیر

به هر حال بنده از شما تشکر می‌کنم و آرزو داشتم که ای کاش بنده در این سفرهای تبلیغی غدیر خدمت شما بودم و توفیقی که برای شما فراهم شده است نصیب بنده هم می‌شد. امیدوارم خدماتی که انجام می‌دهید همه مورد قبول درگاه اقدس حضرت ولیّ عصر علیه السلام قرار بگیرد.





۱۱ نگهبانان ولایت^۱

قال الله تعالى:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ
تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ
النَّاسِ﴾^۲

بنده اولاً توفیقاتی را که در احیای امر اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً ولایت
امیرالمؤمنین علیه السلام و نشر فضایل و مناقب آن حضرت نصیب شما شده
است تبریک عرض می‌کنم.

ارزش والای نعمت ولایت

شما عزیزان باید در پیشگاه خداوند متعال از این نعمت ولایت
خیلی شاکر باشید که اگر انسان فاقد نعمت ولایت باشد، نعمت‌های

۱. دیدار با اعضای ستاد غدیر مشهد مقدس، تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۹۱ هجری شمسی.

۲. مائده، ۶۷. «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن و اگر
نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از «گزند» مردم، نگاه می‌دارد».

دیگر - هر چقدر هم باشد - بدون اين نعمت برای انسان اسباب فضيلت نمی شود. همه نعمت ها در جنب نعمت عظيم ولايت ظهور می کند و مورد استفاده صحيح و اسباب ترقی و سير به مقامات بلند و تقرب به خداوند متعال می شود.

خداوند متعال، حافظ حقیقی ولایت

شما خدا را شاکر باشید که الحمدلله نعمت ولایت را تعظیم و تکریم می کنید و از نگهبانان اين عنوان بين مردم هستید، البته نگهبان حقیقی مسئله ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، خداوند متعال است که در طول ازمنه، قرون و اعصار باوجود همه دشمنانی که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) داشته است و قدرت های مادی، حکام و ستمگرانی که بودند و حتی اوضاعی که در مثل روز عاشورا پیش آمد آن مصیبت بزرگی که نه سابقه داشت و نه بعدها محقق خواهد شد که دشمنان ولایت و اهل بیت (علیهم السلام) آن روز را برای خاندان رسالت و ولایت پایان وجود آنها و پایان بنی هاشم و پایان اسلام ناب می شمردند، از همان روز انوار ولایت بیش ازپیش تابیدن گرفت و وجود فناپذیر اهل بیت (علیهم السلام) بیشتر آشکار گردید.

اعتراف فریقین به فضایل علی (علیه السلام)

تشعشع بیش ازپیش نور ولایت باوجود همه دشمنی ها، همه علامت حقانیت ولایت است. وقتی از خلیل بن احمد پرسیدند:



«مَا تَقُولُ فِي شَأْنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؟».

در توصیف این موقعیت‌های تاریخی و مبارزه بین حق و باطل و پیروزی حق بر باطل چنین گفت:

«مَا أَقُولُ فِي حَقِّ امْرِءٍ كَتَمَتْ مَنَاقِبُهُ أَوْلِيَاؤُهُ خَوْفًا

وَأَعْدَاؤُهُ حَسَدًا، ثُمَّ ظَهَرَ مِنْ بَيْنِ الْكَتْمِينَ مَا مَلَأَ

الْحَاكِقِينَ».^۱

می‌گوید: وضعیتی خاصی به وجود آمده بود که دشمن‌ها از روی دشمنی فضایل علی (علیه السلام) را کتمان می‌کردند و دوستان هم از روی خوف و به‌خاطر ممنوعیت نقل احادیث در قرن اول و دوم و بعد از آن به صورت‌های دیگر نمی‌توانستند این فضایل را بگویند.

خلیل بن احمد می‌گوید که در بین این دو کتمان، آن‌قدر از فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) ظاهر شد که شرق و غرب عالم را فرا گرفته است. و چنان شد که مثل شافعی بگوید:

أَنَا عَبْدٌ لِلْفَتَى

أُنْزِلَ فِيهِ «هَلْ أَتَى»^۲

۱. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲۶، ص ۱۱-۱۲، بیان خلیل بن احمد فراهیدی نحوی معروف. «چه بگویم در حق مردی که دوستانش از ترس و دشمنانش از روی رشک و حسد مناقب او را پنهان کردند سپس مناقب آن‌حضرت از میان دو پنهان‌کاری شرق و غرب عالم را پر کرد».

۲. «من بنده جوان‌مردی هستم که درباره او سوره «هل اتی» نازل شد».



و محدثین معروف اهل سنت در آن شرایط سخت، کتاب «فضایل» و «مناقب» امیرالمؤمنین علیه السلام نوشتند و اوضاع به نحوی پیش رفت که الآن در تمام شعب علوم اسلامی، مسئله غدیر مطرح است. در علم تفسیر، در علم اسباب نزول، در علم لغت، در حدیث، در تاریخ، کتب تراجم و معرفة الصحابه و سایر علوم، حدیث غدیر مورد استشهاد محققان و علمای بزرگ واقع شده است.

بالآخره جایی نیست که مسئله غدیر و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»^۱ نباشد، یعنی می توانیم بگوییم که یقینی ترین کلامی که از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به اتفاق فریقین صادر شده است همین:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ

وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ

مَنْ خَذَلَهُ»^۲

است.

۱ . «هرکس که من ولیّ و مولای اویم این علی ولیّ و مولای اوست».

۲ . طبری، بشارة المصطفی، ص ۲۰۷؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۶۲؛ خوارزمی، المناقب، ص ۲۰۵؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۹، ۲۲۸؛ قندوزی، ینایع المودّة، ج ۱، ص ۱۰۷؛ ج ۲، ص ۲۸۲ - ۲۸۳ . «بار خدایا کسی که او را دوست دارد تو او را دوست دار و کسی که او را دشمن بدارد تو او را دشمن بدار و هرکس او را یاری کند تو او را یاری کن و هرکس او را خوار کند تو او را خوار کن».



هیچ کسی نمی تواند اینها را انکار کند یا بگوید شک دارم و اگر کسی بگوید شک دارم معنایش این است که کمال عناد و لجاج را دارد و مثل این است که آفتاب را ببیند و بگوید که شک دارم الآن آفتاب است و روز می باشد.

حدیثی به این کثرت اسانید و مصادر اگر هم یافت شود بسیار نادر و کمیاب است. در مورد اسناد حدیث غدیر هم، دانشمند بزرگ اهل سنت ابوالمعالی جوینی می گوید که در بغداد در نزد صحافی یک جلد کتاب دیدم که بر آن نوشته شده بود:

«المجلدة الثامنة والعشرون من طرق قوله ﷺ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، وبتلوه المجلدة

التاسعة والعشرون؛ جلد بیست و هشتم از طرق حدیث: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ» که جلد بیست و نهم بعد از آن می آید».^۱

بعضی از بزرگان و حفاظ علم حدیث، مثل ابن عقده - که مورد قبول همگان است و در علم حدیث تا آنجا پیش رفته که می گوید: «یکصد هزار حدیث مسند حفظ دارم و سیصد هزار احادیث دیگر هم نقل می کنم»،^۲ مخصوصاً کتاب «الولایه» دارند که فقط مربوط به حدیث غدیر است نه روایات دیگر. حال در مورد چنین مطلب و مقامی واقعاً انسان مبهوت می شود که چطور حرف بزند، چه بگوید و از کجا شروع کند؟

۱. قندوزی، ینابیع المودّة، ج ۲، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۲. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۲۰؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۳۴۶-۳۴۷.



امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله

بهرتر آن است که در مورد فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام به کلام شخص پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله - که ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾^۱ - مراجعه کنیم، آنجا که می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَضَائِلَ لَا يُحْصِي عَدَدَهَا غَيْرُهُ»^۲

یعنی خداوند متعال برای برادرم علی بن ابی طالب فضایلی قرار داده است که آنها را غیر از خداوند کسی قادر نیست حساب و احصا کند. یا اینکه فرمود:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْلَا أَنْ تَقُولَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي فِيكَ مَا قَالَتِ النَّصَارَىٰ فِي ابْنِ مَرْيَمَ لَقُلْتُ الْيَوْمَ فِيكَ مَقَالًا لَا تَمُرُّ بِمَلَأٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَخَذُوا الثَّرَابَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْكَ لِلْبَرَكَةِ»^۳

۱. نجم، ۳-۴. «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید؛ آنچه می گوید جز وحی که بر او نازل شده نیست».

۲. صدوق، الامالی، ص ۲۰۱؛ مجلس ۲۸؛ قتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۱۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۹۶. «خدای متعال برای برادرم علی بن ابی طالب فضایلی قرار داده است که آن فضایل را جز خودش کسی نمی تواند شمارش کند».

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۸۱، ب ۹۱، ح ۱۱۴؛ قندوزی، ینایع الموده، ج ۱، ص ۳۹۳؛ ج ۲، ص ۴۸۶ - ۴۸۷. «سوگند به خدایی که جانم در کف قدرت اوست، هر

یعنی اگر گروهی از امت من آنچه را که نصاری نسبت به عیسی گفتند درباره تو نمی گفتند، چیزهایی درباره تو می گفتم که مسلمانان خاک پای تو را برای تبرک برمی داشتند.

فضایل علی علیه السلام در سروده های شعرا

فضایل، مقامات و درجات معنوی بالا و ملکوتی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خیلی بیشتر از این است که در تصور حتی علمایی که در این رشته ها مقامات بلندی داشته و خیلی زحمت کشیده اند بیاید. به طور مثال شاعر می گوید:

قِيلَ لِي: قُلْ لِعَلِّي مَدْحًا مَدْحُهُ يَحْمَدُنَّ نَاراً مُؤَصَّدَةً
قُلْتُ هَلْ أَمْدَحُ مَنْ فِي فَضْلِهِ صَارَ ذُو اللَّبِّ إِلَى أَنْ عَبَلَمَ
النَّبِيِّ الْمُضْطَفَى قَالَ لَنَا لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ لَمَّا صَعِدَهُ
وَضَعَ اللَّهُ عَلَى ظَهْرِي يَدًا فَأَرَانِي الْقُلُوبَ إِنْ قَذَبَرَدَهُ
وَعَلِّيَّ وَاضِعُ رِجْلَيْهِ لِي بِمَكَانٍ وَضَعَ اللَّهُ بِدَهُ^۱

یا میبیدی که از اهل سنت است مطالبی در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام دارد،

→ اگر نبود اینکه گروه هایی از اتمم درباره تو بگویند چیزی را که نصاری درباره عیسی فرزند مریم گفتند درباره تو سخنی را می گفتم، که بر جماعتی از مسلمانان عبور نمی کردی جز اینکه خاک زیر پایت را برای تبرک می گرفتند».

۱. این اشعار منتسب به شافعی است که در کتب مختلف نقل شده است از جمله:

دیاربکری، تاریخ الخميس ج ۲، ص ۸۷؛ امینی، الغدير، ج ۷، ص ۱۲.



مثل اینکه می گوید:

بس که تابّد مهر حیدر هر دم از سیمای من
آسمان را سرفرازی باشد از بالای من
چون سخن گویم ز معراجش که آن دوش نبیّ است
پای در دامن کشد فکر فلک پیمای من
بعد می گوید:

طبع من تا گشت چون دریا ز فیض مرتضی
ابر گوهر بار جوید فیض از دریای من
و در آخر هم می گوید:

ای صبا در گردنت خاکم بیر سوی نجف
بعد مُردن چون فرو ریزد ز هم اعضای من

نصوص در فضیلت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

نصوص هم در ولایت و فضیلت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بسیار زیاد است از جمله این نصوص کثیره، سوره «هَلْ أَتَى» است که وقتی انسان در نجف اشرف وارد حرم مطهر می شود در کفشداری سمت راست روی کاشی این شعر را در این باره نوشته است:

«وَسَائِلُ هَلْ أَتَى نَصُّ بِحَقِّ عَلِيٍّ
أَجَبْتُهُ هَلْ أَتَى» نَصُّ بِحَقِّ عَلِيٍّ^۱

۱. منسوب به عبدالباقی فاروقی از مشهورترین شعرای قرن سیزدهم هجری در عهد عثمانی که در دیوان وی، صفحه ۲۶ آمده است.



می گوید: پرسش کننده ای پرسید: آیا آیه ای در شأن علی نازل شده است؟ جواب دادم: سوره «هَلْ أَتَى» نصّ خداوند بر فضیلت اوست. هیچ آیه ای نیست که در شأن مهاجر و انصار نازل شده باشد مگر اینکه در رأس آنها وجود مبارک حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است. مثل ابن بطریق کتابی دارد مخصوص ذکر آیاتی که در مدح و شأن امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است به نام «خصائص الوحي المبين في مناقب امير المؤمنين علیه السلام» وی تمام اینها را از کتب عامّه نقل کرده است با سندهایی که خودش داشته و مشایخی که دارا بوده است.^۱

یا جاحظ دانشمند بزرگ اهل سنت در یکی از رساله ها به این مضمون می گوید که آنچه در اسلام، رأس فضایل، مکارم و مقامات است، چهار چیز می باشد: ایمان به خدا، علم و دانایی، زهد و پرهیزکاری، و جهاد در راه دین و فی سبیل الله.

سپس می گوید: از تمام علمای اسلام، اگر از کسی پرسیم که اسبق و اکمل در ایمان کیست؟ اولین کسی را که بر می شمارند علی علیه السلام است و اگر درباره اعلم از همه اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله سؤال کنیم، اول شخصی را که معرفی می کنند علی علیه السلام است و اگر از آنها که در راه دین جهاد کردند و اسلام از برکت جهاد آنها برپا شد سؤال کنیم، باز هم، همه، اول علی علیه السلام را نام می برند که تنها ثواب یک جهاد او از عبادت امت تا روز قیامت بیشتر است و اگر از زهاد

۱. ابن بطریق، خصائص الوحي المبين، ص ۷۱-۲۴۹.



صحابه و کسانی که دنیا را ترک کرده و فریفته دنیا نشده باشند سؤال کنیم، همه، اسم علی علیه السلام را می‌برند که یک لحظه به دنیا نظر نفرمود.

همان‌طور که او می‌گوید امیرالمؤمنین علیه السلام از هیچ‌کس سؤال نکرده است و هیچ کجا ننوشته‌اند که آن حضرت در جایی از کسی از صحابه مسئله‌ای پرسیده باشد. برعکس، آنها همه از علی علیه السلام می‌پرسیدند^۱ که یک نمونه‌اش همان است که عمر هفتاد و دو بار گفته بود:

«لَوْلَا عَلِيٌّ هَلَكَ عُمَرُ»^۲

یا اینکه درباره غزواتی که امیرالمؤمنین علیه السلام در آن شرکت داشت، همین عمر می‌گفت:

«لَوْلَا سَيْفُهُ لَمَا قَامَ عُمُوْدُ الْإِسْلَامِ»^۳ یعنی اگر شمشیر علی نبود، ستونی برای اسلام بلند نمی‌شد.

این در علم آن حضرت، اما زهد آن حضرت هم بی‌نظیر بود. اگر از زهد صحابه هم از هرکسی پرسید، باز هم امیرالمؤمنین علیه السلام در رأس است، کسی که در تمام عمرش یک لحظه هم به دنیا متوجه نشده بود.

۱. جاحظ، رسائل، ۱۷۹-۱۸۰.

۲. خوارزمی، المناقب، ص ۸۱؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸، ۱۴۱؛ و دیگر مصادر اهل سنت.

۳. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۸۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۷۶.



یا قول عدی بن حاتم را که نقل می‌کند^۱ وقتی پیش معاویه می‌رود، معاویه می‌گوید: «أَيْنَ الطَّرَفَاتِ؟» (او سه پسر داشت؛ طریف و طارف و طرفه که هر سه در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ صفین کشته شدند). عدی گفت: «همه در جنگ در رکاب علی کشته شدند». معاویه گفت: «علی در حق تو به انصاف عمل نکرد که فرزندان تو را به کشتن داد و فرزندان خود را باقی گذاشت؟» وی در جواب گفت: «من به امیرالمؤمنین وفا نکردم که علی در دنیا نباشد و من در دنیا زنده باشم».

بعد هم علی‌رغم استکراهی که داشت با اصرار زیاد معاویه، به بیان فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخت. البته این قضیه در مورد ضرار بن ضمرة کنانی هم نقل شده که در وصف امیرالمؤمنین علیه السلام نزد معاویه به زبان آورد. عبارت این چنین است:

«كَانَ وَاللَّهِ بَعِيدَ الْمَدَى، شَدِيدَ الْقُوَى، يَقُولُ
فَضْلًا، وَيَحْكُمُ عَدْلًا يَتَفَجَّرُ الْعِلْمُ مِنْ جَوَانِبِهِ،
وَتَنْطِقُ الْحِكْمَةُ عَلَى لِسَانِهِ، يَسْتَوْحِشُ مِنَ الدُّنْيَا
وَرَهْرَتَهَا وَيَأْنَسُ بِاللَّيْلِ وَظُلُمَتِهِ، كَانَ وَاللَّهِ غَزِيرَ
الدَّمْعَةِ، طَوِيلَ الْفِكْرَةِ، يُقَلِّبُ كَفَّهُ وَيُخَاطِبُ نَفْسَهُ

۱. محدث قمی، سفینه البحار، ج ۶، ص ۱۸۴ - ۱۸۵؛ همو، الکنی واللقاب، ج ۲،



يُعْجِبُهُ مِنَ اللَّبَاسِ مَا قَصَرَ وَمِنَ الطَّعَامِ مَا
جَشَبَ، كَانَ وَاللَّهِ مَعَنَا كَأَحَدِنَا، يُدْنِينَا إِذَا أَتَيْنَاهُ،
وَيُجِيبُنَا إِذَا سَأَلْنَاهُ، وَكَانَ مَعَ دُنُوهِ لَنَا وَقُرْبِهِ مِنَّا لَا
نُكَلِّمُهُ هَيْبَةً لَهُ»^۱.

اعتراف به عجز از وصف امیرالمؤمنین (علیه السلام)

نواحی و ابعاد عظمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) یکی، دو تا و چند تا نیست و همان‌طور که عرض کردم اصلاً قابل تصور نیست. باید فقط بگوییم:

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست
که تر کنند سرانگشت و صفحه بشمارند

۱. کراجکی، کنز القوائد، ص ۲۷۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۲۷۵، ب ۲۰، ح ۵۳۸. «به خدا سوگند او در دوراندیشی نیرومند بود، سخن او حق را از باطل جدا می‌ساخت، و با دادگری قضاوت می‌کرد از دنیا و زینت آن واهمه داشت. و با شب و ترس و وحشت آن انس داشت. به خدا سوگند پراشک بود و دو چشم گریان داشت، زیاد فکر می‌کرد، دو دستش را روی هم می‌گرداند و خودش را خطاب می‌کرد و یا پروردگارش راز و نیاز می‌کرد. از لباس کوتاه خوشش می‌آمد و غذای خشک (بدون نان خورش) را دوست داشت. به خدا سوگند او در میان مثل یکی از ما بود. هر گاه نزد او می‌رفتیم ما را به نزدیک خود فرا می‌خواند و هر گاه از او چیزی درخواست می‌کردیم خواسته ما را پاسخ می‌گفت و با این همه مهرورزی و اظهار نزدیکی نسبت به ما به دلیل هیبتی که داشت قدرت سخن گفتن با او را نداشتم».

و نیز بگوییم:

تو را چنان که تویی هر نظر کجا بیند

به قدر دانش خود هر کسی کند ادراک

بنده مجدداً از زحمات و خدمات شما عزیزان که در این زمان و
اوضاع این مقام و فضیلت را حائز هستید که فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام و
عید غدیر را گرامی بدارید و آن را ترویج کنید تشکر می‌کنم و
امیدوارم اسامی شما در دفتر خاصّ حضرت ولیّ عصر علیه السلام ثبت شده
باشد.





كتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، الشریف الرضی، تحقیق صبحی صالح، قم، دار الهجرة، ۱۴۱۴ق.
۳. الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، جلال لیدین (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
۴. الاحتجاج، طبرسی، احمد بن علی (م. ۵۶۰ق.)، النجف الاشرف، دار النعمان، ۱۳۸۶ق.
۵. الاختصاص، مفید، محمد بن محمد (م. ۴۱۳ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۶. ارشاد القلوب، دیلمی، حسن بن محمد (م. ۸۴۱ق.)، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۵ق.
۷. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مفید، محمد بن محمد (م. ۴۱۳ق.)، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق.
۸. اسباب النزول، واحدی، علی بن احمد (م. ۴۶۸ق.)، القاهرة، مؤسسه الحلبي، ۱۳۸۸ق.

۹. **الاستدکار**، ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله قرطبي (م. ۴۶۳ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ۲۰۰۰م.
۱۰. **اسنى المطالب فى مناقب الامام على عليه السلام**، جزرى، شمس الدين محمد بن محمد (م. ۸۸۳ق.)، تهران، انتشارات نقش جهان.
۱۱. **الاعتقادات فى دين الاماميه**، صدوق، محمد بن على (م. ۳۸۱ق.)، بيروت، دار المفيد، ۱۴۱۴ق.
۱۲. **اعلام الدين فى صفات المؤمنين**، ديلمى، حسن بن محمد (م. ۸۴۱ق.)، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام لاهياء التراث، ۱۴۰۸ق.
۱۳. **اعلام الورى بأعلام الهدى**، طبرسى، فضل بن حسن (م. ۵۴۸ق.)، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام لاهياء التراث، ۱۴۱۷ق.
۱۴. **ايعان الشيعة**، امين عاملى، سيدمحسن (م. ۱۳۷۱ق.)، بيروت، دار التعارف، ۱۴۰۳ق.
۱۵. **اقبال الاعمال**، ابن طاووس، سيدعلى بن موسى (م. ۶۶۴ق.)، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۴۰۹ق.
۱۶. **الامالى**، صدوق، محمد بن على (م. ۳۸۱ق.)، قم، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۷ق.
۱۷. **الامالى**، طوسى، محمد بن حسن (م. ۴۶۰ق.)، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ق.

۱۸. *الامام علی صوت العدالة الانسانية*، جرداق، جرج، بیروت، دار و مكتبة الحياة، ۱۳۹۱ق.

۱۹. *امان الامة من الضلال والاختلاف*، صافی گلپایگانی، لطف الله، قم، المطبعة العلمية، ۱۳۹۷ق.

۲۰. *الايضاح*، ابن شاذان نیشابوری، فضل بن شاذان ازدی (م. ۲۶۰ق.)، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۶۳ش.

۲۱. *بحار الانوار*، مجلسی، محمدباقر (م. ۱۱۱۱ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۲۲. *البدایة و النهایة*، ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (م. ۷۷۴ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.

۲۳. *البرهان فی تفسیر القرآن*، بحرانی، سیدهاشم حسینی (م. ۱۱۰۷ق.)، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.

۲۴. *بشارة المصطفى ﷺ، لشعبة المرتضى عليه السلام*، طبری، محمد بن ابی القاسم (م. ۵۲۵ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۰ق.

۲۵. *بغية الوعاة فی طبقات اللغویین والنحاة*، سیوطی، جلال الدین (م. ۹۱۱ق.)، القاهرة، مطبعة السعادة، ۱۳۲۶ق.

۲۶. *بلاغات النساء*، ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (م. ۲۸۰ق.)، قم، مكتبة بصیرتی.



۲۷. پیام غدیر، صافی گلپایگانی، لطف الله، مشکوة (فصلنامه)، مشهد، آستان قدس رضوی، ش ۳۰، ۱۳۷۰ ش.
۲۸. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، ذهبی، محمد بن احمد (م. ۷۴۸ ق.)، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. تاریخ الامم و الملوك، طبری، محمد بن جریر (م. ۳۱۰ ق.)، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۳ ق.
۳۰. تاریخ الخمیس فی احوال انفس النفیس، دیاربکری، حسین بن محمد (م. ۹۶۶ ق.)، بیروت، دار صادر.
۳۱. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، احمد بن علی (م. ۴۶۳ ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.
۳۲. تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر، علی بن حسن (م. ۵۷۱ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ق.
۳۳. تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، حسینی استرآبادی، سیدشرف الدین علی (م. ۹۶۵ ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۳۴. تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (م. قرن ۴)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳۵. تفسیر الصافی، فیض کاشانی، محسن بن مرتضی (م. ۱۰۹۱ ق.)، تهران، مکتبة الصدر، ۱۴۱۶ ق.



۳۶. **التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)**، فخر رازی، محمد بن عمر (م. ۶۰۶ ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳۷. **تنقيح المقال فی علم الرجال**، مامقانی، عبدالله (م. ۱۳۵۱ ق.)، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث، ۱۴۲۷ ق.
۳۸. **التوحيد**، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۳۹۸ ق.
۳۹. **تهذيب الاحکام**، طوسی، محمد بن حسن (م. ۴۶۰ ق.)، تهران، دار الكتب الاسلامیة، ۱۳۶۴ ق.
۴۰. **جامع السعادات**، نراقی، محمد مهدی (م. ۱۲۰۹ ق.)، النجف الاشرف، دار النعمان.
۴۱. **الجامع الصغير فی احادیث البشير النذیر**، سیوطی، جلال الدین (م. ۹۱۱ ق.)، بیروت، دار الفكر، ۱۴۰۱ ق.
۴۲. **الجامع لاحکام القرآن (تفسير قرطبی)**، قرطبی، محمد بن احمد (م. ۶۷۱ ق.)، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۴۳. **الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة**، حر عاملی، محمد بن حسن (م. ۱۰۴۱ ق.)، النجف الاشرف، دار النعمان، ۱۳۸۴ ق.
۴۴. **حلیة الابرار فی احوال محمد وآله الاطهار علیهم السلام**، بحرانی، سید هاشم حسینی (م. ۱۰۷۰ ق.)، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۴ ق.
۴۵. **خصائص الائمة علیهم السلام**، سید رضی، محمد بن حسین (م. ۴۰۶ ق.)،



- مشهد، آستان قدس رضوى، ١٤٠٦ق.
٤٦. **خصائص الوحي المبين**، ابن بطريق، يحيى بن حسن (م. ٦٠٠ق.)، قم، دار القرآن الكريم، ١٤١٧ق.
٤٧. **الدر المثور في تفسير بالمأثور**، سيوطى، جلال الدين (م. ٩١١ق.)، قم، كتابخانه مرعشى نجفى، ١٤٠٤ق.
٤٨. **الدعاء**، طبرانى، سليمان بن احمد (م. ٣٦٠ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٣ق.
٤٩. **دعائم الاسلام**، مغربى، قاضى نعمان بن محمد تميمى (م. ٣٦٣ق.)، القاهرة، دار المعارف، ١٣٨٣ق.
٥٠. **دلائل الامامة**، طبرى امامى، محمد بن جرير (م. قرن ٥)، قم، مؤسسة البعثة، ١٤١٣ق.
٥١. **رسائل الجاحظ (الكلامية)**، جاحظ، عمرو بن بحر (م. ٢٥٥ق.)، بيروت، دار و مكتبة الهلال، ٢٠٠٢م.
٥٢. **ربيع الابرار ونصوص الاخبار**، زمخشري، محمود بن عمر (م. ٥٣٨ق.)، بيروت، مؤسسة الاعلمى، ١٤١٢ق.
٥٣. **روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه**، مجلسى، محمد تقى (م. ١٠٧٠ق.)، قم، مؤسسة فرهنگ اسلامى كوشانبور، ١٤٠٦ق.
٥٤. **الروضة المختارة (شرح القصائد العلويات السبع)**، ابن ابى الحديد، عز الدين (م. ٦٥٦ق.)، بيروت، مؤسسة الاعلمى.



۵۵. *روضة الواعظین و بصيرة المتعظین*، فتال نیشابوری، محمد بن حسن (م. ۵۰۸ ق.)، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۵ ش.
۵۶. *الروضة فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب*، شاذان قمی، شاذان بن جبرئیل، (م. ۶۶۰ ق.)، قم، مكتبة الامین، ۱۴۲۳ ق.
۵۷. *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، افندی اصفهانی، عبدالله (م. ۱۱۳۰ ق.)، قم، مؤسسه
۵۸. *زاد المعاد*، مجلسی، محمدباقر (م. ۱۱۱۱ ق.)، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۲۳ ق.
۵۹. *سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار*، محدث قمی، عباس (م. ۱۳۵۹ ق.)، تهران، دار الأسوة، ۱۴۱۶ ق.
۶۰. *سنن ابی دود*، ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (م. ۲۷۵ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ ق.
۶۱. *سنن الترمذی*، ترمذی، محمد بن عیسی (م. ۲۷۹ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ ق.
۶۲. *سیر اعلام النبلاء*، محمد بن احمد (م. ۷۴۸ ق.)، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۳ ق.
۶۳. *السيرة الحلبیه*، حلبی، علی بن برهان (م. ۱۰۴۴ ق.)، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۰ ق.

۶۴. *السيرة النبويه*، ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م. ۷۷۴ ق.)، بيروت، دار المعرفة، ۱۳۹۶ ق.
۶۵. *السيرة النبويه*، ابن هشام، عبدالملك حميرى (م. ۸۰-۲۱۳ ق.)، القاهرة، مكتبة محمد على صبيح و اولاده، ۱۳۸۳ ق.
۶۶. *الشافى فى الامامة*، سيد مرتضى، على بن حسين (م. ۴۳۶ ق.)، قم، انتشارات اسماعيليان، ۱۴۱۰ ق.
۶۷. *شرح احقاق الحق*، مرعى نجفى، سيدشهاب الدين (م. ۱۴۱۱ ق.)، قم، كتابخانه مرعى نجفى، ۱۴۰۹ ق.
۶۸. *شرح الاخبار فى فضائل الائمة الاطهار*، مغربى، قاضى نعمان بن محمد تميمى (م. ۳۶۳ ق.)، قم، نشر اسلامى، ۱۴۱۴ ق.
۶۹. *شرح نهج البلاغه*، ابن ابى الحديد، عزالدين (م. ۶۵۶ ق.)، دار احياء الكتب العربية، ۱۳۷۸ ق.
۷۰. *شواهد التنزيل*، حاكم حسانى، عبيدالله بن عبدالله (م. ۵۰۶ ق.)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ۱۴۱۱ ق.
۷۱. *صحيح البخارى*، بخارى، محمد بن اسماعيل (م. ۲۵۶ ق.)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۱ ق.
۷۲. *صحيح مسلم*، مسلم نيشابورى، مسلم بن حجاج (م. ۲۶۱ ق.)، بيروت، دار الفكر.



۷۳. *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، ابن طاووس، سیدعلی بن موسی (م. ۶۴۰ ق.)، قم، مطبعة الخيام، ۱۳۹۹ ق.

۷۴. *عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار*، ابن بطریق، یحیی بن حسن (م. ۶۰۰ ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۷ ق.

۷۵. *عوالی الثالی العزیزة فی الاحادیث الدینیة*. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی (م. ۸۸۰ ق.)، قم، مطبعة سیدالشهداء علیه السلام، ۱۴۰۳ ق.

۷۶. *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ ق.)، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ ق.

۷۷. *غایة المرام و حجة الخصام*، بحرانی، سیدهاشم حسینی (م. ۱۰۷۰ ق.)،

۷۸. *الغدير فی الكتاب و السنة و الادب*، امینی، عبدالحسین (م. ۱۳۹۲ ق.)، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۳۹۷ ق.

۷۹. *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م. ۸۵۲ ق.)، بیروت، دار المعرفة.

۸۰. *فخر دوران (نکوداشت استاد اعظم و زعیم بزرگ جهان اسلام مرحوم آية الله العظمی بروجردی علیه السلام)*، صافی گلپایگانی، لطف الله، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آية الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الشریف، ۱۳۹۴ ش.

۸۱. *فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطین و الائمة من ذریتهم علیهم السلام*، جوینی، ابراهیم بن محمد (م. ۷۳۰ ق.)، بیروت، مؤسسه المحمودی، ۱۴۰۰ ق.



٨٢/الكافي، كليني، محمد بن يعقوب (م. ٣٢٩ق.)، تهران، دار الكتب الاسلامية، ١٣٦٣ش.

٨٣/الكامل في التاريخ، ابن اثير جزري، علي بن محمد (م. ٦٣٠ق.)، بيروت، دار صادر، ١٣٨٦ق.

٨٤/كتاب سليم بن قيس، هلالى عامرى، سليم بن قيس (م. ٨٥ق.)، قم، نشر الهادى، ١٤٢٠ق.

٨٥/كتاب السنه، ابن ابي عاصم، احمد بن عمرو (م. ٢٨٧ق.)، بيروت، المكتب الاسلامى، ١٤١٣ق.

٨٦/كفاية الاثر فى النص على الائمة الاثنى عشر عليه السلام، خزاز قمى، علي بن محمد (م. ٤٠٠ق.)، قم، انتشارات بيدار، ١٤٠١ق.

٨٧/كمال الدين و تمام النعمة، صدوق، محمد بن علي (م. ٣٨١ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤٠٥ق.

٨٨/كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، متقى هندی، علي (م. ٩٧٥ق.)، بيروت، مؤسسه الرسالة، ١٤٠٩ق.

٨٩/كنز الفوائد، كراجكى، محمد بن علي (م. ٤٤٩ق.)، قم، مكتبة المصطفوى، ١٣٦٩ش.

٩٠/الكنى و الالقب، محدث قمى، عباس (م. ١٣٥٩ق.)، تهران، مكتبة الصدر.

٩١.مائه منقبة من مناقب امير المؤمنين عليه السلام، ابن شاذان قمى، محمد بن احمد

(م. ۱۲۰۴ق.)، قم، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۷ق.

۹۲. مجمع البيان في تفسير القرآن، طبرسي، فضل بن حسن (م. ۵۴۸ق.)، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ۱۴۱۵ق.

۹۳. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، هيثمي، علي بن ابي بكر (م. ۸۰۷ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۰۸ق.

۹۴. المحاسن، برقي، احمد بن محمد (م. ۲۷۴ق.)، تهران، دار الكتب الاسلامية، ۱۳۷۰ق.

۹۵. المختصر، حلي، حسن بن سليمان (م. قرن ۹)، المكتبة الحيدرية، ۱۴۲۴ق.

۹۶. مسار الشيعة في مختصر تواريخ الشريعة، مفيد، محمد بن محمد (م. ۴۱۳ق.)، بيروت، دار المفيد، ۱۱۱۴ق.

۹۷. مختصر بصائر الدرجات، حلي، حسن بن سليمان (م. قرن ۹)، النجف الاشرف، المطبعة الحيدرية، ۱۳۷۰ق.

۹۸. مدينة معاجز الائمة الاثني عشر و دلائل الحجج على البشر، بحراني، سيدهاشم حسيني (م. ۱۱۰۷ق.)، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، ۱۴۱۳ق.

۹۹. مروج الذهب و معادن الجواهر، مسعودي، علي بن حسين (م. ۳۴۶ق.)، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۴ق.

۱۰۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوري، ميرزا حسين





- (م. ١٣٢٠ق.)، بيروت، مؤسسة آل البيت عليه السلام لاهياء التراث، ١٤٠٨ق.
١٠١. **المستدرک على الصحيحين**، حاکم نيشابورى، محمد بن عبدالله (م. ٤٠٥ق.)، بيروت، دار المعرفة.
١٠٢. **مسند احمد بن حنبل**، احمد بن حنبل، شيبانى (م. ٢٤١ق.)، بيروت، دار صادر.
١٠٣. **مشكاة الانوار فى غرر الاخبار**، طبرسى، على بن حسن (م. قرن ٧)، قم، دار الحديث، ١٤١٨ق.
١٠٤. **المصباح**، كفعمى، ابراهيم بن على (م. ٩٠٥ق.)، بيروت، مؤسسه الاعلامى، ١٤٠٣ق.
١٠٥. **مصباح المتجهد**، طوسى، محمد بن حسن (م. ٤٦٠ق.)، بيروت، مؤسسه فقه الشيعة، ١٤١١ق.
١٠٦. **المصنف فى الاحاديث والآثار**، ابن ابى شيبه كوفى، عبدالله بن محمد (م. ٢٣٥ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٩ق.
١٠٧. **المعجم الكبير**، طبرانى، سليمان بن احمد (م. ٣٦٠ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٤ق.
١٠٨. **مفاتيح الجنان**، محدث قمى، عباس (م. ١٣٥٩ق.)، قم، مكتبة العزيزى، ١٣٨٥ش.
١٠٩. **مكارم الاخلاق**، طبرسى، حسن بن فضل (م. ٥٥٤ق.)، الشريف الرضى، ١٣٩٢ق.



۱۱۰. مناقب الامام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، کوفی، محمد بن سلیمان (م. قرن ۳)، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۲ق.
۱۱۱. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. ۵۵۸ق.)، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۷۶ق.
۱۱۲. مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مغازلی، علی بن محمد (م. ۴۸۳ق.)، قم، انتشارات سبط النبی صلی الله علیه و آله، ۱۴۲۶ق.
۱۱۳. مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مردویه اصفهانی، احمد بن موسی (م. ۴۱۰ق.)، قم، دار الحدیث ۱۴۲۴ق.
۱۱۴. المناقب، خوارزمی، موفق بن احمد (م. ۵۶۸ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۱۱۵. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، صافی گلپایگانی، لطف الله، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی، ۱۴۲۲ق.
۱۱۶. نظم درر السمطین فی فضائل المصطفی و المرتضی و البتول و السبطین علیهم السلام، زرنندی، محمد بن یوسف (م. ۷۵۰ق.)، اصفهان، مكتبة الامام امیر المؤمنین علیه السلام العامة، ۱۳۷۷ق.
۱۱۷. نهج الحق و كشف الصدق، علامه حلی، حسن بن یوسف (م. ۷۲۶ق.)، قم، دار الهجرة، ۱۴۱۴ق.

۱۱۸. الوافی، فیض کاشانی، محسن بن مرتضی (م. ۱۰۹۱ ق.)، مكتبة الامام اميرالمؤمنين عليه السلام العامة، ۱۴۰۶ ق.
۱۱۹. وسائل الشیعه، حرّ عاملی، محمد بن حسن (م. ۱۱۰۴ ق.)، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام للاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۱۲۰. ينابيع المودة لنزوى القربى، قندوزی، سليمان بن ابراهيم (م. ۱۲۹۴ ق.)، تهران، دار الأسوة، ۱۴۱۶ ق.





آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی در یک نگاه

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
قرآن و تفسیر			
۱	تفسیر آیه فطرت	فارسی	—
۲	القرآن مصون عن التحریف	عربی	—
۳	تفسیر آیه التطهیر	عربی	—
۴	تفسیر آیه الانذار	عربی	—
۵	پیام های قرآنی	فارسی	—
حدیث			
۶	منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام (۳ جلدی)	عربی	اردو/ انگلیسی/ فارسی
۷	غیبة المنتظر	عربی	—
۸	قبس من مناقب أمير المؤمنين علیه السلام (مئة وعشر حدیث من کتب عامّة)	عربی	—
۹	پرتوی از فضائل امیر المؤمنین علیه السلام در حدیث	فارسی	—
۱۰	أحادیث الأئمة الإثني عشر علیهم السلام ، أساندها وألفاظها	عربی	—
۱۱	أحادیث الفضائل	عربی	—
فقه			
۱۲	توضیح المسائل	فارسی	—



۱۳	منتخب الاحکام	فارسی	—
۱۴	احکام نوجوانان	فارسی	انگلیسی
۱۵	جامع الاحکام (۲ جلدی)	فارسی	—
۱۶	آیین قضاوت در اسلام	فارسی	—
۱۷	استفتائات قضایی	فارسی	—
۱۸	استفتائات پزشکی	فارسی	—
۱۹	مناسک حج	فارسی	عربی
۲۰	مناسک عمره مفرد	فارسی	عربی
۲۱	هزار سؤال پیرامون حج	فارسی	—
۲۲	پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش	فارسی	آذری
۲۳	احکام خمس	فارسی	—
۲۴	اعتبار قصد قربت در وقف	فارسی	—
۲۵	رساله در احکام ثانویه	فارسی	—
۲۶	فقه الحج (۴ جلدی)	عربی	—
۲۷	هدایة العباد (۲ جلدی)	عربی	—
۲۸	هدایة السائل	عربی	—
۲۹	حواشی علی العروة الوثقی	عربی	—
۳۰	القول الفآخر فی صلاة المسافر	عربی	—
۳۱	فقه الخمس	عربی	—
۳۲	أوقات الصلوة	عربی	—
۳۳	التعزیر (أحكامه وملحقاته)	عربی	—
۳۴	ضرورة وجود الحكومة	عربی	فارسی
۳۵	رسالة فی معاملات المستحدثة	عربی	—
۳۶	التداعی فی مال من دون بینة ولا ید	عربی	—
۳۷	رسالة فی المال المعین المشتبه ملکیتة	عربی	—
۳۸	حكم نکول المدعی علیه عن الیمین	عربی	—
۳۹	إرث الزوجة	عربی	—



—	عربی	مع الشيخ جاد الحق في إرث العصبه	٤٠
—	عربی	حول ديّات ظريف ابن ناصح	٤١
—	عربی	بحث حول الاستسقام بالأزلام (مشروعية الاستخارة)	٤٢
—	عربی	الرسائل الخمس	٤٣
—	عربی	الشعائر الحسينية	٤٤
آذری	فارسی	آنچه هر مسلمان باید بداند	٤٥
—	عربی	الرسائل الفقهية من فقه الإمامية	٤٦
—	عربی	الإتقان في أحكام الخلل والنقصان	٤٧
اصول فقه			
—	عربی	بيان الأصول (٣جلدی)	٤٨
—	عربی	رسالة في الشهرة	٤٩
—	عربی	رسالة في حكم الأقل والأكثر في الشبهة الحكمية	٥٠
—	عربی	رسالة في الشروط	٥١
عقاید و کلام			
—	فارسی	شرح حدیث عرض دین	٥٢
—	فارسی	به سوی آفریدگار	٥٣
—	فارسی	الهیات در نهج البلاغه	٥٤
—	فارسی	معارف دین (٣جلدی)	٥٥
—	فارسی	پیرامون روز تاریخی غدیر	٥٦
—	فارسی	ندای اسلام از اروپا	٥٧
—	فارسی	صبح صادق (٣جلدی)	٥٨
—	فارسی	نگرشی بر فلسفه و عرفان	٥٩
—	فارسی	نیایش در عرفات	٦٠
—	فارسی	سفرنامه حج	٦١



۶۲	شهید آگاه	فارسی	—
۶۳	امامت و مهدویت	فارسی	—
۶۴	نوید امن و امان	فارسی	—
۶۵	فروغ ولایت در دعای ندبه	فارسی	عربی
۶۶	ولایت تکوینی و ولایت تشریعی	فارسی	—
۶۷	معرفت حجت خدا	فارسی	—
۶۸	عقیده نجات بخش	فارسی	—
۶۹	نظام امامت و رهبری	فارسی	—
۷۰	اصالت مهدویت	فارسی	عربی
۷۱	پیرامون معرفت امام	فارسی	—
۷۲	پاسخ به ده پرسش	فارسی	آذری
۷۳	انتظار، عامل مقاومت و حرکت	فارسی	—
۷۴	وابستگی جهان به امام زمان علیه السلام	فارسی	—
۷۵	تجلی توحید در نظام امامت	فارسی	—
۷۶	باورداشت مهدویت	فارسی	—
۷۷	به سوی دولت کریمه	فارسی	انگلیسی
۷۸	گفتمان مهدویت	فارسی	عربی
۷۹	پیام‌های مهدوی	فارسی	—
۸۰	توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه	فارسی	انگلیسی
۸۱	گفتمان عاشورایی	فارسی	—
۸۲	مقالات کلامی	فارسی	—
۸۳	صراط مستقیم	فارسی	—
۸۴	إلی هدی کتاب الله	عربی	—
۸۵	ایران تسمع فتجیب	عربی	—



—	عربی	رسالة حول عصمة الأنبياء والأئمة عليهم السلام	۸۶
—	عربی	تعليقات على رسالة الجبر والقدر	۸۷
—	عربی	لمحات في الكتاب والحديث والمذهب (۳ جلدی)	۸۸
—	عربی	صوت الحق ودعوة الصدق	۸۹
—	عربی	رد أكذوبة خطبة الإمام علي عليه السلام ، على الزهراء عليها السلام	۹۰
—	عربی	مع الخطيب في خطوطه العريضة	۹۱
—	عربی	رسالة في البداء	۹۲
—	عربی	جلاء البصر لمن يتولى الأئمة الإثني عشر عليهم السلام	۹۳
—	عربی	حديث افتراق المسلمين على ثلاث وسبعين فرقة	۹۴
—	عربی	مَن لهذا العالم؟	۹۵
—	عربی	بين العلمين، الشيخ الصدوق والشيخ المفيد	۹۶
—	فارسی	داوری میان شیخ صدوق و شیخ مفید	۹۷
—	عربی	مقدمات مفصلة على «مقتضب الاثر» و «مكيال المكارم» و «منتقى الجمان»	۹۸
—	عربی	أمان الأمة من الضلال والاختلاف	۹۹
—	عربی	البكاء على الامام الحسين عليه السلام	۱۰۰
—	عربی	النقود اللطيفة على الكتاب المسمى بالأخبار الدخيلة	۱۰۱



۱۰۲	پیام غدیر	فارسی	—
تربیتی			
۱۰۳	عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان	فارسی	—
۱۰۴	بهار بندگی	فارسی	—
۱۰۵	راه اصلاح (امر به معروف و نهی از منکر)	فارسی	—
۱۰۶	با جوانان	فارسی	—
تاریخ			
۱۰۷	سیر حوزه های علمی شیعه	فارسی	—
۱۰۸	رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)	فارسی	—
سیره			
۱۰۹	پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام	فارسی	—
۱۱۰	آینه جمال	فارسی	—
۱۱۱	از نگاه آفتاب	فارسی	—
۱۱۲	اشک و عبرت	فارسی	—
تراجم			
۱۱۳	زندگانی آیت الله آخوند ملا محمدجواد صافی گلپایگانی رحمته الله علیه	فارسی	—
۱۱۴	زندگانی جابر بن حیان	فارسی	—
۱۱۵	زندگانی بوداسف	فارسی	—
۱۱۶	فخر دوران	فارسی	—
شعر			
۱۱۷	دیوان اشعار	فارسی	—



۱۱۸	بزم حضور	فارسی	—
۱۱۹	آفتاب مشرقین	فارسی	—
۱۲۰	صحیفه المؤمن	فارسی	—
۱۲۱	سبب المصطفی	فارسی	—
۱۲۲	در آرزوی وصال	فارسی	—
مقاله‌ها و خطابه‌ها			
۱۲۳	حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها)	فارسی	—
۱۲۴	شب‌پرگان و آفتاب	فارسی	—
۱۲۵	شب عاشورا	فارسی	—
۱۲۶	صبح عاشورا	فارسی	—
۱۲۷	با عاشورایان	فارسی	—
۱۲۸	رسالت عاشورایی	فارسی	—